

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت

نام کتاب: نیمه پنهان مسیحیت

مؤلف: دکتر محمدحسن قدیری ابیانه

چاپ اول: دی ۱۳۹۳

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

آماده سازی: فرهاد طبرستانی

چاپخانه: صاحب کوثر

مرکز پخش: تهران - خیابان سمیه - پلاک ۱۷۳ بنیادبعثت

تلفن ۸۸۸۲۳۳۷۴ - ص.پ ۱۳۶۱ - ۱۵۸۱۵

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

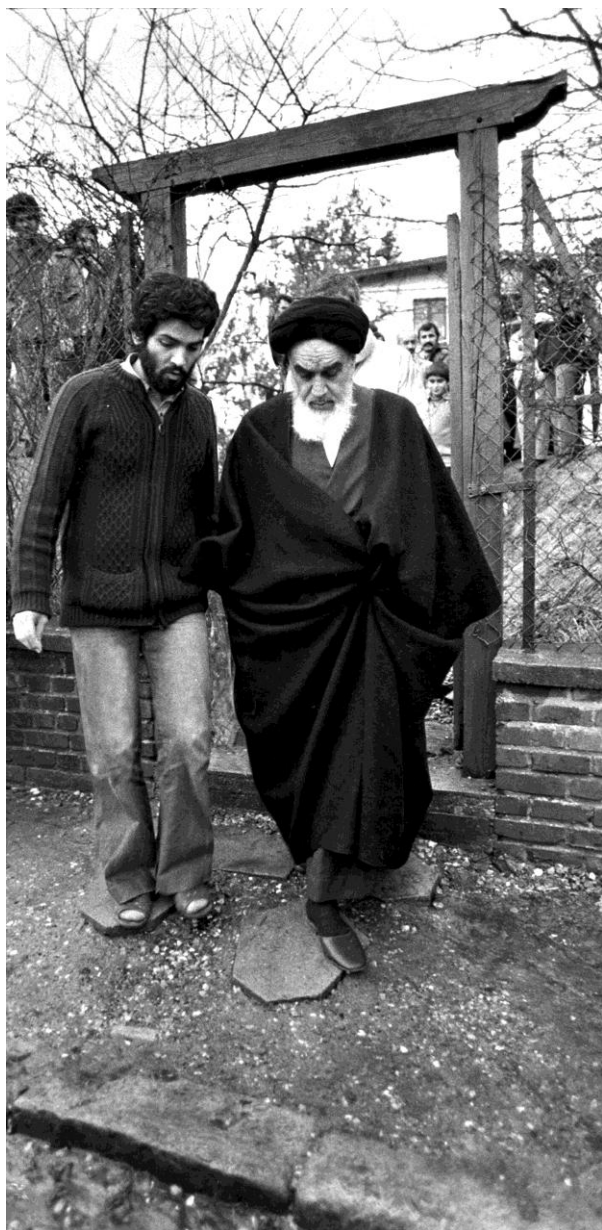
شابک ۴-۴۵۸-۳۰۹-۹۶۴-۹۷۸-4 978-964-309-458-4 ISBN:

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

# نیمه پنهان مسجیت

دکتر محمد حسن قدیری ایساز

[www.ghadiri.ir](http://www.ghadiri.ir)  
[mh.ghadiri@gmail.com](mailto:mh.ghadiri@gmail.com)



محمدحسن قدیری ابیانه در فرانسه کنار حضرت امام  
خمینی (ره) ۱۳۵۷

## تقدیم به



این کتاب را به شهید ایتالیایی، مهدی ادواردو آنیلی Edoardo Agnelli فرزند سوپر میلیاردر ایتالیایی که از پدری کاتولیک و مادری یهودی به دنیا آمد، تقدیم می-کنم. وی با شناخت کامل از مسیحیت و یهودیت با خواندن قرآن، اسلام را برگزید و در این راه از آن همه ثروت گذشت و جان خویش را نیز در این راه نهاد و به خیل شهدا پیوست. روحش شاد.

محمدحسن قدیری ابیانه

## فهرست

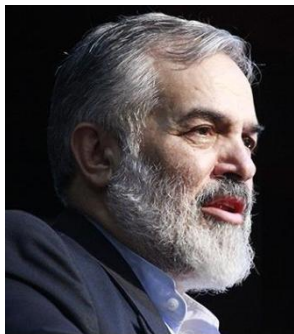
تقدیم به .....	۵
فهرست .....	۶
درباره مؤلف .....	۹
کتاب‌ها .....	۱۰
مقدمه .....	۱۳
<b>■ فصل اول ( پیامبران ) .....</b>	<b>۱۹</b>
پیامبران <sup>(ع)</sup> و عدل الهی .....	۲۰
اسلام و تأیید و حیهای پیش از اسلام .....	۲۱
آدم و حوا در قرآن .....	۲۳
پیامبران <sup>(ع)</sup> در اسلام .....	۲۴
وظایف بشریت در قبال پیامبران .....	۲۵
ابراهیم <sup>(ع)</sup> ، پیامبر اسلام .....	۲۶
موسی <sup>(ع)</sup> ، پیامبر اسلام .....	۲۸
<b>■ فصل دوم ( مریم<sup>(س)</sup> و عیسی<sup>(ع)</sup> در اسلام ) .....</b>	<b>۳۱</b>
مریم <sup>(س)</sup> و عیسی <sup>(ع)</sup> در اسلام .....	۳۲
مریم باکره <sup>(س)</sup> در اسلام .....	۳۳
حجاب در انجیل .....	۳۴
ولادت عیسی <sup>(ع)</sup> .....	۳۴
به سخن در آمدن عیسی <sup>(ع)</sup> از لحظه تولد .....	۳۶
عیسی <sup>(ع)</sup> ، پیامبر اسلام .....	۳۸
فروتنی عیسی <sup>(ع)</sup> .....	۴۲
معجزات مسیح <sup>(ع)</sup> .....	۴۲
دربارهٔ مصلوب ساختن عیسی <sup>(ع)</sup> .....	۴۴
وعده ظهور پیامبر و نه فرزند خدا .....	۴۶
عیسی پیامبر وعده داده شده به موسی .....	۴۷

- عروج عیسی<sup>(ع)</sup> به آسمان‌ها ..... ۵۰
- پیامبران پس از عیسی<sup>(ع)</sup> ..... ۵۲
- یهودیان، مسیحیان و مسلمانان ..... ۵۴
- مسیحیان در قرآن ..... ۵۵
- مسیحیان و مسلمانان از دیدگاه یهودیان ..... ۵۷
- فصل سوم (مقایسه اسلام، کاتولیسیسم و یهودیت) ..... ۶۷
- مقایسه مفهوم خدا ..... ۶۸
- مقایسه ایمان در اسلام و مسیحیت ..... ۷۱
- مقایسه موضوع گناه ذاتی در دو دین ..... ۷۶
- مقایسه ازدواج در اسلام و مسیحیت ..... ۷۹
- مقایسه زن در اسلام و فرهنگ اروپایی ..... ۸۲
- فرهنگ اروپایی یا غربی ..... ۸۴
- مقایسه ایمان آوردن در ادیان ..... ۸۴
- مقایسه وظایف در قبال پیامبران ..... ۸۶
- فصل چهارم (نکته‌ها) ..... ۸۹
- دگماتیسم مذهبی ..... ۹۰
- درباره تثلیث در قرآن ..... ۹۴
- درباره تثلیث در عهد عتیق ..... ۹۴
- به تصویر کشیدن خدا ..... ۹۷
- ترس مسیح (ع) از به صلیب کشیده شدن! ..... ۹۹
- توهین به پیامبران در انجیل ..... ۱۰۴
- راه رفتن حضرت نوح با خدا ..... ۱۰۴
- ادعای زنای لوط با دو دخترش! ..... ۱۰۴
- منابع درآمدی و اتیکان ..... ۱۰۵
- عدم ازدواج کشیشان ..... ۱۰۵
- همجنسگرایی در بین کشیشان ..... ۱۰۶
- رسوایی اخلاقی کشیش ملازم پاپ ..... ۱۰۸
- سوء استفاده جنسی از کودکان در کلیسای هلند ..... ۱۰۹

- ۱۱۱ ..... لاپوشانی تجاوز به کودکان توسط پاپ قبلی
- ۱۱۳ ..... بخشش گناهان
- ۱۱۴ ..... گناه ذاتی و غسل تعمید
- ۱۱۴ ..... فروش برزخ
- ۱۱۵ ..... فروش جهنم
- ۱۱۵ ..... خرید و فروش مناصب کلیسایی
- ۱۱۵ ..... واسطه ازدواج
- ۱۱۶ ..... واسطه انسان با خدا
- ۱۱۶ ..... ورود به مسیحیت
- ۱۱۶ ..... اطاعت پاپ گناهکار نیز واجب است
- ۱۱۷ ..... زندگی پر از فساد پاپ الکساندر بورجا
- ۱۱۸ ..... پاپی که زن از آب در آمد
- ۱۱۸ ..... سرمایه گذاری واتیکان در کارخانجات اسلحه سازی
- ۱۲۳ ..... قرآن و علوم مدرن
- ۱۲۴ ..... سرنوشت فرعون؛ آیتی برای بشریت
- ۱۲۷ ..... مباحثه با راهبه ارتدکس
- ۱۳۶ ..... ملکه دانایی یا ملکه زیبایی!
- ۱۴۳ ..... ■ فصل پنجم (شکنجه، روشی برای ترویج مسیحیت)
- ۱۵۷ ..... طرح پرسش‌های مربوط به کتاب
- ۱۶۲ ..... آثار مؤلف



## درباره مؤلف



دکتر محمدحسن قدیری ابیانه  
کارشناس عالی امور  
استراتژیک وزارت امور  
خارجه، عضو شورای  
بین‌المللی پژوهشگاه فرهنگ و  
اندیشه اسلامی، مدیر تأسیس  
انجمن بین‌المللی نخبگان  
مسلمان است.

وی به سال ۱۳۳۲ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات  
دانشگاهی خود را در سال ۱۳۵۱ در فلورانس ایتالیا در  
رشته معماری آغاز نمود. در سال ۱۳۵۳ هنگامی که ۲۰  
سال داشت، اولین انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در  
ایتالیا را پایه‌گذاری کرد و علیه رژیم سلطنتی وقت ایران و  
در راه پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه کرد.  
در اواخر سال ۱۳۵۷ به حضرت امام خمینی (ره) در  
فرانسه پیوست.

فعالیت دیپلماتیک خود را از آغازین روزهای انقلاب  
اسلامی به عنوان اولین رایزن مطبوعاتی سفارت جمهوری  
اسلامی ایران در ایتالیا آغاز نمود.

در سال ۱۳۶۱ تحصیلات خود را در رشته معماری، در  
فلرانس ایتالیا به پایان برد و نیز دارای درجه دکتری در

علوم استراتژیک با گرایش مدیریت استراتژیک از تهران می‌باشد.

وی سمت سفیری جمهوری اسلامی ایران در استرالیا، بلین، گواتمالا و مکزیک را در سابقه دیپلماتیک خود دارد.

## کتاب‌ها

### اسپانیایی:

اسلام بدون تحریف = (Islam sin distorcion)

این است اسلام = (Esto es El Islam)

### انگلیسی:

این است اسلام = (This is Islam)

• زنان در اسلام = (Woman in Islam) در دست انتشار

• آیا محمد (ص) پیامبر است؟ Is Mohammad a Prophet? در دست انتشار. (موفق به دریافت لوح تقدیر از جشنواره جایزه مسابقه بزرگ پیامبر اعظم (ص) برگزار شده توسط مجمع جهانی اهل بیت (ع) در خرداد ۱۳۹۳)

آلبانیایی: این است اسلام

### فارسی:

- مسیحیت از واقعیت تا تحریف
- زن در اسلام و غرب
- عوامل و موانع فرهنگی کار، تولید و پیشرفت
- کلیدهای پیشرفت، عوامل و موانع فرهنگی کار، تولید و سرمایه

- توهم نفتی و اقتصاد استراحتی، برنامه رهایی از اقتصاد نفتی
- برنامه جهاد اداری؛ نجات ارباب رجوع
- سبک اقتصادی و فرهنگی زندگی؛ از خودتحریمی در اقتصاد معتاد به نفت تا عزم ملی و مدیریت جهادی در اقتصاد مقاومتی
- کتاب "اسلام در مقایسه با مسیحیت" در دست انتشار

### تحقیقات

- برخی از کارهای مفصل تحقیقی عبارت‌اند از:
- بیکاری و استراتژی بهینه جمهوری اسلامی ایران برای رفع آن، از دیدگاه توسعه و امنیت ملی، در ۲۵۰ صفحه؛
- عوامل و موانع فرهنگی، اجتماعی توسعه؛
- نقش روبه‌تزايد سازمان‌های غیردولتی در جهان (۸۰ صفحه، چاپ شده در نشریه علمی دانشگاه و روزنامه اطلاعات)؛
- تأثیر فرهنگ بر سازمان (۱۵۴ صفحه)
- جهاد اداری

### مقالات

- صدها مقاله اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی از ایشان در رسانه‌های گروهی منتشر شده است.

**کنفرانس‌ها:**

سخنرانی در بیش از هزار کنفرانس، همایش، میزگرد، مناظره، کرسی نظریه‌پردازی، کرسی آزاد اندیشی و ... در ایران و خارج از کشور.

**مصاحبه‌ها:**

هزاران مصاحبه با رسانه‌های گروهی و شبکه‌های رادیو تلویزیونی ایرانی و نیز رسانه‌های خارجی (خارجی زبان)

**مسئولیت‌های جنبی سابق در وزارت امور خارجه**

- نماینده وزارت امور خارجه در مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی،
- نماینده وزارت امور خارجه در کمیته مدارس علمیه خارج از کشور؛
- نماینده وزارت امور خارجه در کمیته تعاون جهانی اسلام،

**در ریاست جمهوری:**

به صورت همزمان: از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶:

- معاون ارتباطات و تبلیغات دولت در دفتر رئیس‌جمهور،
- عضو و دبیر شورای عالی سیاست‌گذاری تبلیغات دولت

به طور همزمان: از سال ۱۳۷۶ تا شهریور ۱۳۷۸،

- معاون سخنگوی دولت
- دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت
- رئیس مجمع روابط عمومی‌های کشور؛

## مقدمه

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»<sup>۱</sup>

در این، نشانه‌ی روشنی است برای جمعیتی که اندیشه می‌کنند!

استراتژی واتیکان از زبان جناب پاپ، رهبر کاتولیک-های جهان، در قبال ایران ترویج کلیساهای خانگی است. آنها به روش‌های مختلف در صدد جذب جوانان ایرانی هستند، البته این سیاست مختص ایران نیست، بلکه سیاستی همه‌جانبه در قبال اسلام و در راستای جنگ تمدن‌هاست.

این جنگ، از اشغال عراق، افغانستان و کشتار مسلمانان گرفته، تا تخریب مساجد و تجزیه‌ی کشورهای اسلامی اندونزی و سودان و حاکم‌کردن حکومت‌های سکولار در کشورهای اسلامی و حمایت از اسرائیل و جنایاتش علیه مسلمانان و نیز ترغیب جوانان به پذیرش مسیحیت به عنوان پیش‌شرط کسب ویزای اقامت در غرب و تحریف واقعیت اسلام و تبلیغ علیه آن را دربرمی‌گیرد.

آنها مسیحیان را صلح‌طلب معرفی می‌کنند؛ حال آنکه جنگ اول و دوم جهانی بین مسیحیان درگرفت و ده‌ها

میلیون نفر در این جنگ کشته شدند.

آنها خود را مخالف خشونت معرفی می‌کنند؛ در حالی که به وحشی‌ترین روش‌های شکنجه برای ترویج مسیحیت روی آوردند. موزه‌های شکنجه در غرب، ابزار و روش‌های شکنجه‌های باورنکردنی به دست کشیشان و راهبه‌ها را به نمایش گذاشته‌اند.<sup>۲</sup>

آنها خود را طرفدار گسترش علم معرفی می‌کنند؛ اما داستان محکومیت گاليله به اعدام توسط کلیسا به جرم کروی دانستن کره زمین را همگان می‌دانند.

اصولاً پیشرفت در غرب، نتیجه کنارزدن مذهب تحریف‌شده مسیحیت امروزی است و خود به آن اعتراف دارند.

عده‌ای آزادی شهوت‌رانی در غرب را دلیلی برای جذب جوانان غرب‌زده قرار می‌دهند؛ حال آنکه در مکتب مسیحیت رایج، حتی لذت‌بردن از روابط زناشویی امری مذموم است و این روابط فقط برای بقای نسل بشر مجاز شمرده شده است و لذا کشیشان و راهبه‌ها به بهانه اینکه به خدا نزدیک‌تر باشند، از ازدواج منع شده‌اند. حکم حجاب نیز در مسیحیت همچون حکم اسلام است و مطابق با اناجیل، زنان موظفند محجبه باشند و بی‌حجابی موجود در غرب ربطی به مسیحیت ندارد، هرچند امروزه بسیاری از کشیشان خود غرق در فسادند.

---

۲. تصاویر شکنجه در آخر کتاب آمده است.

دربارهٔ درگیری واتیکان در سیاست‌های ضد مردمی، شاید گفته شود که اینها سیاست‌های قدیمی مسیحیان و واتیکان بوده است؛ لیکن واقعیت این است که امروزه هم سیاست همان است.

امروز پول‌های مسیحیان که به کلیساها اهدا می‌گردد، در بانک واتیکان جمع‌آوری و از جمله در کارخانجات تولید سلاح در آمریکا از جمله در کارخانجات لاکهید سرمایه‌گذاری می‌شود؛ سلاح‌هایی که برای کشتار مردم و سلطه بر جهان به مصرف می‌رسد.

از زمان ظهور امپریالیسم آمریکا سیاست‌های واتیکان تحت تأثیر و نفوذ کاخ سفید بوده و در زمان هیتلر و موسولینی نیز واتیکان و کلیساهای آن حامی نازیسم و فاشیسم بوده‌اند و در زمان استعمار نیز کلاً کلیسا پیش-قراول و همراه استعمار در سلب آزادی و استقلال ملتها نقش اساسی ایفا کرده است. حتی پاپ فعلی نیز خود جزو سپاهیان هیتلر بوده و از آنها حمایت کرده است.

ممکن است گفته شود که اصل مسیحیت با آنچه مسیحیان و واتیکان و کلیساها در گذشته و حال انجام می‌دهند، متفاوت است.

موضوع این کتاب در مورد اصل مسیحیت از نظر دیدگاه‌ها و نه صرفاً عملکردهاست.

لذا در اینجا علاوه بر اشاراتی به فساد گستردهٔ کشیشان و تجاوزهای آنها به کودکان که امروزه امری عادی و البته تیتروزمه رسانه‌های غربی است، بر اصل مکتب مسیحیت اشاراتی داریم.

البته مسیح<sup>(ع)</sup> از دیدگاه اسلام پیامبری اولوالعزم است و قرآن معجزات بیشتری نسبت به انجیل برای آن حضرت قائل است.

یک مسلمان نمی‌تواند مسیح<sup>(ع)</sup> را نفی کند و اصولاً اسلام ادامه مسیحیت راستین و در امتداد آن است؛ لیکن انجیل امروزه مسیحیان سال‌ها و در مواردی قرن‌ها پس از حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> به رشته تحریر در آمده است؛ آن‌هم به زبان یونانی و در غرب؛ در حالی که زبان حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> آرامی بوده و در فلسطین (خاورمیانه) می‌زیسته است و لذا تحریفات زیادی در آن صورت گرفته است.

در کتاب حاضر دیدگاه اسلام درباره حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> و مریم مقدس<sup>(س)</sup> و نیز نگاه مسیحیت جاری به آن حضرت مورد توجه و کاوش قرار گرفته و مقایسه‌ای است بین این دو.

این کتاب به حقایقی اشاره می‌کند که معمولاً مبشران مسیحی از بیان آن در جوامع اسلامی پرهیز می‌کنند. نگارنده در کتابی که تحت عنوان «این است اسلام» به زبان‌های اسپانیایی و انگلیسی نگاشته و به چاپ رسیده است، به موضوع مطرح در کتاب حاضر نیز پرداخته است. بزرگ کلیساهای شمال مکزیک آن کتاب را بسیار خطرناک ارزیابی کرده است؛ زیرا پرده‌ها را کنار می‌زند و واقعیت اعتقادات آنان را برملا می‌کند و به تشریح دیدگاه‌های اسلامی - که با چهره تحریف‌شده توسط آنان از اسلام تفاوت دارد - پرداخته است.

این کتاب به «دگماتیسم مذهبی» که مبنای ایمان مسیحی است، عواقب اعتقاد به سه‌خدایی، اعتراف به گناهان، مراسم



خداخوری (عشای ربانی)، گناهکار دانستن نوزادان حتی در رحم مادر و فلسفه غسل تعمید، توهین‌هایی که در انجیل تحریف‌شده به حضرت مسیح (ع) شده و اشکالات در عبادات آنها و امثال آن می‌پردازد.

لازم است ذکر شود که طرح این موضوعات در سخنرانی‌های نگارنده در غرب و ارائه منطق اسلام به زبانی ساده موجب شده بود که افراد زیادی به اسلام گرایش پیدا کنند.

امید است این کتاب پرده‌ها را از بخشی از حقایق کنار بزند و نه تنها مانع فریب‌خوردن افراد شود، بلکه پیروان ادیان مختلف و به‌ویژه مسیحیت را نیز به تفکر وادارد؛ تفکری که بر خلاف آموزه‌های کلیسا نه تنها گناه نیست، بلکه یک ساعت آن، مطابق با حدیث نبوی، از ۷۰ سال عبادت بالاتر است.

نگارنده احترام و افری برای پیروان ادیان الهی و به‌ویژه برای مسیحیان قائل است و در این کتاب صرفاً به نقد و معرفی دیدگاه‌ها با رعایت کمال احترام پرداخته است.

هرچند نقد باورهای مسیحیان خوشایند آنان نباشد و انتظار داشته باشند دگماتیسم مذهبی بر دیگران نیز حکم فرما باشد؛ لیکن همان‌طور که حضرت محمد (ص) فرموده است: «ما کسانی هستیم که در مورد دین خدا مباحثه می‌کنیم».

نگارنده آمادگی خود را جهت مباحثه درباره موضوعات فوق با مسیحیان اعلام می‌دارد.

«... لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»<sup>۳</sup>:

... بر آنان مژده باد، پس بندگان مرا بشارت ده؛ آنان که سخن را با دقت می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنانند که خداوند هدایتشان نموده و آنانند همان خردمندان. از بنیاد بعثت که به چاپ این کتاب اقدام کرد، بسیار سپاسگزارم.

قبلا کتابی را تحت عنوان «مسیحیت از واقعیت تا تحریف» نگاشتم که محتوایش با کتاب «نیمه پنهان مسیحیت» یکسان است لیکن نحوه تنظیم آن تفاوت دارد لذا این کتاب را با نام جدید منتشر می‌نمایم. در قسمت پایانی کتاب، سؤالات چهار جوابی طراحی شده است تا احياناً در مسابقات کتابخوانی مورد بهره‌برداری قرار بگیرد.

توجه شما را به این کتاب جلب نموده، کمال تشکر خود را از کسانی دارد نظریات و نقدهای خویش را از طریق ایمیل ارسال دارند، ابراز می‌کند.

ضمناً نسخه دیجیتالی این کتاب به همراه طرح سؤالات و جدول پاسخ‌ها را می‌توان از طریق سایت شخصی نگارنده دریافت نمود. در نسخه دیجیتالی کتاب به منابع اصلی مطالب لینک داده شده است و با یک کلیک می‌توان منبع اصلی را ملاحظه نمود.

محمدحسن قدیری ابیانه

Mh.ghadiri@gmail.com

www.ghadiri.ir

فصل اول

پیامبران

## پیامبران<sup>(ع)</sup> و عدل الهی

خداوند عادل است، عدالت را دوست دارد و آن را درباره همه چیز جاری می‌سازد. عدالت الهی در تمامی سطوح خلقت قابل مشاهده است. بهشت و جهنم نیز در راستای عدالت الهی آفریده شده است.

عادلانه نیست افرادی به جهنم روند بدون اینکه قبلاً هدایت شده باشند.<sup>۴</sup>

به همین دلیل، طبق دین اسلام، برگزیده شدن پیامبران<sup>(ع)</sup> از سوی خداوند، در حیطة عدالت الهی جای می‌گیرد. همه پیامبران، از آدم<sup>(ع)</sup> گرفته تا محمد<sup>(ص)</sup> برای ابلاغ پیامی مشترک برگزیده شدند. طبق قرآن اگر پیام خدا به قومی نرسد آن قوم مواخذه نخواهد شد.<sup>۵</sup>

پیامبران سه وظیفه اصلی بر عهده داشتند

■ آگاهی دادن، از قبیل و حدانیت خداوند و مشیت

الهی برای بشریت، عدل الهی و معاد.

■ مشخص کردن اعمال نیک و شر و آموزش تمیز میان

خوب و بد.

■ دعوت به پیروی از صراط مستقیم و اعمال نیک

۴. اسراء، آیه ۱۵: هرکس هدایت یافت، پس همانا به سود خویش هدایت یافته است و هرکس گمراه شد، تنها به زیان خویش گمراه شده است و هیچ‌کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد و ما هرگز عذاب‌کننده نبوده‌ایم، مگر آنکه پیامبری بفرستیم [و اتمام حجّت کنیم].

۵. قصص، آیه ۵۹: و پروردگارت قریه‌ها [و شهرها] را نابود نمی‌کند، مگر اینکه در میان آنان پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر آنان تلاوت کند و ما هیچ آبادی را هلاک نکردیم مگر آنکه اهل آن ظالم بودند.

و پرهیز دادن از اعمال بد.

برخی از پیامبران <sup>(ع)</sup> به مسئولیت حکومت نیز رسیدند؛ مانند داوود <sup>(ع)</sup>، سلیمان <sup>(ع)</sup> و محمد <sup>(ص)</sup>.

برای حرکت ما به سوی هر یک از دو نهایت، تحمیلی وجود ندارد. پیامبران <sup>(ع)</sup> و ابلیس هم در جایگاه خود، ما را به پیروی از طریقی فرا می‌خوانند. هیچ‌کدام مأموریت و یا قدرت تحمیل را ندارند. پس از ابلاغ خداوند به نیکی، انذار و دعوت، خداوند «معاد بشریت» را برپا می‌کند؛ یعنی در جایی که اعمال مورد قضاوت دقیق<sup>۶</sup> قرار گرفته، عدالت، با تمام معنای خود، جاری می‌گردد و ظلمی از سوی خدا به هیچ کس نخواهد شد.<sup>۷</sup>

## اسلام و تأیید وحی‌های پیش از اسلام

کتاب آسمانی نازل‌شده پیش از قرآن، از شأن والایی نزد مسلمانان برخوردارند، با این‌همه، ایشان معتقدند این کتب از روی قصد و غرض یا بر اثر فاصله زمانی ما بین وقایع نقل قول شده و زمان کتابت آنها، دستخوش تحریف گشته‌اند. همان‌طور که می‌دانیم تورات و انجیل ده‌ها سال پس از آنها، یعنی دریافت‌کنندگان وحی الهی نوشته شده‌اند. قرآن بر این باور تاکید می‌کند.

---

۶. انبیاء، آیه ۴۷: و ما برای روز قیامت، ترازوهای عدل برپا خواهیم کرد، پس [در آن روز] هیچ ستمی به احدی نخواهد شد و اگر [عملی] همسنگ دانه خردلی [هم] باشد، ما آن را [برای محاسبه] خواهیم آورد و [همین قدر در دقت محاسبات] کافی است که ما حسابرس باشیم.

۷. یونس، آیه ۴۴: قطعاً خداوند هیچ ظلمی به مردم نمی‌کند، اما این خود مردم‌اند که به خویشتن ستم می‌کنند.

وحی‌های الهی نازل شده که محتوای قرآن را تشکیل می‌دهند نسخه اصلی وحی‌های پیشین را تأیید کرده، نقش<sup>۸</sup>، مکمل را برای آنها ایفا می‌کند.<sup>۹</sup>

مسلمانان بر این عقیده‌اند که بین کتب آسمانی پیشین متعلق به سه دین ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) هیچ‌گونه تضادی وجود ندارد؛ اما تورات و انجیل در طول زمان دستخوش تغییراتی از جمله حذف برخی موارد و افزودن مطالب دیگر به آنها، مانع از آن گشته‌اند تا این متون مقدس بدون خدشه به دست ما برسند. با این‌همه، مسلمانان برای یهودیان و مسیحیان احترامی بسیار قائل‌اند و با تأکید بر نقاط اشتراک، آنها را به فعالیتی مشترک به سوی صلح، عدالت، مبارزه با فساد و مقابله با انحطاط

۸. مائده، آیات ۱۵-۱۶: ای اهل کتاب! همانا پیامبر ما به سویتان آمد، در حالی که بسیاری از آنچه را شما از کتاب [آسمانی] پنهان می‌کردید برای شما بیان می‌کند و از بسیاری [خلاف‌ها یا حقایقی که شما پنهان کرده‌اید و فعلاً نیازی به آنها نیست] درمی‌گذرد. قطعاً از سوی خداوند، نور و کتاب آشکار برایتان آمده است. خداوند به وسیله آن [کتاب] کسانی را که به دنبال رضای الهی‌اند، به راه‌های امن و عافیت هدایت می‌کند و آنان را با خواست خود از تاریکی‌ها به روشنایی درمی‌آورد، و به راه راست هدایت می‌کند.

۹. مائده، آیه ۴۸: و ما کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند و حاکم و حافظ آنهاست. پس به آنچه خداوند نازل کرده است، میان آنان حکم کن و [با دورشدن] از حقی که برای تو آمده، از هوا و هوس آنان پیروی مکن، ما برای هر یک از شما آیین و طریقه روشنی قرار دادیم، و اگر خداوند می‌خواست، همه شما را یک امت قرار می‌داد [و همه یک قانون و آیین داشتید؛] ولی [خداوند می‌خواهد] شما را در آنچه به شما داده است، بیازماید، پس در کارهای نیک سبقت بگیرید [و بدانید] بازگشت همه شما به سوی خداست، پس او شما را به آنچه در آن اختلاف می‌کردید، آگاه خواهد ساخت.

ارزش‌های اخلاقی دعوت فرامی‌خوانند.

## آدم و حوا در قرآن

خداوند ابتدا آدم و سپس حوا را آفرید. آنها فاقد پدر و مادر بودند و انسان‌های اولیه را تشکیل می‌دهند. آنها ابتدا در بهشت سکنی گزیدند.<sup>۱۰</sup> خدا به آدم هشدار داد تا مبادا فریب ابلیس را بخورد.<sup>۱۱</sup> هنگامی که آدم و حوا از درخت ممنوعه خوردند، خداوند به ایشان گفت که از مرتبهٔ قرب الهی دور گشته‌اند و آنان را برای مدتی به حال خود رها نمود، تا اینکه توبهٔ ایشان را پذیرفت.

قرآن کریم،<sup>۱۲</sup> از آفرینش حضرت عیسی (ع) مشابه آفرینش آدم یاد می‌کند. به این ترتیب، تصور الوهیت عیسی (ع) را نفی می‌کند. به همین واسطه، آدم و حوا نیز با وجود اینکه در معجزه‌ای بزرگ از پدر و مادری زاده نشدند، بشرند. به همین ترتیب، حضرت عیسی (ع) که بنا بر معجزهٔ الهی، بدون پدر پا به عرصهٔ وجود نهاد نیز بشر است.

۱۰. بقره، آیه ۳۵: و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در این باغ سکونت کن و از [هر کجای] آن هرچه می‌خواهید، به فراوانی و گوارایی بخورید، اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمگران خواهید شد.

۱۱. طه، آیه ۱۱۷: ای آدم! همانا این (ابلیس) دشمن تو و همسر توست، پس [مواظب باش که با وسوسه‌هایش] شما را از بهشت بیرون نکند.

۱۲. آل عمران، آیات ۵۹-۶۰: همانا مثل [آفرینش] عیسی نزد خداوند، همچون مثل [آفرینش] آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد. حق، همان است که از جانب پروردگار توست، پس از تردیدکنندگان مباش.

پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) فرمود: همهٔ انسان‌ها، از آدم (ع) تا به امروز، مانند دندان‌های شانه با هم برابرند؛ نه عرب را بر عجم برتری است، نه سفید را بر سیاه، مگر به ملاک تقوا.<sup>۱۳</sup>

## پیامبران (ع) در اسلام

خداوند پیامبران متعددی را برای بشارت و هشدار به بشر فرستاده است.<sup>۱۴</sup> بنا بر اعتقاد شیعه، شمار پیامبران ۱۲۴ هزار می‌باشد که ۵ نفر از آنها اولوالعزم بوده‌اند که عبارتند از: نوح (ع)، ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) و محمد (ص). در تمامی طول تاریخ، الگوی زندگی، رفتار و منش و تعلیمات پیامبران، طی تمامی دوران‌ها به نحوی مستمر روشنگر راه نسل‌های بشر بوده است.

مسلمانان به وسیلهٔ کتاب مقدس خود، قرآن و تعلیمات به جای‌مانده از حضرت محمد (ص)، به مجموعه‌ای عظیم از اطلاعات و دانسته‌ها در رابطه با زندگی پیامبران پیشین دسترسی دارند؛ لذا تعلیمات این آموزگاران بزرگ به همهٔ ابنای بشر، در همهٔ دوران‌ها، بدون هیچ‌گونه تبعیضی تعلق

۱۳. النَّاسُ سَوَاسِيَةٌ كَأَسْنَانِ الْمُشْتَبِطِ مَرْدَمٍ مِثْلَ دَنَدَانِهِ هَايِ شَانِهِ بَا هَمَّ مَسَاوِيٍّ وَ بَا هَمَّ بَرَابِرِنْدِ.

۱۴. فاطر، آیات ۲۴-۲۵: بشارت و هشدار فرستادیم و هیچ امتی نبود مگر آنکه در آن هشداردهنده‌ای گذشته است و اگر تو را تکذیب می‌کنند [نگران مباش؛ زیرا] بدون شک کفّاری که پیش از آنان بودند نیز [انبیا را] تکذیب کردند، پیامبرانشان همراه با معجزه‌ها و دلایل آشکار و نوشته‌ها و کتاب روشنگر به سراغشان آمدند [اما آنان ایمان نیاوردند].



دارند.

## وظایف بشریت در قبال پیامبران

خداوند، پیامبرانی را به عنوان راهنما مبعوث نمود که این امر، وظایفی را در برابر خداوند بر دوش بشر می‌گذارد. این وظیفه شامل گوش‌فرادادن به پیام الهی و پیروی از آن برای درپیش‌گرفتن رویه‌ای مطابق با دستورالعمل الهی است؛ چراکه خداوند به حساب ما در این رابطه رسیدگی خواهد کرد. عهد عتیق نیز از زبان خداوند متعال خطاب به حضرت موسی (ع) به این موضوع اشاره می‌کند:

نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم، به ایشان خواهد گفت و هرکس که سخنان مرا که از طرف من می‌گوید - نشنود، من خود او را مواخذه خواهم کرد.<sup>۱۵</sup>

عهد عتیق همچنین بر آثار پیروی از فرامین الهی تأکید دارد.<sup>۱۶</sup>

و قرآن نیز بر ضرورت پیروی از فرستاده خدا تأکید می‌فرماید.<sup>۱۷</sup>

۱۵. عهد عتیق - سفر خروج - فصل ۱۵ - آیه ۲۶.

۱۶. همان: هرآینه اگر قول بیهوه، خدای خود را بشنوی، و آنچه را در نظر او راست است، به جا آوری و احکام او را بشنوی و تمامی فرایض او را نگاه‌داری، همانا هیچ‌یک از همه مرض‌هایی را که بر مصریان آورده‌ام، بر تو نیاورم؛ زیرا من بیهوه، شفادهنده تو هستم.

۱۷. آل عمران، آیات ۸۱-۹۰؛ و [به یاد آور] هنگامی که خداوند از پیامبران [پیشین] پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد

## ابراهیم (ع)، پیامبر اسلام



که آنچه را با شماست، تصدیق می‌کرد، باید به او ایمان آورید و او را یاری کنید. [سپس خداوند] فرمود: آیا به این پیمان اقرار دارید و بار سنگین پیمان مرا [بر دوش] می‌گیرید؟ [انبیا در جواب] گفتند: [بلی] اقرار داریم، [خداوند] فرمود: خود شاهد باشید و من هم با شما از جمله گواهانم.

پس کسانی که بعد از این [پیمان محکم] روی برگردانند، آنان همان فاسقانند. پس آیا آنها جز دین خدا [دینی] می‌جویند؟ در حالی که هرکه در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه فقط تسلیم اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوند. بگو: به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبران از نسل یعقوب) نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر، از طرف پروردگارشان داده شده است [به همه آنها] ایمان آورده‌ایم و میان هیچ‌یک از آنها فرقی نمی‌گذاریم و ما تنها تسلیم [فرمان] او هستیم و هرکس غیر از اسلام به سراغ دینی دیگر برود، پس هرگز از او قبول نمی‌شود و او در قیامت از زیان‌کاران خواهد بود. چگونه خداوند هدایت کند گروهی را که بعد از ایمان و گواهی بر حقانیت رسول و آمدن معجزات و دلایل روشن بر ایشان، باز هم کافر شدند و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. آنان [که با آن‌همه دلایل روشن و سابقه ایمان، مرتد شدند] کیفرشان آن است که لعنت خدا و فرشتگان و عموم مردم بر آنان باشد.

آنها همواره مورد لعن [خدا و فرشتگان و مردم] هستند، نه عذاب از آنان کاسته شود و نه به آنها مهلت داده شود، مگر کسانی که پس از آن، [از کفر و ارتداد] توبه کنند و [کردار و افکار خود را] اصلاح نمایند که همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. البته کسانی که پس از ایمان آوردن، کافر شدند و سپس بر کفر خود افزودند، هرگز توبه آنها پذیرفته نخواهد شد و آنها همان گمراهانند.

حضرت ابراهیم (ع) در قرآن مورد تکریم خداوند قرار گرفته است.<sup>۱۸</sup>

چهاردهمین سوره قرآن کریم، «ابراهیم» نام دارد. ابراهیم پیامبر، رمز وحدت میان میلیون‌ها انسان به شمار می‌آید.<sup>۱۹</sup> ابراهیم، انسانی بود که تسلیم امر خداوند بود. او توکل پیشه نمود و آماده بود فرزند خویش را به امر خدا بر سر کوه قربانی کند. وی نه تنها پدر مؤمنان محسوب می‌گردد، بلکه از مقامی والا نزد مهم‌ترین ادیان توحیدی جهان، یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام نیز برخوردار می‌باشد.

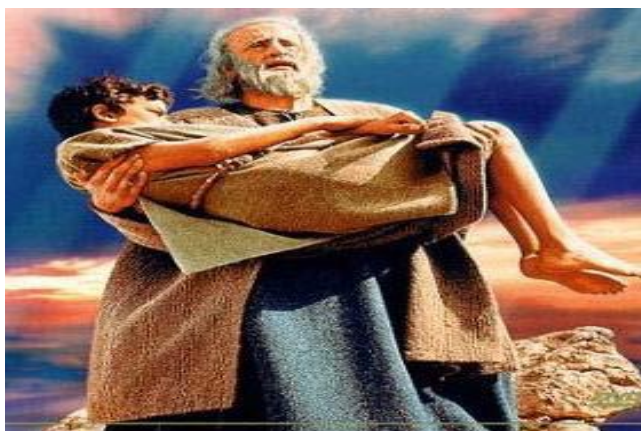
حجاجی که از سراسر جهان به منظور زیارت سالانه نیایش و پارسایی، به شهر مقدس مکه - در عربستان - سفر می‌کنند، به دور کعبه، یعنی خانه خدا که ابراهیم و فرزندش اسماعیل به فرمان پروردگار آن را بنا نهادند، طواف می‌کنند.

ابراهیم، جلوه نیاز و آرزوی نوع بشر برای برقراری ارتباط با خداوند است. یهودیان، مسلمانان و مسیحیان، ابراهیم را حرمت می‌نهند. به عبارتی، از جمله اعتقادات مشترک پیروان سه دین توحیدی، اعتقاد به قداست حضرت ابراهیم (ع) به عنوان پدر ادیان توحیدی است.

۱۸. آل عمران، آیات ۶۷-۶۸: ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه فردی حق‌گرا و تسلیم خدا بود و هرگز از مشرکان نبود. همانا سزاوارترین افراد به ابراهیم، کسانی هستند که از او پیروی کردند و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به او] ایمان آورده‌اند و خداوند سرور و سرپرست مؤمنان است.

۱۹. آل عمران، آیه ۹۵: [ای پیامبر] بگو: خداوند راستگوست، پس، از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی کنید که او از مشرکان نبود.

البته ذکر این نکته ضروری است که متأسفانه در مسیحیت و انجیل تحریف شده که امر تعدد زوجات را نفی می‌کند، ازدواج حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> با هاجر<sup>(س)</sup> را خلاف و گناه شمرده و حضرت اسماعیل<sup>(ع)</sup> را -نعوذبالله- نامشروع معرفی می‌کنند، بدون اینکه پاسخ دهند اگر او فرزند نامشروع بوده است، چرا خدا او را به پیامبری برگزید. این اعتقاد مسیحیان توهین به حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> و حضرت اسماعیل<sup>(ع)</sup> و نیز حضرت هاجر<sup>(س)</sup> می‌باشد.



## موسی<sup>(ع)</sup>، پیامبر اسلام.<sup>۲۰</sup>

موسی<sup>۲۱</sup> طبق قرآن پیامبری بزرگ بود. نام موسی ۱۳۶ بار در قرآن آمده است. موسی، در کاخ فرعون رشد یافت تا اینکه به سن جوانی رسید. یک روز

۲۰. بقره، آیه ۸۷: و همانا ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و از پس او پیامبرانی پشت سر یکدیگر فرستادیم.

۲۰. مفسران، نام موسی را از ریشهٔ زبان قبطی یا مصری کهن می‌دانند که از دو بخش «مو» به معنای آب و «سا» به معنای درخت تشکیل شده است و دلیل چنین

در دفاع از یکی از افراد بنی اسرائیل با یکی از طرفداران فرعون (فرعونی) درگیر شد که منجر به مرگ او گشت. فرعون‌ها بسیج شدند تا وی را دستگیر کنند که وی از آنجا گریخت.

خداوند مأموریت رسالت را به موسی (ع) ابلاغ نمود و برادرش هارون را دستیار او قرار داد تا بدین وسیله بنی اسرائیل را از زیر یوغ حکام جابر مصر رهانیده و صحف قانون را در کوه سینا بر وی نازل نمود. موسی (ع) در اسلام، به عنوان پیامبر خدا از مقامی بسیار والا برخوردار است.

قرآن به بیان معجزاتی برجسته از موسی (ع) می‌پردازد؛ از جمله: بیرون آوردن آب توسط عصای خود از میان سنگ، تبدیل عصا به اژدها و همچنین باز شدن آب دریا برای آنکه قوم بنی اسرائیل بتواند از دست لشکریان فرعون بگریزد.

همانا قرآن تنها کتاب آسمانی است که از بازگشت جسد فرعون به خشکی، پس از غرق در دریا سخن به میان می‌آورد.<sup>۲۲</sup> مومیایی فرعون بعدها توسط باستان‌شناسان کشف و به اثبات رسید که فرعون بر اثر خفگی در آب

نامگذاری آن بوده است که سید حامل وی را در کنار درختی اما در آب یافتند. ترتیب اعقاب او تا یعقوب بدین قرار می‌باشد: موسی پسر ابراهیم (عمران)، پسر اسحق، پسر قهات، پسر لوی، پسر یعقوب (جاکوب).

۲۲. یونس، آیات ۹۰-۹۲: و ما بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم، در حالی که فرعون و لشکریانش از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال می‌کردند تا چون غرقاب فرعون را فراگرفت، گفت: ایمان آوردم که معبودی نیست جز همان که بنی اسرائیل به او ایمان

جان سپرده بوده است.

پیامبر اسلام ۱۳۰۰ سال پیش از کشف مومیایی مزبور، به وسیله وحی از جزئیات واقعه ای آگاهی یافت که مربوط به چند هزار سال قبل بود، بدون آنکه این وقایع، پیش از آن در هیچ کتاب مذهبی و یا تاریخی به ثبت رسیده باشد.



آورده‌اند و من از تسلیم شدگانم. آیا اکنون؟! (در آستانه مرگ توبه می‌کنی؟) در حالی که پیش‌تر نافرمانی می‌کردی و از تبهکاران بودی؟  
 پس امروز جسد تو را [از متلاشی‌شدن و کام حیوانات دریایی] نجات می‌دهیم تا عبرتی برای آیندگان باشی، یقیناً بسیاری از مردم از نشانه‌های ما غافل‌اند.

فصل دوم

مریم (س) و عیسی (ع)

در اسلام

## مریم (س) و عیسی (ع) در اسلام



مریم (س) و عیسی (ع) از جایگاه بسیار رفیعی در قرآن برخوردارند.

سوره‌های از قرآن «مریم» و دیگری «مائده» نام دارد که در آن از طعامی که خداوند از آسمان برای عیسی و حواریون وی نازل نمود، سخن به میان می‌آورد، همان واقعه‌ای که نزد مسیحیان به «شام آخر» معروف است.

در قرآن، ۴۵ بار نام «عیسی» و ۱۱ بار نام «مسیح»، در ۱۳ سوره که در مجموع بیش از ۱۰٪ از سوره‌های قرآن را تشکیل می‌دهند، آمده است. قرآن شامل ۱۱۴ سوره می‌باشد. نام مریم هم ۳۴ بار در قرآن تکرار شده است.

در قرآن ۱۲ بار، در ۶ سوره، نام *انجیل* ذکر شده که از آن به عنوان کتاب خدا یاد گردیده است. اما بنا بر اسلام، کتابی که امروزه با این عنوان معرفی می‌شود، با کتاب اصلی متفاوت است.



## مریم باکره<sup>(س)</sup> در اسلام



مریم باکره<sup>(س)</sup> از مقام و مرتبتی بالا در اسلام برخوردار است<sup>۲۳</sup> که از صفات آسمانی و جوهره<sup>۲۴</sup> والای وی، به عنوان باکره، مجرد، منزله و مقدسه سرچشمه می-گیرد. قرآن و روایات اسلامی به بسیاری از آنها اشاره دارند.

تقوا در خداپرستی و از خودگذشتگی او در برابر خداوند به حدی بود که جبرئیل فرشته (روح القدس) را برای تکریم از وی، بر او نازل نمود تا طرحی را که برای آینده بشر داشت، از طریق او به ثمر برساند و او را به درجه<sup>۲۵</sup> آیت خدا بودن نایل کرد.

این وحی مستقیم، نشان از مسئولیت عظیمی دارد که مریم باکره<sup>(س)</sup> روی دوش‌های خود حمل می‌نمود. حتی

۲۳. آل عمران، آیه ۴۲: و [بیاد آور] هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر زنان جهانیان برتری داده است.

قرآن به روایت معجزاتی می‌پردازد که بر مریم<sup>(س)</sup> فرود آمدند، که از آن جمله است نزول طعام متشکل از میوه‌های بهشتی برای وی.

مسلمانان، به قداست مریم باکره<sup>(س)</sup> و اینکه هیچ‌گاه ازدواج نکرد، اعتقاد دارند.

این، یکی از ویژگی‌های اسلام است که بر تکریم زنان اصرار ورزیده و بر توانایی ایشان برای نیل به کمال از طریق اطاعت از خداوند، تقوا، پاکدامنی و نجابت درونی و بیرونی صحه می‌گذارد.

### حجاب در انجیل

فلسفهٔ حجاب مریم مقدس<sup>(س)</sup>، همان است که در پوشش زن مسلمان و رفتار وی که با عفت، شفافیت، عصمت، ستر، از خودگذشتگی و تضرع همراه است، جلوه می‌نماید.

خواهانم که زنان پوشش شایسته بر تن کنند و خویشان را به نجات و متانت بیارایند، نه به گیسوان بافته یا طلا و مروارید یا جامه‌های فاخر، بلکه به زیور اعمال نیکو آراسته شوند؛ چنان‌که شایستهٔ زنانی است که مدعی خداپرستی‌اند.<sup>۲۴</sup>

### ولادت عیسی (ع)

قرآن تولد چگونگی تولد حضرت عیسی (ع) را شرح می‌دهد.

مطابق سورهٔ —مریم هنگامی که وی از خانوادهٔ خود به

۲۴. انجیل، نامهٔ اول «پولس رسول» به «تیموتائوس اول»، بند ۹-۱۰.

قصد عزیمت به مکانی در شرق بیت المقدس جدا شده و در کنار درخت خرماي خشکی نشست، به این ترتیب بود که مریم خود را از آنها مخفی نمود تا از دیدگان خلق به دور باشد. پس خدا روح (جبرئیل) را به سوی او فرستاد و جبرئیل به شکل انسانی خوش اندام بر وی ظاهر گشت.<sup>۲۵</sup>

مریم به جبرئیل گفت:

همانا من از تو به خدای رحمان پناه می برم، اگر پرهیزکاری [از من دور شو].<sup>۲۶</sup>

او گفت: همانا من فرستاده پروردگار توام [و آمده ام] تا پسری پاکیزه به تو بخشم.<sup>۲۷</sup>

مریم در ابتدا سخنان او را باور نکرد، از آن رو که هرگز با هیچ مردی پیمان زناشویی نبسته بود. گفت:

چگونه ممکن است برای من فرزندی باشد؟ در حالی که نه بشری با من تماس گرفته و نه من بدکاره بوده ام.<sup>۲۸</sup>

[جبرئیل پاسخ داد:]

مطلب همین است. پروردگارت فرمود: این کار بر من آسان است [که پسری بدون پدر به تو عطا کنم] و تا او را برای مردم نشانه و رحمتی از خود قرار دهیم و این، کاری است شدنی و قطعی و اینچنین بود که مریم حامله

۲۵. آل عمران، آیه ۴۵: [به یاد آور] آن گاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه و نشانه‌ای از سوی خویش به نام مسیح، عیسی پسر مریم، بشارت می‌دهد؛ او که در دنیا و آخرت آبرومند و از مَرَبَّان است.

۲۶. مریم، آیه ۱۸.

۲۷. مریم، آیه ۱۹.

۲۸. مریم، آیه ۲۰.

شد. ۲۹

شایان ذکر است که مسیحیان معتقدند حضرت مریم (س) نامزد یوسف نجار بود. به عقیده مسیحیان وقتی مریم حامله می‌شود، روح القدس بر یوسف نجار نازل شده و ماجرای حاملگی مریم را شرح می‌دهد. از نظر مسیحیان یوسف نجار بعد از تولد حضرت مسیح (ع) با مریم مقدس (س) ازدواج می‌کند و فرزندان بسیاری از وی به دنیا می‌آید

### به سخن در آمدن عیسی (ع) از لحظه تولد

[آن فرزندی که به تو بشارت داده شد] در گهواره [به اعجاز] و در میان سالی [به وحی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگی است.<sup>۳۰</sup>

قرآن تولد حضرت عیسی (ع) را معجزه دانسته و به سخن گفتن وی در نوزادی اشاره می‌کند. معجزه‌ای که در انجیل به آن اشاره‌ای نمی‌شود.

قرآن، حالات مریم را به هنگام تولد عیسی (ع) و احساس نگرانی و ضعف او در این زمان<sup>۳۱</sup> و نیز چگونگی به سخن در آمدن عیسی (ع) روایت می‌کند.<sup>۳۲</sup>

۲۹. مریم، آیه ۲۱.

۳۰. آل عمران، آیه ۴۶.

۳۱. مریم، آیات ۲۳-۲۶: آنگاه درد زایمان او را به سوی تنه درخت خرمایی کشاند [تا تکیه دهد. از شدت ناراحتی] گفت: ای کاش پیش از این مرده و فراموش شده بودم. پس [عیسی در شکم] از طرف پایین پایش وی را صدا زد که [ای مادر!] غم مخور، همانا پروردگارت زیر [پای] تو چشمه آبی روان ساخت و شاخه این نخل را به سوی خود تکان ده، رطب تازه بر تو فرو ریزد. پس [از آن رطب] بخور و [از آب

پس از این واقعه، دیگر هیچ کس مریم را در معبد ندید. گروه‌های مختلفی برای یافتن وی گسیل شدند تا اینکه زکریا، او را به همراه فرزندش یافت.

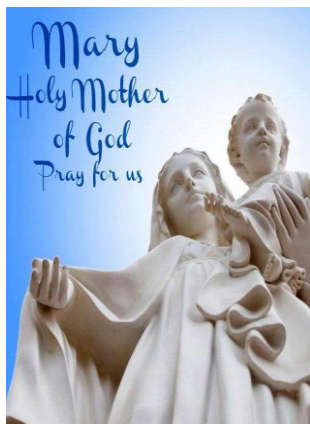
قرآن در ادامه، به تکذیب الوهیت عیسی<sup>(ع)</sup> می‌پردازد: این است عیسی، پسر مریم؛ [همان] گفتار درستی که در آن شک می‌کنند. شایسته نیست که خداوند فرزندی برگیرد، او منزّه است، هرگاه انجام کاری را اراده کند، همین قدر که گوید: موجود باش، بی‌درنگ موجود می‌شود و در حقیقت، خدا پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که راه مستقیم همین [بندگی او] است.<sup>۳۳</sup> چون مسیحیان عیسی مسیح<sup>(ع)</sup> را خدای پسر می‌دانند، لذا حضرت مریم<sup>(س)</sup> را مادر خدا می‌نامند. در کلیساها در کشورهای مسیحی عبارت «مریم، مادر خدا» را نصب

نهر] بنوش و چشمت را [به داشتن فرزندی چون عیسی] روشن دار، پس اگر کسی از آدمیان را دیدی [که درباره نوزاد می‌پرسند، با اشاره به آنان] بگو: من برای خداوند رحمان، روزه سکوت نذر کرده‌ام، بنابراین امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت.

۳۲. مریم، آیات ۲۷-۳۳: پس مریم در حالی که نوزادش را در آغوش گرفته بود، او را نزد بستگان خود آورد. گفتند: ای مریم! به‌راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای. ای خواهر هارون! پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیز] بدکاره نبود. پس مریم به او اشاره کرد. گفتند: چگونه سخن بگوییم با کسی که کودکی در گهواره است. [عیسی به سخن آمد و] گفت: منم بنده خدا، او به من کتاب [آسمانی] داده و مرا پیامبر قرار داده است و هر جا که باشم، خداوند مرا مایهء برکت قرار داده و تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و [نسبت به مردم] ستمگر و سنگدل قرار نداده است و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم.

می‌کنند، لیکن در کلیساها در کشورهای اسلامی از نوشتن آن پرهیز می‌کنند چون غیرمنطقی بودن این ادعا نزد افکار عمومی مسجل است. چگونه یک زن که از نسل آدم و حواست، می‌تواند مادر خداوند

باشد؟!



با جست‌وجو در سایت‌های اینترنتی، جست‌وجوی عکس با وارد کردن عبارات مریم و مادر و خدا، تصاویر نقاشی‌های زیادی از حضرت مریم<sup>(س)</sup> آورده می‌شود. تصویر کناری نمونه‌ای از این جست‌وجوست.

### عیسی<sup>(ع)</sup>، پیامبر اسلام

قرآن می‌فرماید: ای اهل کتاب! در دین خود غلو نکنید و جز حق، به خداوند نسبتی ندهید. همانا مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده خداوند و کلمه اوست که به مریم القا نمود و روحی است از جانب او. پس به خداوند و پیامبرانش ایمان آورید و به تثلیث قائل نشوید. [از این حرف] دست بردارید که به نفع شماست. جز این نیست که الله خدایی است یکتا و از اینکه فرزندی داشته باشد، منزّه است. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست و خداوند برای تدبیر و سرپرستی هستی کافی است و هرگز مسیح از اینکه بنده خدا باشد، استنکاف ندارد و فرشتگان مقرب

نیز [سرپیچی ندارند] و هرکس از بندگی خداوند سرپیچی کند و تکبر ورزد، پس [بداند که] به زودی همه را به نزد خود محشور می‌کند.<sup>۳۴</sup>

عیسی<sup>(ع)</sup> نزد مسلمانان یکی از بزرگترین پیامبران الهی محسوب می‌شود؛ همان مسیح<sup>(ع)</sup> که وعده ظهور او به قوم اسرائیل داده شده است. اما وی، نه «پسر خداوند» است و نه «خداوند مجسم» به عنوان یکی از سه عنصر تثلیث. در واقع، در وعده خداوند در عهد عتیق که مسیحیان معمولاً بدان عطف می‌کنند، از وعده برای ظهور «یک پیامبر» سخن به میان می‌آید و هرگز اشاره‌ای به «پسر خدا» یا موارد مشابه آن نمی‌کند:

نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم، به ایشان خواهد گفت و هرکس که سخنان مرا - که از طرف من می‌گوید - نشنود، من خود او را مواخذه خواهم کرد.<sup>۳۵</sup>

به این ترتیب مسلمانان قایل شدن شخصیت سه‌گانه برای خداوند و الوهیت عیسی<sup>(ع)</sup> را به طور کامل نفی می‌کنند:<sup>۳۶</sup>

همانا کسانی که گفتند: خداوند، همان مسیح پسر مریم است، قطعاً کافر شدند. [چگونه چنین می‌گویند] در حالی که مسیح خود می‌گفت: ای بنی اسرائیل! خدا را بپرستید که پروردگار من و شماست، یقیناً هرکس به خداوند شرک

۳۴. نساء، آیات ۱۷۱-۱۷۲.

۳۵. عهد عتیق، سفر تثنیه، فصل ۱۸، آیات ۱۹-۱۹.

۳۶. المائدة آیه ۷۲-۷۵.

ورزد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش دوزخ است و ستمگران را هیچ یاورى نیست. همانا آنان که گفتند: خداوند، یکی از سه تاست، کافر شدند. جز خدای یکتا خدایی نیست و اگر از آنچه می‌گویند دست برندارند، به کافران از اهل کتاب آنها قطعاً عذابی دردناک خواهد رسید. آیا توبه نمی‌کنند و از او آمرزش نمی‌طلبند؟ در حالی که خداوند، آمرزندهء مهربان است. مسیح پسر مریم، فرستاده‌ای بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بودند و مادرش بسیار راستگو و درست کردار بود، آن دو [همچون سایر انسان‌ها] غذا می‌خوردند. [پس هیچ‌کدام خدا نیستند] بنگر که چگونه آیات را برای مردم بیان می‌کنیم، پس بنگر که این مردم چگونه [از حق] روی‌گردان می‌شوند.

همان‌طور که در آیه فوق بیان شده است، مریم مقدس <sup>(س)</sup> و عیسی <sup>(ع)</sup> غذا می‌خوردند. مسیحیان نیز این امر را قبول دارند. طبیعتاً غذا خوردن نشانه نیاز است؛ در حالی که خدا بی‌نیاز است. اگر عیسی <sup>(ع)</sup> غذا می‌خورد، پس به دستشویی هم می‌رفت و این حالت ممکن است پیش آمده باشد که عده‌ای سراغ وی را بگیرند و جواب بشنوند که هم اینک خداوند در دستشویی است!

این، چه توصیفی است که از خداوند دارند؟! خداوندی که غذا می‌خورد، به دستشویی می‌رود، به صلیب کشیده می‌شود، در صلیب دچار فراموشی می‌گردد، از سربازان رومی و یهودیان می‌ترسد و از مرگ واهمه دارد!

مسیحیان در حالی معتقدند حضرت مسیح <sup>(ع)</sup> بر صلیب دچار ترس و فراموشی و گلایه از خدای پدر می‌شود که



معتقدند قربانی شدن وی نقشه‌ای الهی برای بخشش گناهان بشریت بوده است.

در داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> آمده است که وقتی خدا به آن حضرت امر می‌کند که اسماعیل<sup>(ع)</sup> را قربانی کند، اسماعیل<sup>(ع)</sup> از پدرش می‌خواهد که چشمان وی را ببندد تا پدرش دچار تردید نشود و حکم خدا را به کمال اجرا کند، حال آنکه آنجا موضوع بخشش گناهان بشریت نبوده و اسماعیل نیز انسانی نوجوان بوده و هنوز به مقام نبوت نرسیده بود.

چطور ممکن است اسماعیل نه تنها گله‌ای از اجرای حکم خدا برای قربانی شدن نداشته باشد، بلکه چون حکم خدا بود، می‌خواست آن حکم اجرا شود، ولی مسیح<sup>(ع)</sup> که فرستاده خدا و به قول مسیحیان بخشی از خود خدا بود، از قربانی شدن، آن هم برای نجات همه بشریت هراس داشت؟!

توصیف حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> به صورت فردی ترسو، فراموشکار و گریزان از خواست خدا در مقایسه با حضرت اسماعیل<sup>(ع)</sup> توهین به آن حضرت محسوب می‌گردد.

عیسی<sup>(ع)</sup> انسانی همانند دیگر پیامبران بود که از زنی باکره و بدون وجود پدر بیولوژیک، به واسطه یکی از معجزات الهی پای به عرصه وجود گذاشت.

همچنان‌که خداوند، آدم<sup>(ع)</sup> را بدون وجود پدر و مادر آفرید، عیسی<sup>(ع)</sup> را نیز بدون دخالت لقاح آفرید تا به عنوان یکی از نشانه‌های معجزه آسا، وی را نزد قوم اسرائیل که انتظار مسیح موعود را می‌کشیدند، متمایز سازد؛ مسیحی که می‌آمد تا قانون موسی<sup>(ع)</sup> را به اجرا درآورد.

همانا مَثَلِ [آفرینش] عیسی نزد خداوند، همچون مَثَلِ [آفرینش] آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد. حق، همان است که از جانب پروردگار توسست، پس از تردیدکنندگان مباش. علی رغم همهٔ بحث‌ها و جدل‌ها در این زمینه، بدون<sup>۳۷</sup> تردید شخصیت عیسی<sup>(ع)</sup> یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آنها در تمامی طول تاریخ بوده است؛ راهنمایی از سوی خداوند برای بشریت.

### فروتنی عیسی<sup>(ع)</sup>

در روایات اسلامی، چهرهٔ حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> همواره به این شکل تصویر می‌شود:

یاوران من، دستانم؛ حمل من، با پاهایم؛ بستر من، زمین؛ بالشم، سنگ. در زمستان به گرمای زمین پناه می‌برم، چراغ شب‌هایم، نور ماه؛ طعام من، گرسنگی؛ پناهگاه شبانهٔ من، ترس از خداوند. تن پوشم، پشم [خشن]، میوه و سبزیجاتم، گیاهانی که از زمین بیرون می‌آیند؛ شبانگاهان، به خواب می‌روم، در حالی که هیچ چیز با خود به همراه ندارم؛ و صبحگاهان، از زمین سر برمی‌دارم، در حالی که باز هم هیچ ندارم؛ به هر ترتیب، هیچ‌کس در زمین دولت‌مندتر از من نیست.

### معجزات مسیح<sup>(ع)</sup>

زمانی که خداوند فرمود: ای عیسی پسر مریم! نعمتم را

بر تو و بر مادرت یادکن. آنگاه که تو را با «روح القدس» (جبرئیل) تأیید کردم. در گهواره [به اعجاز] و در بزرگسالی [به وحی] با مردم سخن گفתי و آنگاه که کتاب و حکمت و تورات و انجیل به تو آموختم و [فراموش مکن زمانی را که] به اذن من از گل [چیزی] به صورت پرنده ساختی و در آن دمیدی، پس با اذن من پرنده‌ای شد و با اذن من کور مادرزاد و پیسی گرفته را شفا می‌دادی و آنگاه که به اذن من، مردگان را [زنده] از گور بیرون می‌آوردی و [به یاد آور] زمانی که [دست ظلم] بنی اسرائیل را از تو کوتاه کردم، آنگاه که تو دلایل روشن برایشان آوردی، پس کافران از ایشان [درباره معجزات تو] گفتند: این، چیزی جز سحر آشکار نیست.<sup>۳۸</sup>

در قرآن و روایات اسلامی، در مقایسه با کتب مقدس دیگر، معجزات بیشتری را به عیسی<sup>(ع)</sup> نسبت می‌دهند. از سوی دیگر- همان‌طور که در دنباله خواهد آمد- در روایات اسلامی، این معجزات با جزئیات بیشتری ذکر شده‌اند.

طبق اسلام «امت عیسی<sup>(ع)</sup>» و حواریون وی از او خواستند تا برای ایشان از آسمان طعام فراهم آورد و خداوند به فرستاده خود چنین وحی نمود که آن را اینچنین انجام داد:

و [به یاد آور] زمانی که به حواریون (یاران مخصوص حضرت عیسی) وحی فرستادم که ایمان آورید، گفتند: ایمان آورده‌ایم و شاهد باش که ما مسلمان و تسلیم

هستیم. [یاد آور] زمانی که حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می‌تواند [با دعای تو] از آسمان، خوانی [از غذا] برای ما فرود آورد؟ عیسی گفت: اگر مؤمن‌اید، از خدا پروا کنید. گفتند: [ما نظر بدی نداریم و بهانه‌جو نیستیم، بلکه] می‌خواهیم از آن بخوریم و دل‌هایمان اطمینان یابد و بدانیم که به ما راست گفته‌ای و بر آن مائده آسمانی از گواهان باشیم! عیسی بن مریم گفت: خداوندا، پروردگارا! مائده‌ای از آسمان بر ما فرو فرست که برای نسل کنونی و آیندگان ما عید و نشانه‌ای از تو باشد و ما را روزی ده، که تو بهترین روزی دهندگانی. خداوند فرمود: من آن [مائده] را بر شما نازل می‌کنم، اما هرکدام از شما بعد از آن کفر ورزد، او را چنان عذاب خواهم کرد که هیچ‌یک از جهانیان را آن‌گونه عذاب نکنم.<sup>۳۹</sup>

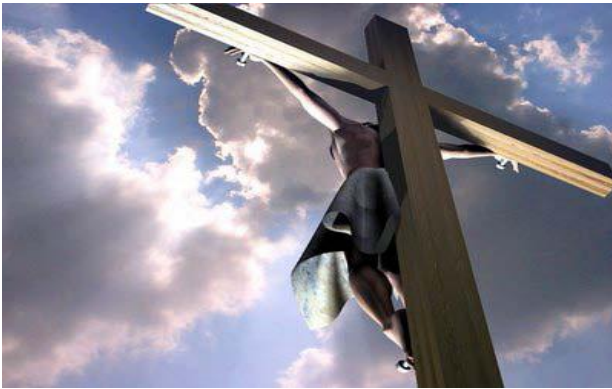
بنا بر روایت عیسی، دوستی وفادار داشت که از دنیا رفت. آن‌گاه او، به همراه مادر دوست خود، بر سر قبر وی حاضر آمدند و به اذن خداوند، به او جان دوباره بخشید. از طریق تضرعات عیسی<sup>(ع)</sup>، دوست وی ۲۰ سال دیگر به زندگی خود ادامه داد.

همچنین: عیسی بن مریم<sup>(س)</sup> با مردی، مورد اعتماد وی سفر می‌کرد. هنگامی که هر دو به دریا رسیدند، عیسی، با بر زبان آوردن نام خداوند، گام‌زنان از آب عبور کرد.

### دربارهٔ مصلوب‌ساختن عیسی<sup>(ع)</sup>

و [عذاب و لعنت ما آنان را فرا گرفت، به خاطر] سخنی که

[مغرورانه] می‌گفتند: «ما عیسی بن‌مریم، فرستاده خدا را کشتیم» در حالی که آنان عیسی را نه کشتند و نه به دار آویختند، بلکه کار بر آنان مشتبه شد [و کسی شبیه به او را کشتند] و کسانی که درباره عیسی اختلاف کردند، خود در شک بودند و جز پیروی از گمان، هیچ به گفته خود علم نداشتند و به‌یقین او را نکشته‌اند، بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد و خداوند عزیز و حکیم است.<sup>۴۰</sup>



بنابر روایات مسیحی، عیسی<sup>(ع)</sup> خیانت یهودا اسخریوطی را پیشگویی نمود و به پطرس اطلاع داد که پیش از بانگ خروس، سه‌بار وی را انکار خواهد کرد. به طور قطع گفت که به عنوان کفاره گناهان بشر به صلیب کشیده خواهد شد و اینکه پس از سه روز، به عنوان گواهی این مطلب، به حیات بازگشته و به آسمان عروج خواهد کرد.

اگر او به این موضوع واقف بوده و سرنوشت خود را به عنوان اراده پروردگار پذیرفت [بدون صحبت از

شخصیت خداگونه‌ای که از او به نمایش می‌گذارند] چگونه می‌توان تصور کرد که در لحظه‌ای، در حین جان‌دادن، زبان به شکوه گشوده باشد که: خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟ این، تنها، برهانی ساده است که می‌توانیم با مشاهده خود متون مسیحی بدان دست یابیم.

این ادعا، با عالم به همه چیزبودن خدا در تضاد است. مسیحیان مسیح<sup>(۴)</sup> را یکی از سه خدا می‌دانند و معتقدند مسیح در صلیب گفت: «خدایا چرا مرا ترک کردی؟» حال آنکه پیشاپیش می‌دانسته که زنده خواهد شد و عروج پیدا خواهد کرد. پس می‌دانسته که ترک نخواهد شد. اگر این ادعا را بپذیریم، پس خداوند نه تنها به همه چیز عالم نیست، بلکه خدای پسر در لحظاتی به بخش دیگر خدا یعنی خدای پدر شناخت خود را از دست داده است. پس چون خدا سه تا در یکی است، خدا در لحظاتی خودش هم به خودش عالم نیست، چه برسد که عالم به همه چیز باشد!

برای مسلمانان، عیسی<sup>(۴)</sup> نیامد تا بر صلیب جان دهد. عیسی<sup>(۴)</sup> یک پیامبر بود و نه «خداوند مجسم». به عنوان پیامبر، مأموریتی مبنی بر ابلاغ پیام الهی بر عهده داشت. این مسئله که به چه شکل از دنیا برود، این پیام را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد. در راه چنین هدفی، نوع مرگ وی، به این شکل و یا به صورت دیگری، میان مرگ در حال مبارزه با دشمنان یا بر اثر بیماری، پس از یک زندگی طولانی، تفاوتی وجود ندارد.

## وعده ظهور پیامبر و نه فرزند خدا

در عهد عتیق آمده است :

نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم، به ایشان خواهد گفت و هرکس که سخنان مرا - که از طرف من می‌گوید - نشنود، من خود او را مواخذه خواهم کرد.<sup>۴۱</sup>

از بندهای فوق مشخص می‌شود که خدا وعده ظهور پیامبر دیگری را می‌دهد و نه ظهور فرزند خویش را. قرآن می‌فرماید:

«ای اهل کتاب! در دین خود غلو نکنید و جز حق، به خداوند نسبتی ندهید. همانا مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده خداوند و کلمه اوست که به مریم القا نمود و روحی است از جانب او. پس به خداوند و پیامبرانش ایمان آورید و به تثلیث قائل نشوید. [از این حرف] دست بردارید که به نفع شماست. جز این نیست که الله خدایی است یکتا، و از اینکه فرزندی داشته باشد، منزّه است. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست و خداوند برای تدبیر و سرپرستی هستی کافی است.»<sup>۴۲</sup>

### عیسی پیامبر وعده داده شده به موسی

*انجیل* (عصر جدید) تایید می‌کند که منظور از پیامبر یادشده در این آیات، همانا عیسی مسیح می‌باشد. در اینجا خداوند، دربارهٔ یک پیامبر سخن می‌گوید نه از «پسرش»... که می‌باید آسمان او را پذیرد تا زمان معاد همه چیز که

۴۱. عهد عتیق، سفر تثنیه، فصل ۱۸، آیات ۱۸-۱۹.

۴۲. نساء، آیه ۱۷۱.

خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیای مقدس خود، از آن اخبار نمود. زیرا موسی به اجداد گفت که خدای شما نبی مثل من، از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیخت. کلام او را در هر جا به شما تکلم کند بشنوید و هر نفسی که آن نبی را نشنود، از قوم منقطع گردد.<sup>۴۳</sup>

عیسی<sup>(ع)</sup>، در انجیل خود را «پیامبر» می خواند در انجیل موجود نیز عیسی<sup>(ع)</sup> خود را در موقعیت های مختلف و به دور از الوهیت آفرینی از خود با عنوان پیامبر و «فرزند انسان» یاد می کند. به طور مثال: عیسی به ایشان گفت: بی گمان این مثل را بر من خواهید آورد که «ای طبیب خود را شفا ده! آنچه شنیده ایم در کفرناحوم کرده ای، اینجا در زادگاه خویش نیز انجام بده». [سپس افزود: «آمین، به شما می گویم که هیچ پیامبری در دیار خویش پذیرفته نیست»].<sup>۴۴</sup>

همچنین در سایر اناجیل هم به آن تاکید شده است.<sup>۴۵</sup> به همین ترتیب، در انجیل های مسیحی روایت می شود که بسیاری از معاصران، پیروان عیسی<sup>(ع)</sup> یا مردمی که به هنگام وقوع معجزات وی حضور داشتند، وی را پیامبر، و نه «پسر خدا» به حساب می آوردند بنابراین، به رسمیت شناختن.<sup>۴۶</sup> الوهیت عیسی<sup>(ع)</sup> و مسئله «فدیه» که

۴۳. خطابه پطرس در رواق سلیمان، به روایت لوقا در اعمال رسولان، فصل ۳، بندهای

۱۹-۲۳

۴۴. انجیل لوقا، فصل ۴، بند ۲۳-۲۴،

۴۵. انجیل متی (۱۳:۵۷)، انجیل مرقس (۶:۴) و انجیل یوحنا (۴۳-۴۴: ۴)، انجیل لوقا،

فصل ۱۳، آیات ۳۲-۳۳، انجیل متی، فصل ۲۱، آیات ۱۰-۱۱ و آیات ۴۵-۴۶،



مصلوب‌ساختن وی، به عنوان «پسر خدا» آن را مجسم می‌سازد، حتی با توسل به همان منابع مسیحیت<sup>۴۷</sup> نیز مشکل می‌نماید. به علاوه ابهامات فراوانی درباره شخصیت عیسی<sup>(ع)</sup> در انجیل‌های مسیحی وجود دارد و عیسی<sup>(ع)</sup>

۴۶. و چون وارد اورشلیم شد، تمام شهر به آشوب آمده، می‌گفتند: این کیست؟ آن گروه گفتند: این است عیسی نبی از ناصرة جلیل. (انجیل متی، فصل ۲۱، آیات ۱۰-۱۱) و چون رؤسای کهنه و فریسیان مثل‌هایش را شنیدند، دریافتند که درباره ایشان می‌گوید و چون خواستند او را گرفتار کنند، از مردم ترسیدند؛ زیرا او را نبی می‌دانستند. (انجیل متی، فصل ۲۱، آیات ۴۵-۴۶) و دو روز بعد به شهری مسما به نائین رسید. ناگاه میتی را که پسر یگانه بیوه‌زنی بود، می‌بردند و انبوهی کثیر از اهل شهر، با وی می‌آمدند. چون خداوند او را دید، دلش بر وی بسوخت و به او گفت: گریان مباش و نزدیک آمده، تابوت را لمس نمود و حاملان آن بایستادند. پس گفت: ای جوان، تو را می‌گویم برخیز. در ساعت آن مرده راست بنشست و سخن‌گفتن آغاز کرد و او را به مادرش سپرد. پس خوف همه را فراگرفت و خدا را تمجیدکنان می‌گفتند که نبی‌ای بزرگ در میان ما مبعوث شده و خدا از قوم خود تققد نموده است. پس این خبر درباره او در تمام یهودیه و جمیع آن مرز و بوم منتشر شد. (انجیل متی، فصل ۲۱، آیات ۱۱-۱۷)

یکی که کلیوپاس نام داشت، در جواب وی گفت: مگر تو در اورشلیم غریب و تنها هستی و از آنچه در این ایام در اینجا واقع شد، واقف نیستی؟ به ایشان گفت: چه چیز است؟ گفتندش: درباره عیسی ناصری که مردی بود نبی و قادر در فعل و قول در حضور خدا و تمام قوم، و چگونه رؤسای کهنه و حکام ما او را به فتوای قتل سپردند و او را مصلوب ساختند. (انجیل لوقا- فصل ۲۴، آیات ۱۸-۲۰)

۴۷. انجیل لوقا- فصل ۲۴، آیات ۱۸-۲۰: یکی که کلیوپاس نام داشت، در جواب وی گفت: مگر تو در اورشلیم غریب و تنها هستی و از آنچه در این ایام در اینجا واقع شد، واقف نیستی؟ به ایشان گفت: چه چیز است؟ گفتندش: درباره عیسی ناصری که مردی بود نبی و قادر در فعل و قول در حضور خدا و تمام قوم، و چگونه رؤسای کهنه و حکام ما او را به فتوای قتل سپردند و او را مصلوب ساختند.

می‌تواند بسته به آنکه چه کسی از وی سخن بگوید، از «پسر خدا» گرفته، مسیح، پیامبر موعود، بازگشت ارمیای نبی، بازگشت الیاس نبی یا یحیای تعمیددهنده دوباره به حیات بازگشته، تا نعوذبالله به یک مزور، دغل و آلوده به کفر ... تغییر شخصیت دهد. اختلاف در عقاید مختلفی که همگی در یک برهه از زمان انتشار یافته‌اند

## عروج عیسی<sup>(ع)</sup> به آسمان‌ها



بنا بر روایات اسلامی عیسی بن‌مریم، در دوره اشکانیان و در پنجاه و یکمین سال از حکومت فرهاد پنجم، فرزند اشک چهاردهم به پیامبری برگزیده شد.

وی، به بیت‌المقدس (اورشلیم - القدس) عزیمت کرد و تا ۳۳ سالگی به دعوت از بنی‌اسرائیل به سوی پرستش خداوند یگانه مشغول بود تا اینکه یهودیان، وی را دستگیر و به گمان خود، وی را به قتل رساندند. با این‌همه خداوند قادر متعال، تمامی راه‌های دسترسی یهودیان به عیسی<sup>(ع)</sup> را

مسدود نموده بود و آنها، تصور نمودند که پیامبر خدا را از میان برده‌اند.

امام باقر <sup>(ع)</sup> در این رابطه چنین می‌فرماید: در شب موعود برای عروج عیسی <sup>(ع)</sup> به آسمان‌ها، دوازده حواری او در خانه‌ای گرد هم آمدند. پس عیسی نشسته بر چشمه - ای که در درون خانه قرار داشت، سر جنباند و گفت: «به زودی از یهودیان خلاصی خواهم یافت و به آسمان‌ها خواهم شتافت. اکنون کدامیک از شما حاضر است به جای من به صلیب کشیده شود تا خداوند به وی همان مرتبتی را عطا فرماید که به من عطا فرموده است؟». جوانی از میان حاضران، این مهم را پذیرفت. آنگاه عیسی به آگاهی ایشان رسانید: «یکی از شما به زودی زود به من خیانت خواهد کرد و پس از این واقعه، بنی‌اسرائیل به سه دسته تقسیم خواهند شد. دو دسته از میان این سه، در میان شعله‌های آتش دوزخ خواهند سوخت و تنها، گروهی که از شمعون اطاعت کند، رستگار خواهد شد». در آن شب، یهودیان خانه به خانه به جست‌وجوی عیسی پرداخته و دو تن از حواریون را دستگیر کردند. یکی از آنها، همان‌که پذیرفته بود تا به جای عیسی <sup>(ع)</sup> به صلیب کشیده شود و دیگری، آنکه عیسی <sup>(ع)</sup> خبر از خیانت وی داده بود.

قرآن می‌فرماید:

[به یاد آور] هنگامی که خداوند فرمود: ای عیسی! من تو را [از زمین] برگرفته و به سوی خود بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شده‌اند، پاک می‌کنم و تا روز قیامت پیروان تو را بر کافران برتری خواهم داد. سپس بازگشت شما به

سوی من است، پس در آنچه اختلاف می‌کردید، میان شما داوری خواهم کرد.<sup>۴۸</sup>

لازم است ذکر شود که مسلمانان پیروان واقعی حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> هستند؛ همان‌طور که پیروان راستین حضرت موسی<sup>(ع)</sup> با ظهور حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> به وی پیوستند.

### پیامبران پس از عیسی<sup>(ع)</sup>

در انجیل به نحوه شناسایی پیامبران دروغین از پیامبران حقیقی پس از حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> اشاره شده است:

از پیامبران دروغین بر حذر باشید که در لباس میش نزد شما می‌آیند؛ ولی در باطن گرگ‌های درنده می‌باشند. همان‌طور که درخت را از میوه‌اش می‌شناسند، ایشان را نیز می‌توان از اعمالشان شناخت. شما یقیناً فرق درخت انگور و خار بیابان و فرق انجیر و بوتهٔ خارا را می‌دانید. درخت سالم، میوهٔ خوب می‌دهد و درخت فاسد، میوهٔ بد. درخت سالم نمی‌تواند میوهٔ بد بدهد، درخت فاسد نیز میوهٔ خوب نمی‌دهد. درخت‌هایی که میوهٔ بد می‌دهند، بریده و در آتش انداخته می‌شوند.<sup>۴۹</sup>

از بندهای مذکور چنین برداشت می‌شود که پس از عیسی<sup>(ع)</sup> - که کلام بالا به وی نسبت داده می‌شود - پیامبران دیگری وجود خواهند داشت که می‌بایست از حقیقت آنان و میوه‌های ایشان، اطمینان حاصل نمود. پس

۴۸. آل عمران، آیه ۵۵.

۴۹. انجیل متی، فصل ۷، آیات ۱۵-۲۰.

در غیر این صورت، طرح هشدار در مورد ظهور پیامبران دروغین و بذل توجه به «میوه خوب» دیگر پیامبران حقیقی، مفهومی نمی‌داشت. در اینجا، در میان خطوط می‌توانیم به انگیزه نیت سوء برخی علیه حضرت محمد<sup>(ص)</sup> و اسلام پی ببریم که پیام او و محتوای آن و تعلیمات روشن و حکمت گرانبهای او را تحریف نموده و سعی می‌کنند آن را به شکل میوه‌ای فاسد بنمایانند، که در واقع چنین نیست و از این طریق می‌کوشند جلوی شناخت بشریت، به حقیقت موجود درباره میوه دلنشینی که محمد<sup>(ص)</sup> به واسطه قرآن و اسلام، به عنوان دین، حامل آن بود، بگیرند ... یکی از دلایل اسلام‌هراسی غرب با چنین هدفی انجام می‌پذیرد.

شایسته است در اینجا بار دیگر بر بیانات الهی‌دان برجسته کاتولیک، هانس کونگ، توجه کنیم:

«پس از عیسی، پیامبران حقیقی وجود دارند و این، از پیش‌داوری متعصبانه ناشی می‌شود که مسیحیان را به سوی به رسمیت‌نشناختن محمد، آنچنان‌که می‌باید، سوق می‌دهد»

## یهودیان، مسیحیان و مسلمانان



مسلمانان، تنها  
به قرآن، یعنی  
وحی نازل شده از  
سوی خداوند به  
حضرت محمد (ص)  
عقیده ندارند، بلکه

همچنین به کتب آسمانی پیش از آن، یعنی تورات موسی<sup>(ع)</sup>، مزامیر داوود<sup>(ع)</sup> و انجیل عیسی<sup>(ع)</sup> نیز اعتقاد دارند. اما، از طریق قرآن، به عنوان وحی صریح می‌توان به آنها دسترسی داشت. این نمونه‌ها اثبات واضحی از اتحاد میان ادیان می‌باشند:

آن کتاب [با عظمت که] در [حقانیت] آن هیچ تردیدی راه ندارد، راهنمای پرهیزگاران است. [متقین] کسانی‌اند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند و آنان به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو [بر پیامبران] نازل گردیده، ایمان دارند و هم آنان به آخرت [نیز] یقین دارند.<sup>۵۰</sup>

قرآن اهل کتاب را به مشترکات دعوت می‌کند. بگو: ای اهل کتاب! (مسیحیان و یهودیان) به سوی سخنی بیابید که میان ما و شما مشترک است جز خداوند را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر

را به جای خدا ارباب نگیرد. پس اگر [از این پیشنهاد] سرباز زدند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمان و تسلیم خداییم.<sup>۵۱</sup>

این، قدیمی‌ترین فراخوان برای گفت‌وگوی میان ادیان است که در متون مقدس می‌توان یافت. فراخوانی برای هم‌پیمان‌شدن، به منظور غلبه بر قدرت‌های منحرف و ظالم این دنیا، برای اتحاد نیروها در اعتقاد به همان خداوند یگانه.

اخیراً هانس کونگ، الهی‌دان برجسته کاتولیک، در کتاب خود تحت عنوان *اسلام، تاریخ، حال و آینده* اظهار می‌دارد: «پس از عیسی، پیامبران حقیقی وجود دارند و این، از پیشداوری متعصبانه ناشی می‌شود که مسیحیان را به سوی به رسمیت‌نشناختن محمد (ص) آنچنان که می‌باید، سوق می‌دهد. این تصدیق می‌توانست نقطه عطفی در ایجاد تفاهم میان مسیحیان و مسلمانان باشد.»

## مسیحیان در قرآن

نزدیکی دوستانه، میان مسیحیان و مسلمانان، از همان آغاز اسلام، یعنی چهارده قرن پیش آغاز می‌گردد: قطعاً سرسخت‌ترین مردم را در دشمنی با اهل ایمان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت و نزدیک‌ترینشان را از نظر دوستی با مؤمنان، کسانی خواهی یافت که می‌گویند: ما نصرانی هستیم. این [دوستی] به آن جهت است که برخی از آنان زاهدانند و آنان تکبر نمی‌ورزند و [آن

۵۱. آل عمران، آیه ۶۴.

مسیحیان] هرگاه آیاتی را که بر پیامبر نازل شده می‌شنوند، می‌بینی که چشمانشان از اینکه حق را شناخته‌اند از اشک لبریز می‌شود و می‌گویند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس نام ما را در زمره گواهی‌دهندگان [به حق] بنویس و [می‌گویند:] چرا به خداوند و حقی که [از سوی او] برای ما آمده، ایمان نیاوریم؟ در حالی که امید داریم پروردگاران ما را همراه صالحان وارد [بهشت] سازد.<sup>۵۲</sup>

قرآن در وصف مؤمنان اهل کتاب می‌فرماید:  
 اهل کتاب همه یکسان نیستند، طایفه‌ای از آنها [به طاعت خدا] ایستاده، آیات الهی را در دل شب تلاوت می‌کنند و سر به سجده می‌نهند. آنان به خدا و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای خیر شتاب می‌ورزند و آنان از افراد صالح و شایسته‌اند و آنچه از خیر انجام دهند، هرگز درباره آن ناسپاسی نبینند و خداوند به [حال] پرهیزکاران داناست. همانا کسانی که کافر شدند، هرگز اموالشان و اولادشان چیزی از [عذاب] خدا را از آنان دفع نخواهد کرد و آنها همدم آتش‌اند، همواره در آن ماندگار. مثل آنچه در این زندگی دنیا انفاق می‌کنند، چون مثل بادی است که در آن سرما و یا گرمای شدیدی باشد، بر کشتزار قومی که بر خود ستم کرده‌اند، بوزد، پس آن را از بین ببرد. خداوند به آنان ستم نکرده است، بلکه آنان به خویشتن ستم می‌کنند.<sup>۵۳</sup>

۵۲. مائده، آیات ۸۲-۸۴.

۵۳. آل عمران، آیات ۱۱۳-۱۱۷.



## مسیحیان و مسلمانان از دیدگاه یهودیان<sup>۵۴</sup>

تلمود کتاب مقدس یهودیان باورهای و دستورات عملیها به یهودیان را ذکر می‌کند.

تأثیرپذیری گروهی از یهودیان از تعالیم تلمود و انجام اقداماتی چون مسموم نمودن آب شرب شهرها (که نمونه‌های آن در انگلستان و آلمان اتفاق افتاد) و به قتل رساندن کودکان مسیحی برای استفاده از خونشان در مناسک مذهبی «فطیر مقدس»، باعث به‌وجود آمدن دیدگاهی منفی از یهودیان در اروپا شد.

فرازهایی از مطالب این کتاب به شرح ذیل است:

- هر چه غیر یهودی دیدید به اندازه‌ای که در توان شماست به قتل برسانید. اگرچنین امری در توان یک یهودی باشد و انجام ندهد مرتکب خلاف شده است. به قتل رساندن مسیحی ثواب دارد حال اگر کسی نمی‌تواند او را بکشد حداقل مقدمات قتل او را فراهم کند.

- چون یهود مساوی با عزت الهیه هستند، تمامی دنیا و مافیها ملک آنان بوده و حَق تسلط کامل بر آن را دارند.

همچنان که زن در منزل به استراحت می‌پردازد و شوهر هزینه‌ی وی را پرداخت می‌کند، یهود هم حق دارد به

۵۴. طائب مهدی، تبار انحراف؛ به نقل از (کتاب سیری در تلمود) نوشته‌ی آدین اشتاین

سالتز\_ به ترجمه‌ی باقر طالبی دارابی

- استراحت پرداخته و دیگران باید آنها را روزی دهند..
- تعدی کردن به ناموس غیر یهودی بلامانع است زیرا کُفار مانند حیوانات هستند و حیوانات را زناشویی نیست.
  - یهودی حق دارد زنان غیرمؤمنه (زنان غیریهودی) را به غصب برباید و زنا و لواط با غیریهودی عقاب و کیفری ندارد.
  - دزدی از یهودی حرام و از غیر یهودی جایز است.
  - یهودی در نزد خداوند از ملائکه محبوب‌تر است. اگر یک غیریهودی یک یهودی را بزند چنان است که به عزت الهیه جسارت کرده است و جزای چنین شخصی جز مرگ نیست و باید کشته شود.
  - همچنان که انسان برحیوانات فضیلت دارد، یهود بر اقوام دیگر فضیلت دارد. نطفه‌ای که از غیریهودی منعقد می‌شود نطفه اسب است. خانه‌های غیریهودی به منزله طویله است.
  - هرگاه یهودی و اجنبی شکایت داشته باشند باید حق را به جانب یهودی داد اگرچه بر باطل باشد...
  - ربودن اموال دیگران به وسیله ربا مانعی ندارد زیرا خداوند شما را به رباگرفتن از غیریهودی امر می‌فرماید. به کسانی که یهودی نیستند قرض ندهید مگر آن که نزول بگیرید. در غیر این صورت قرض دادن به غیر یهودی جایز نیست و ما مأموریم که به آنها ضرر برسانیم. حیات و زندگانی دیگران ملک یهود است چه رسد به اموال آنها.

- از عدالت خارج است که انسان بر غیر یهودی ترحمی روا دارد.
- ما ملت برگزیده خداوند هستیم و بدین سبب برای ما حیواناتی انسانی خلق کرده است زیرا خدا می‌دانست که ما نیاز به دو نوع حیوان داریم؛ یکی حیوانات بی‌شعور و غیر ناطقه مانند چهارپایان و دیگری حیوانات ناطقه و با شعور مانند مسیحیان و مسلمانان و بوداییان، و خدا از آن روی ما را در جهان متفرق ساخته است که بتوانیم از همه آنها بهره بگیریم!
- یهودیان مردم روی زمین را سه دسته می‌دانند:
- ۱- بنی اسرائیل که نژاد برتر و هدف از خلقت‌اند.
- ۲- غیر بنی اسرائیل که این قوم را نژاد پست می‌دانند. اینان به عنوان انسان درجه دوم حق حیات دارند و خدمتگزار بنی اسرائیل‌اند.
- ۳- غیر بنی اسرائیل که با برتری بنی اسرائیل مخالفند. اینان باید کشته شوند ...
- محورهای دیگری نیز به نقل از منبع دیگر ذکر می‌گردد<sup>۵۵</sup>:
- هنگامی که خداوند امر کرد (هیکل) را خراب کنند خطا کرده بود به خطای خویش اعتراف کرده و به گریه در آمد و گفت: وای بس من که امر کردم خانه‌ام را خراب کنند و هیکل را بسوزانند و فرزندان مرا تاراج نمایند.
- خداوند، از آن که یهود را به چنین حالی گذاشته سخت

۵۵. آنچه ذکر شد به نقل از سایت یهود نت است که به نقل از کتاب (خطر الیهودیه العالمیه) تألیف عبدالله التل اقتباس شده که او نیز از کتاب (الکنز المرصود فی قواعد التلمود) تألیف دکتر رو هلیخ ترجمه یوسف نصرالله، چاپ بغداد ۱۸۹۹ م، نقل می‌نماید.

پشیمان است و هر روز لطمه به صورت خود می‌زند و زار زار گریه می‌کند، گاهی از چشمانش دو قطره اشک به دریا می‌چکد و آن چنان صدا می‌کند که تمام اهل جهان صدای گریه آن را می‌شنوند و آبهای دریا به تلاطم و زمین به لرزه در می‌آید.

- هرگز خداوند از کارهای ابلهانه و غضب و دروغ برکنار نیست.

- قسمتی از شیاطین، از فرزندان آدم هستند، آدم زنی داشت از شیاطین به نام (لیلث) که مدّت ۱۳۰ سال همسر آدم بود، شیاطین از نسل او متولد شدند!!

- (حواء) در این مدّت ۱۳۰ سال جز شیطان فرزندی نزائید زیرا او هم همسر یکی از شیاطین شده بود.

- انسان می‌تواند شیطان را بکشد به شرط این که خمیر نان عید را نیکو به عمل آورد.

- ارواح یهود، از ارواح دیگران افضل است، زیرا ارواح یهود جزء خداوند است! همچنان که فرزند جزء پدرش می‌باشد، روحهای یهود نزد خدا عزیزتر است زیرا ارواح دیگران شیطانی و مانند ارواح حیوانات است.

- نطفه غیر یهودی، مثل نطفه بقیه حیوانات است!

- بهشت مخصوص یهود است و هیچ کس به جز آنها داخل آن نمی‌شوند، ولی جهنم جایگاه مسیحیان و مسلمانان است و جز گریه و زاری چیزی عاید آنها نمی‌گردد زیرا زمینش از گل و بسیار تاریک و بدبو است.

- پیامبری به نام مسیح نیامده است و تا حکم اشرا یعنی (غیر یهود) منقرض نشود، ظهور نخواهد کرد و هر

وقت که او بیاید زمین خمیر نان و لباس پشمی می‌رویاند، در این وقت است که سلطه و پادشاهی یهود باز گشته و تمام ملت‌ها مسیح را خدمت خواهند کرد! آن زمان هر یهودی، دو هزار و هشتصد برده و غلام خواهد داشت.

- بر یهود لازم است، که املاک دیگران را خریداری کند تا آنها صاحب ملک نباشند و همیشه سلطه اقتصادی برای یهود باشد.
- چنانچه غیر از یهودی بر یهود تسلط پیدا کند، یهود باید بر خود گریه کند و بگوید: وای بر ما، این چه ننگی است که ما زیر دست و جیره خوار دیگران شده‌ایم.
- پیش از آن که یهود نفوذ و سلطه کامل خود را بدست آورند لازم است جنگ جهانی برپا و دو ثلث بشر نابود شود، در مدت هفت سال یهود، اسلحه‌های جنگ را خواهد سوزانید و دندانهای دشمنان بنی اسرائیل به مقدار بیست و دو ذرع که تقریباً هزار و سیصد و بیست برابر دندانهای عادی می‌شود! از دهانشان بیرون خواهد شد.
- هنگامی که مسیح حقیقی پا به عرصه وجود گذارد، یهود آنقدر ثروتمند و مال خواهند داشت که کلید صندوقهایشان را بر کمتر از سیصد الاغ حمل نتوان کرد!
- و کشتن مسیحی از واجبات مذهبی ما است و پیمان بستن با او، یهودی را ملتزم به اداء نمی‌کند.
- رؤسای مذهب نصرانی و هرکه دشمن یهود است باید در روز سه مرتبه او را لعن کرد.

- عیسی (یسوع ناصری) که ادعای پیامبری کرده و نصاری گولش را خوردند، با مادرش مریم که او را از مردی به نام (باندار) به زنا آورده بود، در آتش جهنم می‌سوزند.
- کلیساهای نصاری که در آن سگهای آدم نما به صدا در می‌آیند به منزله زباله خانه است.
- اگر یهود نبودند، برکت از روی زمین برداشته می‌شد و آفتاب ظاهر نشده و باران نمی‌بارید.
- همچنان که انسان بر حیوانات فضیلت دارد، یهود بر اقوام دیگر فضیلت دارند.
- نطفه‌ای که از غیر یهودی منعقد می‌شود، نطفه اسب است.
- اجانب مانند سگ هستند و برای آنها عیدی نیست زیرا عید برای اجنبی و سگ خلق نشده است.
- سگ افضل از غیر یهودی است، زیرا در اعیاد باید به سگ نان و گوشت داد، ولی نان دادن به اجنبی حرام است.
- هیچ قرابت و خویشی بین اجانب نیست، مگر در نسل و خاندان الاغ قرابتی است؟
- خانه‌های غیر یهودی به منزله طویله است.
- اجانب دشمن خدا و مثل خنزیر و قتلشان مباح است.
- اجانب برای خدمت کردن یهود به صورت انسان خلق شده‌اند.
- یسوخ (مسیح) کافر است زیرا از دین مرتد گشت و به عبادت بُت پرداخت و هر مسیحی که یهودی نشود بُت پرست و دشمن خدا خواهد بود، از عدالت خارج است و

انسانی که بر غیر یهود کوچکترین ترحمی روا دارد، عادل نیست.

- سلام کردن بر کفار (کسانی که یهودی نیستند) اشکال ندارد به شرط آن که سِرّاً او را مسخره کرده باشد.
- دزدی از یهودی حرام است و از غیر یهودی جایز می‌باشد، چون اموال دیگران مانند رملهای دریا است و هرکس زودتر بر آن دست گذاشت او مالک است.
- برای شما جایز است که مأمورین گمرگ را غش بنمائید و برای او قسم دروغ خورید... از خاخام (صموئیل) یاد بگیرید، صموئیل از مرد اجنبی کاسه‌ای از طلا به قیمت چهار درهم خریداری کرد، در حالی که فروشنده نمی‌دانست که آن طلا است. با این حال یک درهمش را دزدید!
- حیات و زندگانی دیگران ملک یهود است، چه رسد به اموال آنها! هرگاه غیر یهودی احتیاج به پول داشته باشد آن قدر باید از او (ربا) و نزول گرفت که تمام دارائی خود را از دست بدهد.
- غیر یهودی هرچند صالح و نیکوکار باشد، او را باید کشت.
- حرام است غیر یهودی را نجات بدهید، حتی اگر در چاهی بیفتد باید فوراً سنگی بر در آن گذاشت!
- اگر یکی از اجانب را بکشیم مثل این است که در راه خدا قربانی کرده‌ایم.
- اگر یک نفر یهودی کمکی به غیر یهودی بکند گناهی نابخشودنی مرتکب شده است.

- و اگر غیر یهود در دریا در حال غرق شدن است، نباید نجاتش بدهی، زیرا آن هفت ملتی که در زمین (کنعان) بودند و بنا بود یهود آنها را به قتل برساند همه آنها نابود نشدند و ممکن است آن شخصی که در حال غرق شدن است از آنها باشد.
- تا می‌توانید از غیر یهود بکشید و اگر دستتان به کشتن او رسید و او را نکشتید، مرتکب خلاف شده‌اید.
- هلاک کردن مسیحی ثواب دارد و اگر کسی نمی‌تواند او را بکشد لاقلاً سبب هلاکتش را فراهم نماید.
- کسانی که مرتد شوند، اجنبی و اعدامشان لازم است مگر آن که برای خدعه به دیگران مرتد شده باشند.
- کسی که در خواب ببیند که با مادرش زنا می‌کند حکیم و خردمند خواهد شد و کسی که ببیند که با خواهر خود جمع شده است نور عقل نصیبش می‌گردد.
- برای یهودی مانعی ندارد تسلیم امیال و شهوات خویش شود.
- هرگاه یهودی در نزد زن خود با زنی زنا کند زن او حق ندارد مانع او شده یا آن که بر علیه او شکایت کند.
- لواط با زن جایز است، زیرا زن مانند گوشتی است که آن را از بازار خریداری می‌کنید و به هر طور که بخواهید آن را تناول می‌کنید.
- قسم خوردن جایز است، خصوصاً در معاملات با غیر یهود.
- اصولاً قسم خوردن برای قطع نزاع تشریح شده است اما نه برای کفار، زیرا آنها انسان نیستند.



- جایز است انسان شهادت زور بدهد، چنانچه لازم است اگر می‌توانید بیست قسم دروغ بخورید ولی برادر یهودی خویش را در معرض خطر قرار ندهید.
- بر یهود واجب است روزی سه مرتبه مسیحیان را لعن کنند و دعا کنند تا خداوند آنها را نابود سازد.
- بر ما لازم است که با نصاری، مانند حیوانات معامله کنیم.
- کلیساهای نصاری، خانه گمراهان است و خراب کردن آنها ضروری و واجب است.
- ملت برگزیده خداوند مائیم و لذا برای ما حیوانات انسانی خلق کرده است زیرا خدا می‌دانست که ما احتیاج به دو قسم حیوان داریم، یکی حیوانات بی‌شعور مانند بهائم و حیوانات غیر ناطقه و دیگری حیوانات ناطقه و با شعور مانند مسیحیان و مسلمانان و بودائی‌ان و برای آنکه بتوانیم از همه آنها به اصطلاح سواری بگیریم، خداوند ما را در جهان متفرق ساخته است و لهذا ما باید دخترهای زیبا و خوشگل خود را به پادشاهان و وزرا و شخصیت‌های برجسته یهود به تزویج در آوریم، تا بوسیله آنها بر حکومت‌های جهان، تسلط داشته باشیم!

فصل سوم

مقایسه

اسلام، کاتولیسیسم و یهودیت

فصل سوم

مقایسه

اسلام، کاتولیسیسم و یهودیت

## مقایسه مفهوم خدا

■ **اسلام:** خدا، قادر متعال است، در همه جا حاضر است و واقف بر همه چیز.

**کاتولیسیسم:** خدا، سه گانه است (پدر، پسر و روح القدس).

■ **اسلام:** خدا، خالق است. «پدر» نامیدن خداوند، به معنای پایین آوردن مقام وی و گنجاندن آن در قالب انسانی است. در واقع، پدر بودن، آسان تر از مادر بودن است. از نگاه اسلام، پدر ما، آدم<sup>(ع)</sup> است که پدر همه بشر محسوب می شود.

**کاتولیسیسم:** خداوند، پدر و خالق است.

■ **اسلام:** خداوند، فاقد جنسیت بوده، نه زن است و نه مرد.

**کاتولیسیسم:** خدا، مرد است.

■ **اسلام:** خدا، فاقد تصویر است.

**کاتولیسیسم:** خدا، با نقشی متشکل از دو مرد و یک کبوتر، تصویر می شود (پدر، پسر و روح القدس).

■ **اسلام:** خدا، نه پدر دارد و نه مادر و نه فرزند.

**کاتولیسیسم:** خداوند پدر، یک پسر دارد. خداوند پسر، دارای یک پدر (خدای پدر) و یک مادر است. او، همچنین، علاوه بر دارا بودن برادران، پدر و مادر بزرگ، نوه پدر و مادر مریم نیز محسوب می شود. با نگاه به خداوند از این دریچه، همچنین می توان گفت که «خدای پدر» دارای قوم و خویش است و داماد پدر و مادر مریم به حساب می آید و

به همین منوال، مریم، همزمان دو همسر داشت: خدای پدر و یوسف نجار.

■ اسلام: خدا، قادر متعال و فناپذیر است.

کاتولیسیسم: خدای پسر، فناپذیر بود و به صلیب کشیده شد.

■ اسلام: خدا خوردنی نیست.

کاتولیسیسم: مسیحیان که خدا را سه تا در یکی (پدر، پسر و روح القدس) می‌دانند و مسیح<sup>(ع)</sup> را خدای پسر می‌نامند، مراسمی دارند که در آن به صورت سمبولیک گوشت و خون مسیح<sup>(ع)</sup> را می‌خورند و به این مراسم «عشای ربانی» می‌گویند.

در این مراسم نان را که سمبل گوشت مسیح<sup>(ع)</sup> و شراب را که سمبل خون مسیح<sup>(ع)</sup> معرفی شده می‌خورند. با توجه به اینکه مسیح<sup>(ع)</sup> را بخشی از خدا می‌دانند، می‌توان مراسم عشای ربانی را مراسم «خداخوری» یا مراسم «خونخوری» نامید.

در انجیل یوحنا باب ششم بندهای ۵۲ تا ۵۷ آمده است: پس جدالی سخت در میان یهودیان در گرفت که «این مرد چگونه می‌تواند بدن خود را به ما بدهد تا بخوریم؟» عیسی به ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم که تا بدن پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید. هر که بدن مرا بخورد و خون مرا بنوشد، حیات جاویدان دارد، و من در روز بازپسین او را برخواهم خیزانید؛ زیرا بدن من خوردنی حقیقی و خون من آشامیدنی حقیقی است. کسی که بدن مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد، در من ساکن می‌شود و من در او. همان‌گونه

که پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر، زنده‌ام، آن که مرا می‌خورد نیز به من زنده خواهد بود.



صاحب‌نظران مسلمان معتقدند یهودیان که نزد مسیحیان متهم به قتل آن حضرت هستند، برای توجیه تلاش خویش برای به صلیب‌کشاندنش، این مطالب غیر منطقی را در انجیل گنجانده‌اند تا مسیح<sup>(ع)</sup> را فردی غیر منطقی جلوه دهند و بدین‌وسیله اقدام خویش را توجیه کنند. در سال ۵۳۲ میلادی هانری چهارم قانونی را از پارلمان گذرانید که به قانون خون‌آلود معروف شد. به موجب این قانون، انتقال (خوردن) جسم عیسی به وسیله عشای ربانی از اصول ایمانی کلیسا شناخته شد. برای منکران این قانون، مجازات‌های سختی از قبیل قتل و زنده‌سوختن و مصادرهٔ اموال مقرر شد و نیز ازدواج کشیشان ممنوع گردید.<sup>۵۶</sup>

اسلام: روح‌القدس، همان فرشته بزرگ حضرت جبرئیل است که کلام خدا را به انبیای بزرگ ابلاغ نمود.

۵۶. عبدالله مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، جلد دوم.

**کاتولیسیسم:** روح القدس، خدا، به صورت سومین قسم از اقسام تثلیث است. خداوند و دهنده زندگی است. او، با پیامبران<sup>(ع)</sup> سخن گفت. او را در تصاویر به صورت کبوتر ترسیم می‌کنند.

### مقایسه ایمان در اسلام و مسیحیت

■ **اسلام:** ایمان در اسلام، بر پایه منطق و استدلال استوار است.

**کاتولیسیسم:** ایمان، مبتنی بر دگماتیسمی بی‌چون و چرا می‌باشد؛ یعنی ایمان کور یا بدون استدلال.

■ **اسلام:** اسلام، به استدلال و تحلیل و تفکر در امور فرامی‌خواند. محمد<sup>(ص)</sup>، پیامبر اسلام، فرمود: یک ساعت تفکر، بهتر از هفتاد سال عبادت خداوند است. سراسر قرآن پر است از دعوت به استدلال و تعقل است. بر اساس اسلام، پیامبران خدا و از جمله عیسی<sup>(ع)</sup>، مردم را به تعقل فرا می‌خواندند. ایمان دگماتیک، تحریفی از سوی کاتولیسیسم محسوب می‌گردد.

**کاتولیسیسم:** مردم را به سوی قبول دگماتیسم مذهبی، بدون دخالت اندیشه و عقل، یعنی بدون تحلیل و استدلال فرامی‌خواند.

■ **اسلام:** تعلیم و تربیت و مطالعه، به عنوان هدفی مثبت، به منزله عبادت خداوند است. محمد<sup>(ص)</sup> فرمود:

«جوهر قلم عالم، از خون شهید والاتر است».

**کاتولیسیسم:** گالیله، که در نتیجه شناخت خود، زمین را کروی اعلام نمود، از سوی کلیسای کاتولیک، به مرگ محکوم شد.

■ **اسلام:** انسان برای ارتباط با خدا می‌تواند بدون واسطه ارتباط برقرار کند.

■ **کاتولیسیسم:** کلیسا و مقام روحانی آن، واسطهٔ میان انسان و خداوند به شمار می‌آیند.

■ **اسلام:** نیایش‌ها و دعاها، مستقیماً خطاب به خداوند صورت می‌پذیرند.

**کاتولیسیسم:** دعا، در بسیاری از موارد، غیرمستقیم بوده و جزئی از ابزار کلیسا محسوب می‌شود.

■ **اسلام:** خداوند قاضی روز جزاست. اوست که مجازات یا عفو می‌کند.

**کاتولیسیسم:** عفو، در اختیار کشیش‌های کلیسا قرار دارد و اغلب، مبلغی به عنوان تاوان گناه از فرد گناهکار دریافت می‌کنند.

■ **اسلام:** عفو، مستقیماً از خداوند درخواست می‌شود؛ اعتراف به گناهان نزد کسی، مگر خود خداوند، جایز نمی‌باشد؛ زیرا اوست که قاضی روز جزاست و در همه‌جا حاضر و بر همه چیز واقف می‌باشد.

**کاتولیسیسم:** پیروان را به طلب بخشش و عفو از روحانیان کلیسا دعوت می‌کند که در بسیاری از موارد با پرداخت مبلغی همراه است.

■ **اسلام:** در اسلام، اعتراف به گناه نزد دیگران، حتی نزد مقام روحانی، گناه محسوب می‌شود. اسلام، آن را به چشم امری محرمانه می‌نگرد که می‌بایست شخصاً و به طور مستقیم با خداوند مطرح گردد. درخواست عفو از هرکس به غیر از خدا، گناهی بزرگ محسوب می‌شود؛



چراکه این خداوند است که قاضی روز جزاست و تنها اوست که از قدرت عفو برخوردار می‌باشد؛ تنها او بر همه چیز آگاهی دارد.

اما اگر فردی، دربارهٔ فرد دیگری مرتکب تقصیری شده است، می‌تواند و باید از آن شخص، طلب بخشش نماید. اگر گناهی در جمع به وقوع پیوسته است، شخص گناهکار می‌بایست در جمع توبه کند.

**کاتولیسیسم:** می‌بایست گناه را نزد کشیشان اعتراف نمود. از نظر مسلمانان، این اقدام کلیسا با هدف کنترل جامعه می‌باشد.

■ **اسلام:** اسلام، از عشق به خدا سخن می‌گوید و به رحمت و بخشندگی او تصریح می‌کند. در قرآن، بیشتر، از رحمت خداوند سخن به میان می‌آید تا ترس از او.

**کاتولیسیسم:** کلیسا، مردم را به سوی ایمانی فرامی‌خواند که بیشتر از عشق خداوند، در ترس از او ریشه دارد.

■ **اسلام:** خوردن گوشت انسانی دیگر، عملی فجیع شمرده می‌شود.

**کاتولیسیسم:** خوردن سمبلیک، از گوشت و خون عیسی (ع) را که او را خدای پسر می‌دانند، موجب جاودانه‌شدن می‌دانند و این اقدام در مراسم عشای ربانی، عملی مثبت و از روی ایمان محسوب می‌گردد.

■ **اسلام:** خوردن گوشت خوک یا فرآورده‌های آن را حرام است.

**کاتولیسیسم:** مصرف گوشت خوک، با وجود آنکه از جهت ساختار ژنتیکی شبیه بدن انسان بوده و به همین

دلیل، آمادگی انتقال ویروس را دارا می‌باشد و نیز علی - رغم ممنوعیت آن در عهد موسی (ع) مطابق با/انجیل عهد عتیق جایز محسوب می‌شود.

**یهودیت:** خوردن گوشت خوک حرام است. خداوند به موسی و هارون فرمود: آه، این دستورات را به قوم اسرائیل بدهند: حیوانی، آه، شکافته‌سم باشد و نشخوارکننده حلال، ولی گوشت شتر، گورآن و - گوشت است. خرگوش را نباید خورد؛ زیرا این حیوانات هرچند نشخوار می‌کنند، اما شکافته‌سم نیستند؛ همچنین گوشت خوک را نیز نباید خورد؛ زیرا هرچند شکافته‌سم است، اما نشخوار نمی‌کند. پس نباید این حیوانات را بخورید و یا حتی دست به لاشه آنها بزنید؛ زیرا گوشت آنها حرام است.<sup>۵۷</sup>

مقایسه عیسی (ع) و مریم (س) در اسلام و مسیحیت

■ **اسلام:** عیسی (ع) از نوع بشر به شمار می‌آید و پیامبر بزرگ خداست.

**کاتولیسیسم:** از عیسی، به عنوان «پسر خدا» یاد می‌شود و دومین ثلث از تثلیث می‌باشد.

■ **اسلام:** تولد عیسی (ع) بدون وجود پدری از نوع بشر، معجزه‌ای بود که به اراده خدا به وقوع پیوست؛ اما وی، بی‌تردید، از ابنای بشر بود و پیامبر بزرگ خداست؛ همان‌طور که حضرت آدم (ع) به اذن خدا بدون پدر و مادر آفریده شد و علی رغم آن بشر می‌باشد.

کاتولیسیسم: پدر عیسی، همان خداوند پدر است.

■ اسلام: عصمت و بکارت مریم<sup>(س)</sup> را به رسمیت

■ می‌شناسد و معتقد است عیسی، بدون وجود پدر و

به اراده خداوند متولد شد.

کاتولیسیسم: عیسی در وجود مریم باکره<sup>(س)</sup> تجسم

یافت، اما فرزند خدا محسوب می‌شود.

■ اسلام: مریم<sup>(س)</sup> هرگز ازدواج نکرد.

کاتولیسیسم: مریم<sup>(س)</sup>، پس از تولد فرزندش عیسی<sup>(ع)</sup>

از همسرش یوسف نجار دارای فرزندان بسیار شد.

یوسف، تولد عیسی را در عین باکرگی مریم<sup>(س)</sup> مورد سوء

ظن قرار داد؛ اما روح القدس او را به قبول این مطلب متقاعد

نمود - که همسر او، مانند وسیله‌ای برای حمل پسر خداوند،

مورد استفاده قرار گرفته است.

■ اسلام: سوره‌ای از قرآن، «مریم» نام دارد که به

حکایت بخشی از سرگذشت او می‌پردازد. سوره دیگری از

قرآن به نام «مائده» به وصف «شام آخر» می‌پردازد.

کاتولیسیسم: هیچ فصلی از انجیل، با عنوان مریم و یا

شام آخر نام‌گذاری نشده است.

■ اسلام: اسلام، معجزاتی را همچون دریافت میوه-

های بهشتی فرستاده شده از سوی خدا، به حضرت مریم

<sup>(س)</sup> نسبت می‌دهد.

کاتولیسیسم: انجیل، چنین معجزاتی را برای مریم<sup>(س)</sup>

برنمی‌شمارد.

■ اسلام: قرآن، در مقایسه با انجیل، معجزات

بیشتری را به حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> نسبت می‌دهد؛ از جمله

اینکه تنها چند روزی پس از تولد درباره مأموریت پیامبری

خود زبان به سخن گشود. قرآن تصریح می‌کند که معجزات پیامبران، به اذن الهی صورت می‌پذیرفته‌اند. **کاتولیسیم: انجیل** نیز تعدادی از معجزات عیسی (ع) را بر می‌شمرد که از تعداد معجزات ذکرشده در قرآن، کمتر می‌باشند.

■ **اسلام: اسلام**، عروج عیسی (ع) را باز می‌شناسد، بدون آنکه به صلیب کشیده شده باشد.

**کاتولیسیم: عروج عیسی (ع)** را، پس از مرگ، بر صلیب و زنده شدن مجدد باز می‌شناسد.

■ **اسلام: بر اساس دیدگاه اسلام**، عیسی (ع) به وسیله معجزه ای از مصلوب شدن رهایی یافته و به سوی خدا عروج نمود. این، یهودای خائن بود که به چشم دشمنان، شبیه به عیسی به نظر رسید و به جای او به صلیب کشیده شد. قرآن این مطلب را تأیید می‌کند که: «... وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ...»<sup>۵۸</sup> : ... و به یقین او را نکشته‌اند، بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد...

■ **کاتولیسیم: عیسی (ع)** به صلیب کشیده شد، زجر کشید و به خاک سپرده شد. سپس در روز سوم، جان دوباره گرفت و در این موقع بود که عروج وی به آسمان‌ها به وقوع پیوست.

## مقایسه موضوع گناه ذاتی در دو دین

■ **اسلام: آدم و حوا**، توسط خداوند و بدون وجود پدر و مادر خلق شدند و پدر و مادر همه انسان‌ها

می‌باشند.

■ **کاتولیسیسم:** آدم و حوّا توسط خداوند و بدون وجود پدر و مادر خلق شدند و همچنین، خدای پسر از نسب آنان به حساب می‌آید.

■ **اسلام:** گناه آدم و حوا، به دلیل توبه بخشوده شدند.

**کاتولیسیسم:** آدم و حوّا، به دلیل سرپیچی از فرمان خداوند تنبیه و از بهشت اخراج شدند، زندگی سختی را تجربه کردند و روی زمین به سختی کار کردند.

■ **اسلام:** زندگی با بی‌گناهی آغاز می‌شود. همهٔ کودکان، معصوم و بی‌گناه متولد می‌شوند و اگر کودکی، پیش از رسیدن به سن بلوغ از دنیا برود، وارد بهشت می‌شود. نه منطبق و نه عدالت اقتضا نمی‌کنند که کودکی بار گناه دیگران را، علی‌الخصوص بار گناه آدم<sup>(ع)</sup> و حوّا<sup>(س)</sup> را که هزاران سال پیش مرتکب شده‌اند، به دوش بکشد؛ گناهی که بنابر اعتقاد اسلام، مورد عفو قرار گرفته است.

**کاتولیسیسم:** زندگی با گناه آغاز می‌شود. همهٔ کودکان، به دلیل گناه آدم و حوّا، با «گناه ذاتی» متولد می‌شوند. در نتیجه، حتی اگر کودکی، شاید در حالت جنینی، پیش از غسل تعمید از میان برود، وارد بهشت نمی‌شود، بلکه در برزخ باقی می‌ماند. پس از ادعای واتیکان، در طی قرون پیش، مبنی بر وجود برزخی ویژهٔ کودکانی که غسل تعمید نشده‌اند، اخیراً پاپ، وجود آن را نفی نمود، بدون تعیین اینکه، کودکانی که پیش از غسل تعمید از دنیا می‌روند و لذا نمی‌توانند وارد بهشت شوند، به کجا خواهند رفت.

**یهودیت:** «هرکه گناه کند او خواهد مرد. پسر، متحمل

گناه پدرش نخواهد بود. عدالت مرد عادل بر خودش خواهد بود و شرارت مرد شریر بر خودش خواهد بود».<sup>۵۹</sup>

**اسلام:** هر فرد، از زمانی که «عقل رس» شده یا به عبارتی، بالغ می‌شود، مسئول اعمال خویش است. در روز قیامت، پاسخگوی اعمال خویش است و نه دیگران. بر اساس اسلام، هر فرد، تنها، پاسخگوی اعمال خویش بوده، مسئولیت اعمال دیگران را بر عهده ندارد.

**کاتولیسیسم:** همه افراد، بار گناه آدم و حوّا را به دوش می‌کشند.

■ **اسلام:** عیسی (ع) و پیامبران دیگر، به ابلاغ پیام خداوند پرداخته، دیگران را به پیروی از الگوی خویش فراخواندند. هر یک از ما مسئول اعمال خویش هستیم: بر پیامبر، جز ابلاغ [احکام الهی] نیست و خداوند، آنچه را آشکار یا کتمان می‌کنید، می‌داند.<sup>۶۰</sup>

هیچ فردی بار [گناه] دیگری را بر دوش نکشد، و اگر سنگین باری برای حمل بارش، حتی از نزدیکان خود دعوتی کند، چیزی از بارش حمل نشود [و کسی به او رحم نکند]. تو تنها کسانی را که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند و نماز به پا می‌دارند، هشدار می‌دهی و هرکس [از گناه] پاک شود، پس این پاکی به نفع خود اوست و بازگشت [همه] تنها به سوی خداوند است.<sup>۶۱</sup>

۵۹. انجیل، عهد عتیق، حزقیال نبی، فصل ۱۸، آیه ۲۰.

۶۰. مائده، آیه ۹۹.

۶۱. فاطر، آیه ۱۸.

**کاتولیسیسم:** عیسی<sup>(ع)</sup>، بیش از دو هزار سال پیش، به واسطهٔ ریخته‌شدن خون خویش، موجب شد گناهان ما بخشوده شد و «ما را از آن گناهان رهانید».

■ **اسلام:** از آن رو که مسئولیت اعمال و کردار ما، بر عهدهٔ خودمان است، می‌بایست هوشیاری خود را دربارهٔ خویش حفظ کنیم. بنابراین هرآنچه به هوشیاری ما خدشه‌ای وارد کند، ممنوع تلقی می‌گردد؛ همان دلیلی که سبب حرام‌بودن شراب در اسلام شده است.

**کاتولیسیسم:** مصرف الکل مجاز است و در مراسم مذهبی همچون، عشای ربانی و مراسم عبادی، شراب نوشیده می‌شود و آن را سمبل خون خدای پسر محسوب می‌کنند. آنها معتقدند حضرت مریم<sup>(س)</sup> برای میهمانان مشروب سرو می‌کرد و وقتی مشروب تمام می‌شود، با معجزه حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> آب به شراب تبدیل شده، کمبود مشروب میهمانی آن روز بر طرف می‌گردد.

**یهودیت:** شراب استهزا می‌کند و مسکرات عربده می‌آورد و هرکه به آن فریفته شود، حکیم نیست.<sup>۶۲</sup>

### مقایسه ازدواج در اسلام و مسیحیت

■ **اسلام:** روابط زناشویی لازم است و به گفتهٔ حضرت محمد<sup>(ص)</sup>: «ازدواج، نصف دین است». در مورد ازدواج جوانان، روایت بر «دوثلث دین» تأکید کرده است.

۶۲. انجیل، امثال سلیمان نبی، فصل ۲۱، آیه ۱.

**کاتولیسیسم:** روابط زناشویی، به عنوان عملی برای تولد فرزندان برقرار گردیده و در مورد کشیشان و راهبان زن و مرد، عزب ماندن، موجب قرب به خدا محسوب می‌شود.

■ **اسلام:** ازدواج مرد و زن بر مجرد ارجحیت دارد و ازدواج کردن، بهتر از عزب ماندن می‌باشد.

**کاتولیسیسم:** عدم ازدواج راهبان زن ضروری است و بدین ترتیب، ایشان می‌بایست باکره باقی بمانند.

■ **اسلام:** روحانیان در اسلام، ازدواج می‌کنند. بر اساس اندیشه اسلامی، «ازدواج، زن و مرد را به خدا نزدیک‌تر می‌کند».

**کاتولیسیسم:** روحانیان کاتولیک، مانند راهبان یا کشیشان [با مجرد] از قرب بیشتری به خدا برخوردارند، می‌بایست عزب بمانند.

■ **اسلام:** طلاق، یک «بد مجاز» بوده و می‌تواند به عنوان راه‌حلی برای یک ازدواج شکست خورده به کار آید؛ ازدواجی که در آن، زن و شوهر دیگر نمی‌خواهند به زندگی در کنار هم ادامه دهند.

**کاتولیسیسم:** طلاق [اگرچه امروزه در بسیاری از کشورها پذیرفته شده است]، اما در مسیحیت اکیداً ممنوع می‌باشد و تنها شخص پاپ، مجاز به لغو یک ازدواج می‌باشد و آن‌هم بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد و لذا منجر به بروز مفاسد بسیار شده است.

■ **اسلام:** تعدد زوجات مجاز می‌باشد؛ زیرا اسلام آن را به چشم راه‌حلی مشروع، به هنگام بروز عدم تعادل جمعیتی، می‌نگرد؛ یعنی زمانی که تعداد زنان نسبت به مردان بیشتر است. [همچنین بنابر مقتضیات، می‌تواند



راه‌حلی برای دیگر ضرورت‌ها باشد]. حضرت ابراهیم (ع) دو همسر بود.

**کاتولیسیسم:** تعدد زوجات را بدون احتساب شرایط جمعیتی، غیرمجاز می‌داند با وجود اینکه در بسیاری از کشورها، جمعیت زنان بیشتر از جمعیت مردان است. مسیحیان نعوذ با... ازدواج حضرت ابراهیم (ع) با هاجر (س) را گناه دانسته، حضرت اسماعیل (ع) را فرزند نامشروع این ارتباط گناه آلود می‌دانند!!

■ **اسلام:** ترتیبی در اسلام وجود دارد که بنابر احکام مکتب شیعه، ازدواج موقت را مجاز می‌شمارد. **کاتولیسیسم:** ازدواج موقت را جایز نمی‌داند.

■ **اسلام:** تفاوتی میان فرزندان متولدشده، در انواع و اقسام ازدواج مشروع وجود ندارد. همه آن فرزندان مشروع شناخته شده و از حقوق مشابه از جمله از ارث برخوردارند و پدر، در هر صورت مسئول نگاهداری و هزینه‌های زندگی آنان است.

**کاتولیسیسم:** تعدد زوجات را نپذیرفته، در مورد فرزندان متولدشده در روابط خارج از ازدواج دائم اول، تبعیض قائل است (آنان را نامشروع می‌داند).

■ **اسلام:** در اسلام، نیازی به فرد روحانی، به عنوان واسطه‌ای برای انجام مراسم ازدواج نمی‌باشد. زوج‌های مسلمان، با توافق بر سر مسائل و بر زبان جاری‌ساختن توافق کلامی، به عقد یکدیگر درمی‌آیند؛ اگرچه به منظور رعایت قانون مدنی، آن را در دفترخانه‌ای به ثبت خواهند رسانید.

**کاتولیسیسم:** اجرای مراسم ازدواج صرفاً توسط

کشیشان انجام می‌شود.

## مقایسه زن در اسلام و فرهنگ اروپایی

■ **اسلام:** ارضای جنسی در اسلام، به روابط زناشویی محدود شد، تحریک جنسی در محیط اجتماع، جایز نیست.

**فرهنگ اروپایی یا غربی:** تحریک جنسی در روابط اجتماعی و شغلی، امری پسندیده محسوب می‌شود.

■ **اسلام:** جاذبه جنسی [و لذت] از آن از ارزش‌های خلوت زناشویی است و هرگز نباید به ارزش اجتماعی، تجاری و شغلی در محیط‌های عمومی مبدل شود.

**فرهنگ اروپایی یا غربی:** جاذبه جنسی در ازدواج و محیط‌های اجتماعی، تجاری یا شغلی به عنوان یک ارزش معتبر و رایج می‌باشد.

■ **اسلام:** زن مسلمان، به هنگام خروج از خانه خود را می‌پوشاند تا- همچنان‌که شیوهٔ مریم<sup>(س)</sup> بود- از جلب توجه یا جاذبهٔ محرک اجتناب ورزد.

**فرهنگ اروپایی یا غربی:** بسیاری از زنان [اگرچه نه همهٔ آنها] به وسیلهٔ نوع لباس و پیروی از مد، عادت به تهییج جاذبهٔ جنسی در محیط اجتماع دارند.

■ **اسلام:** بهره‌گیری از جذابیت‌های فیزیکی زنان در اجتماع، به عنوان یک محصول تجاری، توهینی به اصالت زن به حساب می‌آید و از همین رو، ممنوع می‌باشد.

**فرهنگ اروپایی یا غربی:** استفادهٔ ابزاری از جنس مؤنث حتی ترغیب به آن، برای تبلیغ محصولات بازرگانی، امری عادی و بلکه ضروری بوده و به آزادی قابل انجام است.

■ **اسلام:** زن مسلمان، در روابط اجتماعی، به دنبال ایجاد تحریک از طریق جاذبه فیزیکی خود نیست و جذابیت جنسی زنانه خویش را در خدمت اهداف تجاری قرار نمی‌دهد.

**فرهنگ اروپایی یا غربی:** جاذبه فیزیکی، نقش یک ارزش را در عرصه اجتماع و تجارت بازی می‌کند.

■ **اسلام:** زن مسلمان، آرایش و لذت زناشویی را در روابط با همسر خود تجربه می‌کند، اما، به هنگام خروج از خانه، آرایش را از خود می‌زداید.

**مسیحیت:** بر حجاب تأکید دارد.<sup>۶۳</sup>

**فرهنگ اروپایی یا غربی:** بسیاری از زنان غربی [اگرچه نه همه آنان] آرایش کرده، در خارج از خانه، رفتاری تحریک‌کننده و شهوانی در پیش می‌گیرند.

■ **اسلام:** فحشا در اسلام، حرام شمرده می‌شود.

**فرهنگ اروپایی یا غربی:** فحشا، قابل قبول بوده و حرفه‌ای،

مجاز به حساب می‌آید. کافی است که مانند سایر مشاغل بهداشت را رعایت کرده و مالیات درآمد حاصله را به دولت بپردازند. در غرب دیگر از کلمه فاحشه استفاده نمی‌کنند و از عبارت «خدمات‌رسانان سکس» استفاده می‌کنند.

۶۳. «خواهانم که زنان پوشش شایسته بر تن کنند و خویشان را به نجات و متانت بیاورند، نه به گیسوان بافته یا طلا و مروارید یا جامه‌های فاخر، بلکه به زیور اعمال نیکو آراسته شوند، چنان‌که شایسته زنانی است که مدعی خداپرستی‌اند». انجیل، نامه اول «پولس رسول» به «تیموتائوس اول»، بند ۹-۱۰.

■ **اسلام:** همجنس‌گرایی، چه از نوع مذکر و چه از نوع مؤنث آن، در اسلام حرام و خلاف قانون طبیعت محسوب می‌شود. فردی که به اثر نقص در تولد دوجنسیتی متولد می‌شود، از حق انجام عمل جراحی، پس از رسیدن به سن بلوغ، برای تبدیل‌شدن به زن یا مرد برخوردار می‌باشد.

### فرهنگ اروپایی یا غربی

همجنس‌گرایی از هر دو نوع مذکر و مؤنث آن، مورد قبول بوده و جزئی از حقوق بشر و در بسیاری از کشورها قانونی شمرده می‌شود. در برخی از کشورها، زوج‌های همجنس‌گرا از حق ازدواج برخوردار بوده، حتی می‌توانند کودکان بی‌سرپرست را به فرزندی بپذیرند. آموزش همجنس‌گرایی در برخی ایالات آمریکا در دبیرستان‌ها اجباری شده است.

اگر فرهنگ غرب، تحت عنوان «تمایل آزادانه افراد بالغ» همجنس‌گرایی را می‌پذیرد، زنای با محارم را نیز نمی‌توان از این حیطة خارج دانست و این امر هم می‌تواند مورد پذیرش قرار بگیرد و در چارچوب حقوق افراد بالغی قرار گیرد که به میل خود با این عمل موافقاند. بنابراین در آینده نه‌چندان دور زنای با محارم نیز بخشی از حقوق بشر محسوب خواهد گردید.

### مقایسه ایمان آوردن در ادیان

■ **اسلام:** برای واردشدن به ایمان اسلامی، تکرار دو عبارت، با صحت عقل و اعتقاد کاملاً راسخ، کافی است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»:

به نام خداوند بخشنده مهربان، گواهی می‌دهم، خدایی جز خدای یگانه (الله) نیست، گواهی می‌دهم، همانا محمد<sup>(ص)</sup> پیامبر خداست.

برای پذیرفته شدن در مکتب شیعه که اسلام اصیل و تحریف نشده است، تنها، لازم است با آگاهی، این عبارت را به عبارات قبلی افزود: «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَكَلِيًّا اللَّهُ»: گواهی می‌دهم که علی<sup>(ع)</sup>، ولی و جانشین پیامبر<sup>(ص)</sup> است.

بر اساس اسلام، خداوند تمامی گناهان قبلی فردی را که اسلام آورد، مورد بخشش قرار می‌دهد. پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمود:

اگر کسی پس از وارد شدن به اسلام، کارهای نیک انجام دهد، به دلیل اعمالی که پیش از مسلمانی انجام داده، مجازات نخواهد شد، در حالی که اگر پس از ورود به اسلام، به کارهای ناشایست سابق، ادامه دهد، همه گناهانش از آغاز تا به آخر به حساب خواهند آمد.

**کاتولیسیسم:** به منظور ورود به ایمان کاتولیک، به جای آوردن غسل تعمید توسط کشیش که نقش واسطه خدا را بازی می‌کند، ضروری است. ایمان تنها، کافی نیست.

**یهودیت:** تنها، فرزندان از یک مادر یهودی، در مفهوم صریح آن، می‌توانند یهودی محسوب شوند. ایمان، نقشی در این مورد بازی نمی‌کند. به عبارتی دیگر مذهب ریشه نژادی و حتی خانوادگی دارد.

## مقایسه وظایف در قبال پیامبران

■ اسلام: خداوند از بشر می‌خواهد تا به پیام انبیا گوش فرا داده، آن را بپذیرند؛ زیرا ایشان، از سوی خداوند سخن گفته‌اند. اگر این پیام‌ها را نادیده بگیریم، خداوند به حساب ما در این مورد رسیدگی خواهد کرد.

یهودیت: عهد عتیق، گفت‌وگوی خداوند با موسی را چنین نقل می‌کند:

نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد، و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهم گفت. و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود، من از او مطالبه خواهم کرد.<sup>۶۴</sup>

کاتولیسیم: انجیل، در عهد جدید درباره بندهای فوق از عهد عتیق تصریح می‌کند که عیسی<sup>(ع)</sup>، به درستی، پیامبر موعود و عده داده شده به حضرت موسی<sup>(ع)</sup> می‌باشد و می‌گوید:

کسی که این پیامبر را برسمیت نشناسد، از میان مردم بیرون خواهد شد. پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد و عیسی مسیح را که از اول برای شما اعلام شده بود، بفرستد که می‌باید آسمان او را پذیرد تا زمان معاد همه چیز که خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیای مقدس خود، از آن اخبار نمود؛ زیرا موسی به اجداد گفت که خدای شما

۶۴. انجیل، عهد عتیق، سفر تثبیه، فصل ۱۸، بند ۱۸-۱۹.

نبی‌ای مثل من، از میان برادران شما برای شما برخواهد انگيخت. کلام او را در هرچه به شما تکلم کند، بشنوید و هر نفسی که آن نبی را نشنود، از قوم منقطع گردد.<sup>۶۵</sup>

■ اسلام: خداوند در قرآن می‌فرماید:

و [به یاد آور] هنگامی که خداوند از پیامبران [پیشین] پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کرد، باید به او ایمان آورید و او را یاری کنید. [سپس خداوند] فرمود: آیا به این پیمان اقرار دارید و بار سنگین پیمان مرا [بر دوش] می‌گیرید؟ [انبیا در جواب] گفتند: [بلی] اقرار داریم، [خداوند] فرمود: خود شاهد باشید و من هم با شما از جمله گواهانم. پس کسانی که بعد از این [پیمان محکم] روی برگردانند، آنان همان فاسقان‌اند. پس آیا آنها جز دین خدا [دینی] می‌جویند؟ در حالی که هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه فقط تسلیم اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوند. بگو: به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط (پیامبران از نسل یعقوب) نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر، از طرف پروردگارشان داده شده [به همه آنها] ایمان آورده‌ایم و میان هیچ‌یک از آنها فرقی نمی‌گذاریم و ما تنها تسلیم [فرمان] او هستیم و هرکس غیر از اسلام به سراغ دینی دیگر برود، پس هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در قیامت از زیانکاران خواهد بود. چگونه خداوند هدایت کند گروهی را که بعد از ایمان

۶۵. انجیل، اعمال رسولان، فصل ۳، آیات ۱۹-۲۳.

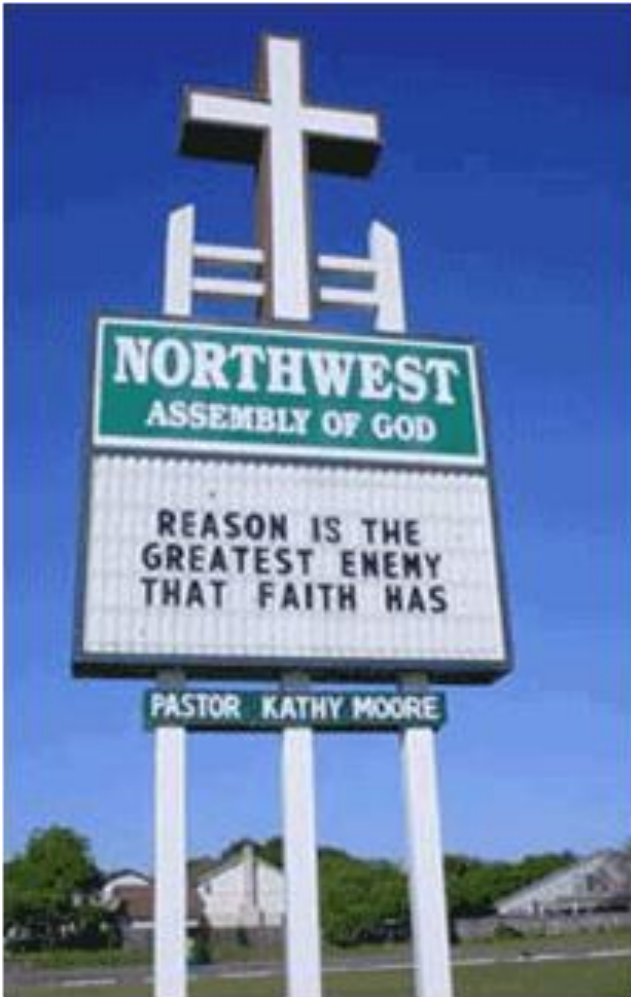
و گواهی بر حقانیت رسول و آمدن معجزات و دلایل روشن بر ایشان، باز هم کافر شدند و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. آنان [که با آن‌همه دلایل روشن و سابقه ایمان، مرتد شدند] کیفرشان آن است که لعنت خدا و فرشتگان و عموم مردم بر آنان باشد. آنها همواره مورد لعن [خدا و فرشتگان و مردم] هستند؛ نه عذاب از آنان کاسته شود و نه به آنها مهلت داده شود، مگر کسانی که پس از آن [از کفر و ارتداد] توبه و [کردار و افکار خود را] اصلاح کنند که همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. همانا کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر [بدون توبه] مردند، اگرچه زمین را پر از طلا کرده و به عنوان فدیة و باز خرید [از عذاب] بدهند، هرگز از هیچ‌یک از آنان پذیرفته نمی‌شود. آنان را عذابی دردناک است و برایشان هیچ یآوری نیست.<sup>۶۶</sup>



فصل چہارم

نکتہ ما

## دگماتیسم مذهبی



ترجمه: خرد، بزرگترین دشمنی است که در مقابل ایمان می‌ایستد.

«به دلیل تضاد آشکار بخش‌هایی از انجیل با عقل و منطق و علم، از قرن سیزدهم میلادی خواندن کتب مقدس بدون اجازه روحانیان ممنوع شد. هرگونه چون‌وچرایی در انجام

تصمیمات روحانیان ممنوع گردید. اصل دگماتیسم مذهبی بر عامه مسیحیان حاکم گشت. چشم‌گشودن و آزادی فکر و اندیشه و تحقیق و... حرام شد و مرتکب آن کافر و ملحد اعلام گردید. عقاید رسمی مورد قبول، فقط عقاید بخشنامه-ای کلیسای مرکزی است. کیش شخصیت پاپ و پرستش او از پدیده‌های کلیسای کاتولیک است. پاپ دارای مقام فوق بشری است. آمرزش گناهان و فروش نقدی و قسطی بهشت، رسالت بزرگ کلیسای کاتولیک است».<sup>۶۷</sup>

دگماتیسم، همچنان، مبنای ایمان مذهبی کاتولیک‌هاست. این در حالی است که قرآن بارها به تعقل و تدبیر دعوت می‌کند. مطابق حدیث نبوی «یک ساعت تفکر بالاتر از هفتاد سال عبادت است». در مسیحیت اگر بخواهید در ایمان رشد کنید، باید عقل را کنار بگذارید و اگر بخواهید در عقلانیت و درک و فهم رشد کنید، باید ایمان را کنار بگذارید. در فلسفه مسیحی، بزرگانی همچون توماس اکویناس و نیز آگوستین و امثال اینان معتقدند تثلیث و تجسد مسیح عقلاً پذیرفته نیست و قابل اثبات عقلانی نمی‌باشند؛ لذا طبیعی است که رهبران دینی مسیحی ایمان را بر عقل ترجیح داده‌اند و عقل را بزرگ‌ترین ابزار گمراهی معرفی می‌کنند. این در حالی است که در اسلام عقل، فانوس هدایتگر معرفی شده و خود یک پیامبر درونی است. در اسلام بر اساس آموزه‌های قرآن کریم (صم بکم عمی فهم لایعقلون) و نیز (لا دین لمن لا عقل له) خوب‌شنیدن سخن و تمیز حق از باطل و تشخیص نیکو از نیکوتر از وظایف نیروی عقل و

۶۷. رک: عبدالله مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، جلد دوم.

اندیشه‌ورزی است. شهید مرتضی مطهری درباره تفاوت جایگاه عقل در اسلام و مسیحیت می‌نویسد:

«یک حمایت فوق‌العاده‌ای از عقل را در متون اسلام می‌بینیم و در هیچ دینی از ادیان دنیا به اندازه اسلام از عقل، یعنی از حجیت عقل و از سندیت و اعتبار عقل حمایت نشده است. شما اسلام را با مسیحیت مقایسه کنید. مسیحیت در قلمرو ایمان برای عقل، حق مداخله قائل نیست. می‌گوید آنجایی که انسان باید به چیزی ایمان بیاورد، حق ندارد فکر کند. فکر ما عقل است و عقل در این نوع مسائل حق مداخله ندارد. آنچه را که باید به آن ایمان داشت، نباید درباره آن فکر کرد و نباید اجازه فکرکردن و چون‌وچراکردن به عقل داد. وظیفه یک مؤمن، مخصوصاً وظیفه یک کشیش و حافظان ایمان مردم این است که جلوی هجوم فکر و استدلال و عقل را به حوزه ایمان بگیرند. اصلاً تعلیمات مسیحی بر همین اساس است. در اسلام قضیه درست بر عکس است. در اصول دین اسلام، جز عقل هیچ چیز دیگری حق مداخله ندارد؛ یعنی اگر از شما بپرسند که یکی از اصول دین شما چیست، می‌گویید «توحید» وجود خدای یگانه. اگر دوباره بپرسند به چه دلیل به خدا ایمان آورده‌اید، شما باید دلیل عقلی بیاورید. اسلام جز از راه عقل از شما قبول نمی‌کند. اگر بگویید من خودم قبول ندارم که خدا یگانه است دلیلی هم ندارم، تو چه کار داری؟ «خذ الغایات و اترك المبادئ» تو نتیجه را بگیر، به مقدمه چکار داری؟ من از قول مادر بزرگم یقین پیدا کرده‌ام، بالاخره به یک حقیقتی یقین پیدا کرده‌ام، ولو از قول مادر بزرگم باشد، ولو خواب دیده باشم! اسلام می‌گوید نه، ولو به وجود

خدای یگانه اعتقاد داشته باشی ولی آن اعتقادی که ریشه‌اش خواب دیدن است، ریشه‌اش تقلید از پدر و مادر یا تأثیر محیط است، مورد قبول نیست. جز تحقیقی که عقل تو با دلیل و برهان مطلب را دریافت کرده باشد، هیچ چیز دیگر را ما قبول نداریم. اصول ایمان مسیحیت، منطقه‌ای ممنوع برای ورود عقل است و وظیفه یک مؤمن مسیحی حفظ این منطقه از هجوم قوای عقلی و فکری است؛ ولی اصول ایمان در اسلام منطقه‌ای است که در قرق عقل است و غیر از عقل هیچ قدرت دیگری حق مداخله در این منطقه را ندارد».



ترجمه تابلو: اگر شما روشنفکر باشید، فکر شما درگیر مسائل خواهد بود.

تابلوی فوق به بینندگان توصیه می‌کند که به طور کلی عقل‌گرا و روشنفکر نباشند.

## درباره تثلیث در قرآن

«همانا کسانی که گفتند: خداوند، همان مسیح پسر مریم است، قطعاً کافر شدند. [چگونه چنین می‌گویند] در حالی که مسیح خود می‌گفت: ای بنی‌اسرائیل! خدا را بپرستید که پروردگار من و شماست، یقیناً هرکس به خداوند شرک ورزد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش دوزخ است و ستمگران را هیچ یآوری نیست. همانا آنان که گفتند: خداوند، یکی از سه تاست، کافر شدند. جز خدای یکتا خدایی نیست و اگر از آنچه می‌گویند دست برندارند، به کافران از اهل کتاب آنها قطعاً عذابی دردناک خواهد رسید. آیا توبه نمی‌کنند و از او آمرزش نمی‌طلبند؟ در حالی که خداوند، آمرزندهٔ مهربان است. مسیح پسر مریم، فرستاده‌ای بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بودند و مادرش بسیار راستگو و درست‌کردار بود، آن دو [همچون سایر انسان‌ها] غذا می‌خوردند. [پس هیچ کدام خدا نیستند] بنگر که چگونه آیات را برای مردم بیان می‌کنیم، پس بنگر که این مردم چگونه [از حق] روی‌گردان می‌شوند.»<sup>۶۸</sup>

## درباره تثلیث در عهد عتیق

پس بسیار متوجه خویشتن باشید؛ زیرا در روزی که خداوند با شما در حوریب از میان آتش تکلم می‌کرد، هیچ صورتی ندیدید. مبدا فاسد شوید و برای خود صورت تراشیده یا تمثال هر شکلی از شبیه ذکور یا اناث بسازید.

یا شبیه هر بهیمه‌ای که روی زمین است، یا شبیه هر مرغ بالدار که در آسمان می‌پرد یا شبیه هر خزنده‌ای بر زمین یا شبیه هر ماهی که در آب‌های زیر زمین است. (...) این بر تو ظاهر شد تا بدانی که یهوه خداست و غیر از او دیگری نیست. از آسمان آواز خود را به تو شنوانید تا تو را تأدیب نماید و بر زمین آتش عظیم خود را به تو نشان داد و کلام او را از میان آتش شنیدی.<sup>۶۹</sup>

نقاشی‌ها و مجسمه‌هایی از سه خدا کلیساها را تزئین می‌کنند. تصاویر مذکور مربوط به تثلیث (سه خدایی) است.



این نقاشی‌ها مسیح<sup>(ع)</sup> خدای پسر را به صورت مرد صلیب‌به‌دست، خدای پدر را به صورت پیرمردی فرتوت و روح القدس را به صورت کبوتر مجسم می‌سازند که هر سه خدا هستند (سه خدا در یکی).

به این ترتیب، با اصلی مواجه می‌شویم که در نوشته‌های مسیحیت به چشم می‌خورد و بر این موضع اسلام صحه

۶۹. انجیل، عهد عتیق، سفر تثنیه، فصل ۴، آیات ۱۵-۱۸ و ۳۶-۳۵.

می‌گذارد و نبود منطقی در اعتقاد به سه خدا را به اثبات می‌رساند.

با تعمقی در مفهوم تثلیث، روابط خویشاوندی مریم<sup>(س)</sup> و والدینش، با عیسی به عنوان «خدا- پسر» و «خدا- پدر»، رخ می‌نمایند. نتیجه انجام یک استنتاج منطقی، آن خواهد بود که مریم که مسیحیان او را مادر خود می‌نامند، مادر «خدای پسر» است که هم‌زمان، نوۀ پدر و مادر مریم<sup>(س)</sup> می‌باشد. پدر و مادر مریم مقدس<sup>(س)</sup> به نوبۀ خود، «خدای پسر نوه‌شان است و خدای پدر را به چشم داماد خود می‌نگرند. اما می‌بایست این نکته را نیز در نظر گرفت که ایشان (مریم<sup>(س)</sup> و پدر و مادرش)، به عنوان اولاد آدم و حوّا، به شکل عادی، در کرۀ خاکی به دنیا آمدند. آدم و حوّا، توسط خداوند خلق شدند. بدین ترتیب، چگونه می‌توانند والدین مادر خدا و پدر بزرگ و مادر بزرگ خدای پسر یا پدرزن و مادرزن خدای پدر باشند؟

با توجه به اینکه مسیحیان معتقدند حضرت مریم<sup>(س)</sup> با یوسف نجار ازدواج کرده و فرزندان زیادی از وی به دنیا آورد، در نتیجه می‌توان گفت که پدر و مادر حضرت مریم<sup>(س)</sup> برای تنها دخترشان دو داماد دارند: یکی یوسف نجار و دیگری خدای پدر!

تناقضات بسیاری درباره با این مفاهیم وجود دارد و قبول چنین ادعاهایی بسیار غیرمنطقی می‌نماید. طبیعتاً، مسلمانان را بر آن باوری نیست.

سه‌گانگی خدا



مسیحیان می‌گویند خدا سه تاست؛ سه تا در یکی؛ مثل فردی هم مرد هم پدر است و هم فرزند. یکی است امام سه تاست؛ خدای پدر، پسر و روح‌القدس است.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که از چه زمانی خدا سه تاست. خدا سه تا بوده یا با تولد حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> سه تا شده است. اگر با تولد وی خدا سه تا شده است، پس قبل از آن، دو تا بوده است؛ یعنی خدای پدر و روح‌القدس. آن دو قبل از خلقت آدم وجود داشته‌اند. پس خدا در زمان پیامبران قبل از مسیح<sup>(ع)</sup> دو تا بوده است. اگر هم خدا همیشه سه تا بوده، در تمام طول حیات انسان از آدم تا ابد خدا سه تاست.

در هر صورت چه خدا دو تا باشد چه سه تا، پس چرا تمام پیامبران قبل از مسیح<sup>(ع)</sup> خدا را یکی دانسته و معرفی کرده‌اند. مگر نه آنکه اگر پیامبران، خدا را یکی معرفی کرده‌اند، به این دلیل بوده که خدا خود را یکی معرفی کرده است. آیا خدا نمی‌دانسته که خودش دو تا یا سه تاست؟! آیا خبر داشته، ولی به ملاحظاتی خود را یکی معرفی کرده است؟ آیا رقابتی بین دو خدا یا سه خدا بوده که روح‌القدس که با پیامبران صحبت می‌کرده، دیگر خدایان را یا اضلاع دیگر خدا را نفی کرده است و فقط از وجود یک خدا صحبت کرده است.

در انجیل عهد عتیق نیز از خدای واحد سخن به میان آمده است.

### به تصویر کشیدن خدا

در مسیحیت خدا را به تصویر می‌کشند. خدای پدر را به

صورت پیرمردی سفیدمو و فرتوت، خدای پسر را در تصویر حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> و خدای روح القدس را به صورت کبوتر. ابتدا در به تصویر کشیدن سه خدایی از سه تصویر مشابه استفاده می‌کردند. سپس با اجازه واتیکان به



صورت پیرمرد و جوان و کبوتر آن را به تصویر کشیدند. اگر خدا سه تاست و به تصویر کشیدن خدا هم منعی ندارد، چرا در انجیل عهد عتیق آمده است:

پس خویشتن را بسیار متوجه باشید؛ زیرا در روزی که خداوند با شما در حوریب از میان آتش تکلم می‌نمود، هیچ صورتی ندیدید. مبادا فاسد شوید و برای خود صورت تراشیده، یا تمثال هر شکلی از شبیه ذکور یا اناث بسازید، یا شبیه هر بهیمه‌ای که روی زمین است، یا شبیه هر مرغ بالدار که در آسمان می‌پرد، یا شبیه هر خزنده‌ای بر زمین یا شبیه هر ماهی که در آب‌های زیر زمین است ... این بر تو ظاهر شد تا بدانی که یهوه خداست و غیر از او دیگری نیست؛ لهذا امروز بدان و در دل خود نگاه دار که یهوه

خداست، بالا در آسمان و پایین روی زمین و دیگری نیست.<sup>۷۰</sup>

مطابق بندهای فوق، خدا یکی است و در اینجا است که کلیسا باید پاسخگوی سه‌خدایی باشد. اصولاً در توجیه همین مورد گفته‌اند که «خدا سه‌تاست در یکی» تا این تضاد را حل کنند.



مطابق آیات فوق همچنین به تصویرکشیدن خدا منع شده است. چطور می‌شود موسی<sup>(ع)</sup> پیامبر خدا، به تصویر کشیدن خدا را فساد بداند و پاپ آن را مجاز بشمارد؟

### ترس مسیح (ع) از به صلیب کشیده‌شدن!

مسیحیان که مسیح<sup>(ع)</sup> را فرزند خدا می‌دانند و معتقدند او به زمین آمد تا با به‌صلیب‌کشیده‌شدن، قربانی شود و بدین وسیله جور گناهان بشریت را بدوش بکشد و آنها را از

۷۰. عهد عتیق، سفر تثنیه، فصل ۴، آیات ۱۸-۱۵، ۳۵ و ۳۹.

عذاب الهی رهایی بخشد. با این اوصاف در انجیل آمده است که وی قبل از به صلیب کشیده شدن به یهودا گفت تو به من خیانت خواهی کرد. به پتروس، یکی دیگر از حواریون، گفت تو سه بار مرا انکار خواهی کرد و بار سوم خروس شروع می کند به خواندن. تأکید کرد که بعد از سه روز از کشته شدن بر صلیب، زنده خواهد شد و به آسمان عروج خواهد کرد. اضافه شده است که وی وقتی به صلیب کشیده شد، گفت: «خدایا چرا مرا ترک کردی؟!»

سؤال اینجاست که وی که می دانست بعد از سه روز از مرگش زنده خواهد شد و عروج خواهد کرد، پس می دانسته است که از سوی خدا ترک نخواهد شد. با علم به این مطلب، چرا گفت: خدای پدر چرا مرا ترک کردی؟! مسیحیان که پاسخی برای این موضوع ندارند، این گونه توجیه می کنند که چون وی به صورت انسان نازل شده است، ضعف های انسان ها را نیز دارا بوده است و بیان این جمله بر صلیب، نتیجه چنین ضعف طبیعی است. این در حالی است که مأموریت وی به قول آنها نجات بشریت از عذاب الهی و مأموریتی الهی بوده است.

معرفی مسیح<sup>(ع)</sup> و در باور مسیحیان خدا که از مرگ می هراسد انحرافی بزرگ محسوب می گردد.

در فیلیپین مراسمی مذهبی توسط مسیحیان مؤمن برگزار می شود و تعدادی از آنها در این مراسم زجرهای تحمیل شده بر مسیح (ع) بر صلیب را به جان می خرنند تا بر اثر آن بر ایمان مسیحیان بیفزایند. این تصاویر بخش هایی از این مراسم است.

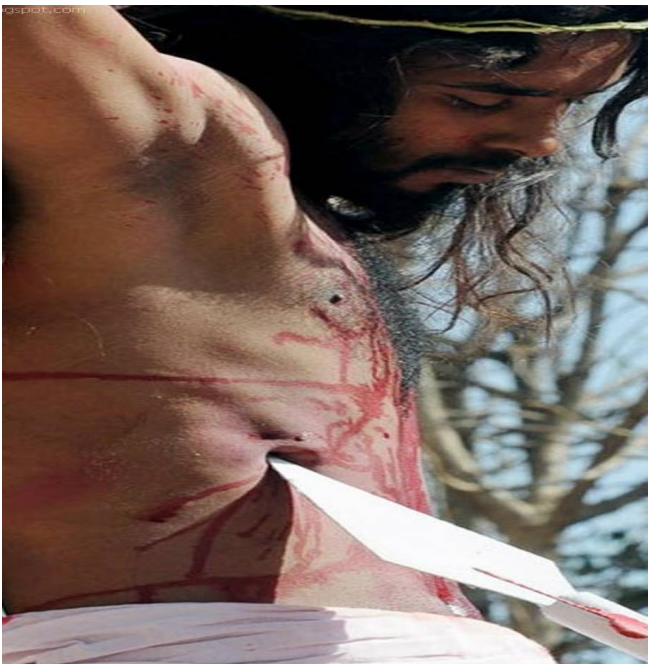
اکنون پرسش این است که چطور ممکن است که مسیحیان فیلیپین این زجرها را تحمل می‌کنند و از خدا گلایه نمی‌کنند و تحمل این سختی‌ها را نشانهٔ قرب به خداوند می‌دانند، لیکن حضرت مسیح (ع) که به‌صلیب‌کشیده‌شدنش با هدف بخشش گناهان بشریت بوده، از به‌صلیب‌کشیده‌شدن گلایه می‌کند و از مرگ و زجر هراس دارد و با علم به عروج خویش، ادعای ترک‌شدن توسط خدا (خدای پدر) را مطرح می‌سازد؟! مگر نه اینکه خدا عالم به همه چیز است! پس چطور ممکن است بخشی از خدای سه‌گانه (تثلیث)، یعنی مسیح (ع) که وی را خدای پسر می‌دانند، در لحظاتی فکر کند که خدای پدر او را ترک کرده است؟ اگر این‌گونه باشد، پس خدا به همه چیز که عالم نیست هیچ، بلکه بخشی از خدا از بخش دیگر خدا بی‌خبر و خدایی فراموشکار است که در لحظات سختی فراموش می‌کند که قرار است زنده شود و عروج کند.





البته اسلام، اصل به صلیب کشیده شدن را نفی کرده، بر عروج مسیح (ع) صحیح می گذارد.

این عکس‌ها به مراسمی در کشور فیلیپین مربوط است



## توهین به پیامبران در انجیل

ازدواج با محارم در کتاب مقدس مسیحیان و یهودیان!  
انجیل به نقل از حضرت ابراهیم (ع) می‌گوید که ساره  
همسر حضرت ابراهیم، خواهر اوست: «و فی الواقع نیز او  
خواهر من است، دختر پدرم، اما نه دختر مادرم، و زوجه  
من است».<sup>۷۱</sup>

مسیحیان و یهودیان این بخش‌ها را تحریف‌نشده می‌دانند؛  
پس بنا به اعتقاد خودشان، پیامبرشان با خواهر خود  
ازدواج کرده است و حضرت اسحاق و بنی اسرائیل نیز  
حاصل ازدواج با محارم هستند.

## راه رفتن حضرت نوح با خدا

انجیل تأکید می‌کند که نوح با خدا راه می‌رفت: «این است  
پیدایش نوح. نوح مردی عادل بود و در عصر خود کامل و  
نوح با خدا راه می‌رفت».<sup>۷۲</sup>

## ادعای زناى لوط با دو دخترش!

در انجیل داستان مستهجنی در مورد زناى لوط با دو  
دخترش نقل می‌شود.<sup>۷۳</sup>

۷۱. کتاب مقدس، کتاب پیدایش، باب ۲۰، بند ۱۲.

۷۲. همان، باب ۶، بند ۹.

۷۳. همان، باب ۱۹، بند ۳۰-۳۸: و لوط از صوغر برآمد و با دو دختر خود در کوه  
ساکن شد؛ زیرا ترسید که در صوغر بماند. پس با دو دختر خود در مغاره سُکنی'  
گرفت و دختر بزرگ به کوچک گفت: «پدر ما پیر شده و مردی بر روی زمین نیست  
که برحسب عادت کل جهان، به ما در آید، بیا تا پدر خود را شراب بنوشانیم و با او



طبق این داستان، لوط دو بار مست می‌شود و با دختران خود زنا می‌کند!

## منابع درآمدی و اتیکان عدم ازدواج کشیشان

در قرون اولیه میلادی کشیشان ازدواج می‌کردند و همسر و فرزند داشتند، لیکن این مسئله در کلیسا مطرح شد که بخشی از وجوه دریافتی از مردم توسط کشیشان صرف خانواده‌هایشان می‌شود. این امر موجب شد که در سال ۵۳۲ میلادی هانری چهارم ازدواج کشیشان را ممنوع اعلام کرد.<sup>۷۴</sup>

کلیسا با این مصوبه در صدد توجیه معنوی آن برآمدند و ازدواج را یک بد ضروری جهت بقای نسل بشر نامیدند؛ لذا کشیشان و راهبه‌ها برای نزدیک‌تر بودن به خدا باید از این بد پرهیز کنند و خود را وقف کامل کلیسا کنند

---

همبستر شویم، تا نسلی از پدر خود نگاه داریم». پس در همان شب، پدر خود را شراب نوشانیدند، و دختر بزرگ آمده با پدر خویش همخواب شد، و او از خوابیدن و برخاستن وی آگاه نشد و واقع شد که روز دیگر، بزرگ به کوچک گفت: «اینک دوش با پدرم همخواب شدم، امشب نیز او را شراب بنوشانیم و تو بیا و با وی همخواب شو تا نسلی از پدر خود نگاه داریم». آن شب نیز پدر خود را شراب نوشانیدند و دختر کوچک همخواب وی شد، و او از خوابیدن و برخاستن وی آگاه نشد. پس هردو دختر لوط از پدر خود حامله شدند و آن بزرگ، پسری زاییده، او را موآب نام نهاد، و او تا امروز پدر موآبیان است و کوچک نیز پسری بزاد، و او را بن‌عمی نام نهاد. وی تا به حال پدر بنی‌عمون است.

۷۴. ر.ک: عبدالله مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، جلد دوم.

تا وجوه دریافتی صرفاً صرف کلیسا گردد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که اگر ازدواج بد بوده است، چرا بیشتر پیامبران الهی ازدواج کردند؟ آیا ازدواج آنها مانع قرب به خدا بوده است؟! و آیا کشیشان به دلیل مجرد ماندن مقامی بالاتر پیامبرانی که ازدواج کرده‌اند، دارند؟!

ممنوعیت ازدواج، راه را بر ارضای غرایز طبیعی آنها بست و موجبات انحرافات گسترده و عدیده‌ای نزد آنان فراهم آورد؛ به نحوی که اینک طبل رسوایی آن عالم‌گیر شده است.

برخی فرقه‌های مسیحیت منعی برای ازدواج کشیشان و راهبه‌ها ندارند؛ لذا فساد موجود در کلیسای کاتولیک نزد آنان بروز نکرده است.

## همجنس‌گرایی در بین کشیشان

از مسائل دیگر کلیسا، آن‌گونه که در کشورهای غربی منتشر شده، رواج همجنس‌گرایی در میان کشیشان و راهبه‌های کلیسا است؛ مثلاً چند سال قبل یک کشیش همجنس‌گرا به مقامی ارشد در کلیسای آمریکا منصوب گردید. البته هنوز کلیساهای اسقفی در انگلستان و آمریکا با اجرای مراسم مذهبی ازدواج دو همجنس در کلیسا مخالف‌اند؛ ولی با پذیرش علنی روحانیان همجنس‌گرا در فرقه خود مسئله‌ای ندارند.

طرفداران به رسمیت شناختن همجنس‌گرایی از طرف کلیسا می‌گویند اگر کلیسای اسقفی همجنس‌گرایی را برای مردم

گناه نمی‌داند، حرام دانستن آن برای خادمان کلیسا قابل دفاع نیست!

افشای سوء استفاده جنسی تعدادی از مقامات کلیسای کاتولیک از کودکان و نوجوانان در کشورهای مختلف، واتیکان را با بحران جدی مواجه کرده است.



این موضوع در کلیساهای بلژیک، کانادا و آمریکا به قدری گسترده بوده است که خانواده‌های زیادی را به واکنش علیه کلیسا وادار کرد و در فوریه ۲۰۱۰ میلادی کشیشی آمریکایی که خود در دوران کودکی بارها مورد تجاوز کشیشان آمریکایی واقع شده، اعتراف کرده است که سال‌هاست صندلی اعتراف در کلیسا را به محل آزار و اذیت نوجوانان تبدیل کرده است.

آمار و ارقام و گزارش‌های اعمال پلید و شیطنانی از کلیساها آنقدر زیاد شده است که برخی از خانواده‌های مسیحی به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهند بچه‌هایشان تنها وارد کلیسا شوند

## رسوایی اخلاقی کشیش ملازم پاپ

بنا به اعترافات چیندو او فقط در فاصله زمانی ۵ ماه در سال ۲۰۰۸، ده نفر را برای کشیش بالوجی تور (شکار) کرده است که در بین آنها دو جوان کوبایی سیاه‌پوست، یک مانکن جوان اهل ناپل و یک بازیکن راگی اهل رم دیده می‌شوند.

اسناد همجنس‌گرایی کشیش آنجلو بالدوجی، یکی از ملازمان پاپ که مسئولیت رتق و فتق امور شخصی پاپ را بر عهده داشته است، افشا شد.

صدای مکالمه ضبط‌شده این کشیش با مرد ۲۹ ساله‌ای به نام توماس چیندو ایهم- که در گروه کُر کلیسای واتیکان کار می‌کرد، این فساد را ثابت می‌کند.

روزنامه گاردین گزارش کرده است که در این مکالمه تلفنی، کشیش بالدوجی در حال تشریح مشخصات فیزیکی پسر دلخواهش به چیندو بوده است.

چیندو در اعترافات خود گفته است که سال‌ها با این کشیش ارتباط داشته و برای او شکار جنسی فراهم می‌کرده است. در یکی از مکالمات ضبط‌شده، چیندو به بالوچی زنگ می‌زند و به او می‌گوید: هنگامی که زنگ زدی، در گروه کر کلیسای واتیکان مشغول کار بودم. وی سپس می‌افزاید که مردی ۳۳ ساله را متناسب با سلیقه او برای او در نظر گرفته که حدود دو متر قد و ۹۷ کیلو وزن دارد.

چیندو در مصاحبه‌ای با مجله پانورامای ایتالیا ضمن شرح روابط خود با کشیش بالوجی که سابقه ای ده ساله دارد، گفت که بالوجی از او می‌خواسته که برای او مردان و

پسران جوان مورد پسندش را پیدا کند و این کار در نهایت محرمانه بودن انجام شود؛ چراکه بنا به گفته چیندو، کشیش بالوجی به او گفته بود که او ازدواج کرده و باید اسرار مرتبط با گرایش‌های همجنس‌گرایانه او مخفیانه بماند!

در مهر ماه سال ۱۳۸۶ یکی از اسقف‌های ارشد واتیکان آشکارا به همجنس‌گرایی خود اعتراف کرد. این کشیش رییس دفتر یکی از وزارتخانه‌های واتیکان بود که بر امور معنوی حدود چهار هزار کشیش کاتولیک در نقاط مختلف جهان نظارت داشت.

توماسو استنیکو اسقف اعظم شصت‌ساله که در رسانه‌ها و به‌خصوص برنامه‌های مذهبی چهره شناخته‌شده‌ای بود، در پاییز سال ۲۰۰۷ در برنامه شبکه هفت ایتالیا به طور ناشناس شرکت و به همجنس‌گرایی خود اعتراف کرد.

### سوء استفاده جنسی از کودکان در کلیسای هلند

گزارش یک گروه تحقیقاتی در هلند حکایت از آزار جنسی ده‌ها هزار کودک و نوجوان در این کشور بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۰ توسط نهادهای مرتبط با کلیسای کاتولیک هلند دارد.

به گزارش رسانه‌های آلمان، گزارش این گروه تحقیقاتی روز جمعه در شهر لاهه هلند منتشر شد.

برپایه گزارش این گروه، بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۱ بین ده تا بیست‌هزار کودک در نهادهای کلیسای کاتولیک مورد آزار قرار گرفته‌اند و شمار این کودکان زیر سن قانونی تا سال ۲۰۱۰ به چند ده‌هزار نفر رسیده است.

این کودکان و نوجوانان که تعداد زیادی از آنان پا به سن گذشته و اکنون میان سال و بزرگسال هستند، گفته‌اند که تا امروز از این اتفاق رنج می‌برند.



در این گزارش آمده است که حدود هشتصد نفر در این آزار جنسی و سوء استفاده دخالت داشته‌اند و حدود صد نفر از این افراد هنوز زنده‌اند، ولی مشخص نیست که چند نفر از آنان همچنان در کلیسا کار می‌کنند.

این گزارش می‌افزاید که مقامات کلیسای کاتولیک در برخورد و مقابله با سوء رفتاری که در مدارس و یتیم‌خانه‌های وابسته به کلیسا رایج بوده، کوتاهی کرده‌اند. در این گزارش که بر اساس مصاحبه با بیش از ۳۴ هزار نفر تنظیم شده است، تخمین زده می‌شود که از هر پنج کودک و نوجوانی که در مؤسسات وابسته به کلیسای کاتولیک حضور داشته‌اند، یک نفر مورد سوء رفتار قرار گرفته باشد.

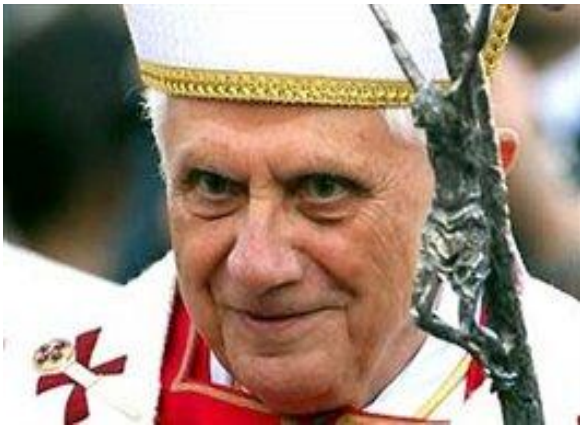
انجام این تحقیق پس از آن آغاز شد که اتهاماتی مبنی بر سوء رفتار با کودکان در مدرسه‌ای در شرق هلند مطرح شد.

ماه گذشته شاخه کلیسای کاتولیک در هلند برنامه‌ای را برای پرداخت غرامت به قربانیان سوء رفتارهای جنسی

آغاز کرد که در چارچوب آن به نسبت شدت سوء فتار صورت‌گرفته، قربانیان بین پنج‌هزار تا صد هزار یورو دریافت می‌کنند. ۲۹ درصد جمعیت حدود ۱۶ میلیون نفری هلند کاتولیک‌اند.

### لاپوشانی تجاوز به کودکان توسط پاپ قبلی

اروپا - پاپ بندیکت شانزدهم [پاپ قبلی] در دهه هشتاد نیز آزارهای جنسی کشیشان را لاپوشانی می‌کرد.



نامه‌هایی که در دهه هشتاد بین واتیکان و اسقف شهر اوکلند ایالت کالیفرنیا آمریکا رد و بدل شده است، نشان می‌دهند آن سال‌ها پاپ فعلی (بندیکت شانزدهم) ضمن تعلل در روند خلع لباس یک کشیش کالیفرنیا که متهم به آزار جنسی کودکان بود، درباره آن سکوت کرده است.

جف آندرسون، وکیل تعدادی از قربانیان آزار جنسی کودکان به دست کشیشان کلیسای کاتولیک، مجموعه‌ای از نامه‌هایی را منتشر کرد که در آنها، آزارهای جنسی شش نوجوان یازده تا سیزده‌ساله به دست پدر استفان کیسل

(Stephen Kiesle) در سال ۱۹۷۸ تشریح شده است. بر اساس این اسناد، جان کامینس John Cummins اسقف اوکلند در سال ۱۹۸۱ خواستار خلع لباس پدر کیسل به علت این فساد اخلاقی می‌شود. واتیکان در پاسخ این اسقف، اطلاعات تکمیلی دربارهٔ این ماجرا می‌خواهد.

جان کامینس در فوریه ۱۹۸۲ این اطلاعات تکمیلی را برای کاردینال ژوزف راتزینگر، رئیس وقت یک انجمن مذهبی واتیکان - یعنی پاپ فعلی بندیکت شانزدهم - ارسال می‌کند. اما درخواست‌های مکرر این اسقف اوکلند تا سه سال بی-پاسخ می‌ماند تا آنکه در سال ۱۹۸۵ کاردینال ژوزف راتزینگر در نامه‌ای که به زبان لاتین نگاشته بود، بر اهمیت این ماجرا اعتراف می‌کند؛ اما از هرگونه اقدام فوری در این خصوص خودداری می‌کند.

آندرسون معتقد است این اسناد بیانگر شیوهٔ بی‌چون‌و-چرای کاردینال راتزینگر و واتیکان برای خاموش کردن صداها در خصوص آزار جنسی کودکان به دست کشیشان کلیسای کاتولیک و تکذیب مداوم این فساد اخلاقی در سطح کلیساست. به گزارش خبرگزاری فرانسه از لس‌آنجلس، این در حالی است که کلیسای کاتولیک اخیراً در پی افشای یک رشته رسوایی‌های اخلاقی به شدت گرفتار شده است. از سوی دیگر پاپ بندیکت شانزدهم هم متهم به مخفی‌کردن و سکوت در برابر این ماجراهای فساد اخلاقی در زمان ریاست خود بر انجمنی مذهبی در واتیکان شده است؛ سکوتی که منجر به تداوم این تجاوزها به کودکان شده است.



## بخشش گناهان



نیاز کلیسا به درآمد بیشتر موجب شد تا راهکار جدیدی را برای کسب درآمد برگزینند و آن، بخشش گناهان بود. بدین‌لحاظ مردم را وادار به اعتراف به گناهان نزد کشیشان می‌کردند و وجوهی را از آنان برای بخشش گناهان دریافت می‌کردند. بدین‌وسیله کلیسا خود را شریک در قدرت خدا در بخشش گناهان معرفی کرد؛ امری که



تاکنون ادامه دارد. البته این روش برای کسب آگاهی از اوضاع جامعه و تداوم سلطه بر آنان مفید ارزیابی می‌شد.

## گناه ذاتی و غسل تعمید

این درآمدها کفایت نمی‌کرد؛ اولاً همه گناه نمی‌کردند و



ثانیاً هر گناهکاری به گناهانش اعتراف نمی‌نمود و وجهی نمی‌پرداخت. لذا راه‌های دیگری نیز برای کسب درآمد طراحی گردید؛ از جمله اعلام کردند که اصولاً همه ابنای بشر گناهکار به دنیا می‌آیند و بدون حذف این گناه، نمی‌توانند وارد بهشت شوند. بنابراین عبارت طفل معصوم در مسیحیت معنا ندارد؛ زیرا همگی، حتی کودکان و بلکه نوزادان در رحم مادرشان گناهکارند و بار گناه آدم و حوا را بر دوش می‌کشند. تنها راه حذف گناه نیز غسل تعمید است که باید توسط کشیشان انجام شود. این رسم درآمدهای زیادی را نصیب کلیسا نمود که کماکان نیز ادامه دارد.

## فروش برزخ

در گذشته رسم بوده است که کلیسا برزخ فروشی می‌کرد. ده درصد اموال متوفا را از وارثینش می‌گرفت و در قبال

آن، مکان مطلوبی را در برزخ برای متوفا ضمانت می‌کرد. ثروت کلانی از این طریق نصیب کلیسا گردید.

### فروش جهنم

گفته می‌شود که یکی از منتقدان فریب‌کاری‌های کلیسا در مورد بخشش گناهان و نیز فروش برزخ، با علم به کاسب-کاری کلیسا، پیشنهاد خرید جهنم را می‌دهد؛ لذا کلیسا در قبال دریافت وجه کلانی، همهٔ جهنم را به او می‌فروشد. این فرد سپس اعلام می‌دارد که من جهنم را خریده‌ام و هیچ‌کس را به آن راه نخواهم داد و لذا نیازی به اعتراف به گناهان و خرید برزخ نیست. این امر کلیسا را در آن زمان به دردسر انداخت.

### خرید و فروش مناصب کلیسایی

طمع پول به آنجا انجامید که حتی مناسب کلیسایی را نیز به فروش می‌رساندند؛ مثلاً مادر «گیبردونوژان» مبالغی به مقامات روحانی پول داد تا او را در یازده سالگی به جرگهٔ کشیشان عالی مقام یک کلیسا وارد کنند. در سال ۱۰۱۶ میلادی «ناربون» کودک ده‌ساله‌ای در برابر پرداخت صد هزار سولیدوس به مقام اسقف اعظم منصوب شد.

### واسطه ازدواج

برای ازدواج در اسلام، در صورت فراهم‌بودن شرایط، کافی است خطبهٔ عقد توسط زوجین خوانده شود و نیازی به واسطه نیست؛ اما در مسیحیت ازدواج فقط طی مراسمی

در کلیسا و نزد کشیش ممکن می‌باشد که برای انجام آن نیز مبالغ قابل توجهی از زوجین دریافت می‌گردد.

### واسطه انسان با خدا

روحانیت مسیحی خود را واسطه انسان با خدا و خود را شریک قدرت خدا می‌داند و یکی از مظاهر آن، بخشش گناهان توسط کشیشان و فروش برزخ و بهشت است.

### ورود به مسیحیت

در حالی که ورود به اسلام، جنبه اعتقادی دارد و فرد معتقد برای ورود به اسلام صرفاً شهادتین را بر زبان می‌آورد، در مسیحیت ورود به مسیحیت موکول به اجازه کلیسا و طی مراسمی با انجام غسل تعمید ممکن می‌باشد.

### اطاعت پاپ گناهکار نیز واجب است

فساد پاپ‌ها آنچنان گسترده شد که حملات علیه این مفاسد افزایش یافت. در سال ۱۳۲۴ میلادی «آگوستینو تریونفو»، تحت حمایت پاپ «یوآنس بیست و دوم» در جواب حملات «ویلیام آکمی» و «مارسیلیوس پادوایی» به حکومت پاپ‌ها، رساله‌ای نوشت و گفت که قدرت پاپ از جانب خداوند است و اطاعت پاپ، حتی اگر غرق در گناه باشد، واجب است. ... مقام پاپ، برتر از مقام فرشتگان و در خور همان ستایش و تقدیسی است که به مریم عذرا و دیگر قدیسان گذارده می‌شود.<sup>۷۵</sup>

۷۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن: اصلاح دینی، ص ۹-۸.

## زندگی پر از فساد پاپ الکساندر بورجا



با حمایت سلطنت‌های خارجی و با پرداخت رشوه‌های فراوان به مقام پاپی، یعنی نمایندگی خدا در زمین، دست یافت.

وی معشوقه‌ها و فرزندان زیادی داشت. یکی از معشوقه‌های وی دخترش بود که از او دختری به دنیا آورد. به عبارتی دخترش در عین حال نوه‌اش هم بوده است.

## پاپی که زن از آب در آمد

پاپ دیگری به نام Juan Anglicus نیز وجود داشت که بعداً معلوم شد زن است. تصویر زیر وضع حمل پاپ را به تصویر کشیده است.



سرمایه گذاری واتیکان در کارخانجات اسلحه -  
سازی



واتیکان برای کسب درآمد بیشتر، بخش قابل توجهی از کمک‌های مردمی دریافتی را در کارخانجات اسلحه‌سازی، مثل لاکهید آمریکا سرمایه‌گذاری کرده است و از این طریق در تجاوزات رژیم آمریکا در جهان شراکت می‌کند. واتیکان همواره از استعمار و امپریالیسم و جنگ‌ها و جنایات آن حمایت کرده است.

کفر بودن مسکونی‌دانستن آن سوی زمین!!

کشیشیان مسیحی معتقد بودند هرکس به آباد بودن آن سوی زمین معتقد باشد، امکان ندارد بتواند از آتش دوزخ فرار کند و برخی از پاپ‌های کلیسا بر این اعتقاد بودند که رهایی از آتش نه غیرممکن، بلکه بسیار دشوار است.

اعتقاد به اینکه در طرف دیگر زمین نیز مردمانی زندگی می‌کنند، به کشمکش‌های سختی منجر شده است

که البته با انواع آزارها و شکنجه‌ها همراه بوده است.

به نظر کشیشان قبول وجود حیات در آن سوی زمین به معنای اعتقاد به وجود جایی است که در آن، انسان‌ها وارونه راه می‌روند، درختان وارونه می‌رویند و باران و برف از پایین به بالا می‌رود!!

آنها می‌گفتند که اعتقاد به وجود حیات در آن سوی زمین نمی‌تواند معنایی جز این داشته باشد که عیسی مسیح برای آمرزش گناهان مردمان آن طرف زمین، به آنجا نیز رفته و در آنجا به صلیب کشیده شده است.

از این گذشته «آگوستین» مقدس صراحتاً گفته بود که در

عهد قدیم (تورات) چیزی حاکی از وجود نژادی از نوع بشر که در آن طرف زمین زندگی می‌کند، دیده نمی‌شود. وانگهی خداوند چگونه راضی می‌شد که عده‌ای از انسان‌ها در جاهایی زندگی کنند که هنگام آمدن مسیح از آسمان به زمین، موفق به دیدار او نشوند؟! در صورت وجود چنین سرزمین‌هایی، خبر ظهور مسیح و نزول انجیل نمی‌توانست به آنها رسیده باشد؛ در حالی که «مزمور نوزدهم» از «مزامیر داوود» می‌گوید: «گفتار او به هر سرزمینی رسید و سخنان او تا جایی که آبادی بود، منتشر شد».

اینکه فرستادگان پولس پیامبر، که نقش مبلغان مسیحی را داشته‌اند، به برخی از سرزمین‌های مسکونی نرسیده‌اند، دروغ‌بستن به پولس پیامبر و روح‌القدس است.

کلیسا و مردم مسیحی، این اظهارات «آگوستین» را به عنوان تعالیم مقدس مسیحیت پذیرفتند و حدود ده قرن کسی جرئت تشکیک در درستی آنها نداشت. حتی مفسرانی نظیر «ایسیدوروس اشبیلی» که در قرن شانزدهم می‌زیست و به کروی‌بودن زمین شده معتقد بود، جرئت اقرار به مسکونی‌بودن تمام طرف‌های زمین را نداشت. اما نمی‌توان انکار کرد که همه اندیشمندان و علما با کلیسا هم عقیده نبودند.

«آلبرت» بزرگ، از جمله کسانی است که معتقد به آبادانی همه قسمت‌های زمین بوده است. البته او نظریات خود را از آثار مسلمانان آموخته بود.



به هر حال، کلیسا همچون همیشه به تعقیب و آزار مخالفان خود برخاست و در این راه باز هم به محکمه‌های تفتیش عقاید و آتش و شمشیر متوسل می‌شد، تا آنها را از اعتقاد خود باز گرداند.



مثلاً در سال ۱۳۱۶ میلادی، ارباب کلیسا تصمیم به اعدام «پتر آلبانویی» گرفتند. کلیسا همچنان به آزار مخالفان ادامه داد و درهای روزی را به روی آنها بست. برای مثال در سال ۱۳۲۷ میلادی، «سکودواسکالی» ستاره‌شناس معروف، به اتهام سحر و جادو، از مقام استادی خود در دانشگاه عزل و در فلورانس به آتش سپرده شد.

هردوی این متفکران به وجود حیات در آن سوی زمین معتقد بودند. نقاش چیره‌دستی به نام «اورینگن» صحنه سوختن این ستاره‌شناس را در تابلوی نقاشی خود که در شهر پیزا بر دیوار کمپ سانتس نصب شده، به تصویر در آورده است.

کلیسا بر اساس همین عقیده خود مبنی بر آبادنبودن آن سوی زمین، مشکلات بسیاری برای «کریستف کلمب»

ایجاد کرد تا بدین وسیله از سفر اکتشافی او جلوگیری کند؛ سفری که به کشف قاره آمریکا منجر شد. کلمب پس از اینکه از پشتیبانی مجلس «ژنو» ناامید شد، از پادشاه پرتغال «ژال دوم» درخواست کمک کرد. پادشاه پرتغال نیز کار او را به مجمعی از علما ارجاع نمود که پس



از بررسی‌های لازم آنها نیز درخواست کلمب را برای حمایت از سفر اکتشافی‌اش رد کردند. معروف است یکی از آنها به نام اسقف «سنتا» او را به شدت مسخره کرد.<sup>۷۶</sup>

نقاشی مربوط به محاکمه گالیله به دلیل کروی دانستن زمین حاکمیت کلیسا و باورهای مسیحیت تحریف شده عامل مهمی در عدم پیشرفت علمی و صنعتی جهان مسیحیت بود و نهضت‌های آزادیبخش که گاه با جنگ‌ها و انقلاب‌های خونینی همراه بود، کلیسا را از حکومت ساقط کرد و از آن پس پیشرفت علمی و صنعتی غرب آغاز شد. در حالی که

۷۶. نرگس یزدی و معصومه امیرلو، اسناد تاریخی تقدیم به عالیجناب پاپ، ص ۷۶.

اسلام همواره مشوق علم‌آموزی بوده، کلیسا به دلیل ورود خرافات به آن، مانع پیشرفت علمی محسوب می‌شده است.

## قرآن و علوم مدرن

طبق اسلام، دین و علم همواره مانند برادران دو قلو، دست در دست یکدیگر داشته‌اند. اسلام، از ابتدا مردمان را به ترویج علم و آگاهی هدایت نمود؛ اعمال چنین رویکردی، پیشرفت‌های شگرفی را، در همهٔ زمینه‌های علمی، از جمله ریاضیات، فیزیک، ستاره‌شناسی، زمین‌شناسی، دریانوردی، معماری، پزشکی و داروسازی، فلسفه، الهیات، روان‌شناسی، روان‌درمانی، نقشه‌برداری، کشاورزی، دامداری، نساجی، شیشه‌سازی، سرامیک، فلزکاری، شعر و شاعری، در میان دیگر موارد، به ارمغان آورد. پیشرفت‌های به‌دست‌آمده در علوم اسلامی، در بسیاری از عرصه‌ها، از تفکر غرب فراتر رفت. همان پیشرفت‌هایی که اروپا و دنیای غرب، بدون بهره‌گیری از آنها هرگز نمی‌توانست به دوران رنسانس یا دوران روشنفکری پا بگذارد.



دکتر موریس بوکای،  
دانشمند مشهور فرانسوی  
در کتاب خود تحت عنوان  
انجیل، قرآن و علم در  
این باره می‌نویسد:

قرآن در مورد بسیاری از موضوعات مهم علمی سخن به میان می‌آورد. اسلام، همواره تأکید کرده است که اطلاعات موجود در قرآن، با واقعیات علمی همخوانی دارند و در بررسی امروزی کتاب اسلامی، تناقضی در این مورد

یافت نشده است. از میان انبوه نکات علمی ذکرشده در قرآن، هیچیک مغایرتی با دیدگاه علمی ندارد.

نخستین بار که به بررسی قرآن پرداختم، آن را با روحیه‌ای کاملاً واقع‌گرایانه، و به دور از پیش‌فرضیات به انجام رساندم. به دنبال یافتن میزان تطابق میان متن قرآنی و داده‌های علم مدرن بودم.

به واسطه ترجمه‌ها می‌دانستم که قرآن، به روش‌های مختلف، به پدیده‌های طبیعی اشاره می‌کند؛ اما فقط شناختی مختصر از آن داشتم. تنها هنگامی که به بررسی عمیق متن اصلی آن، به عربی پرداختم، موفق به مطالعه واقعی آن گشتم. آنچه مرا وادار کرد تا شواهدی را که در پیش‌رو داشتم، بپذیرم که در میان ملاحظات قرآنی، حتی یک مورد نیز یافت نمی‌شود که با حقایق علم مدرن مغایرت داشته باشد. وی در ادامه می‌نویسد که *انجیل و تورات* پر است از مطالبی که در تضاد با علم هستند.

### سرنوشت فرعون؛ آیتی برای بشریت

حکایت می‌شود که حضرت موسی (ع) و پیروانش، به سلامت از دریا عبور کردند و هنگامی که فرعون و لشکرش، در تعقیب ایشان وارد دریا شدند، دریا به هم آمد و بسته شد. در مورد آنچه پس از این ماجرا به وقوع می‌پیوندد، با سه شرح مختلف در سه کتاب مقدس روبرو هستیم.

بر اساس روایت عهد عتیق، فرعون به همراه تمامی لشکر

خود در دریا به هلاکت رسیدند.<sup>۷۷</sup>



در عهد جدید آمده است که لشکر فرعون به هلاکت رسید، بدون آنکه اشاره خاصی به حضور یا عدم وجود فرعون در میان سربازان به هلاکت رسیده‌اش کرده باشد.

بر اساس روایت قرآن، فرعون و تمامی لشکریانش به هلاکت رسیدند، اما خداوند، پیکر بی‌جان فرعون را به سوی حاشیه دریا رانده، نجات داد و آن را حفظ کرد تا به عنوان آیتی برای عبرت آیندگان به کار آید:

و ما بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم؛ در حالی که فرعون و لشکریانش از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال می‌کردند تا چون غرقاب فرعون را فراگرفت، گفت: ایمان آوردم که معبودی نیست جز آنکه بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند و من از تسلیم‌شدگانم. آیا اکنون؟! [در آستانه مرگ توبه می‌کنی؟] در حالی که پیش‌تر نافرمانی می‌کردی و از تبه‌کاران بودی؟ پس امروز جسد تو را [از متلاشی‌شدن و کام حیوانات دریایی] نجات می‌دهیم تا

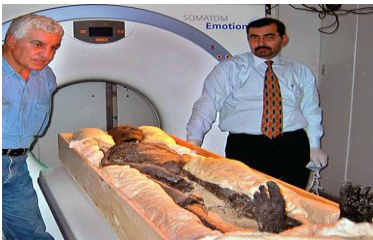
۷۷. سفر خروج، آیات ۱۴-۱۵.

عبرتی برای آیندگان باشی. یقیناً بسیاری از مردم از نشانه‌های ما غافل‌اند!<sup>۷۸</sup>

در قرن بیستم، با ابزار و آلات باستان‌شناسی و بهره‌گیری از دانش، پیکر متعلق به فرعون، یافت و شناسایی شده است. محمد<sup>(ص)</sup>، پیامبر اسلام، بیش از ششصدسال پس از دوران عیسی<sup>(ع)</sup>، وسیله‌ای برای کشف آنچه که ۱۹۰۰ سال پیش از آن، بر سر پیکر فرعون آمده بود، نداشت.

به هنگام کشف مومیایی فرعون، ۱۳۰۰ سال از زمان محمد<sup>(ص)</sup> می‌گذشت. اما آزمایش‌های علمی روی جسم فرعون، به این نتیجه رسید که پیکر یافت آن به حاشیة دریا رانده شده است؛ آنچه اسلام نیز روایت می‌کند.

به این ترتیب، موریس بوکای، مردی با شهرت بین‌المللی، از طریق اعمال شیوه‌های علمی به منظور ارزیابی و تشخیص، توانست کلام قرآن را به شکل مستند به اثبات برساند. به عقیده بوکای، این مطلب را تنها می‌توان به وحی الهی تعبیر کرد.



بوکای، پس از آن، خود را وقف مطالعه عمیق درباره وقایع مذهبی و رابطه آنها با علم کرد. یافته‌های وی،

در کتابش تحت عنوان *انجیل، قرآن و علم* به چاپ رسیده است. این کتاب به فارسی نیز ترجمه و توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ شده است.

## مباحثه با راهبه ارتدکس

راهبه مرکز مسیحیان ارتدکس مکزیک با حضور سفیر جمهوری اسلامی ایران، محمدحسن قدیری ایبانه، به مباحثه با سفیر ایران درباره اسلام و مسیحیت و تفاوت‌ها و نقاط مشترک آنها پرداخت.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) چندی قبل مادر «دیونسیا» راهبه مرکز مسیحیان ارتدکس مکزیک به دعوت سفیر جمهوری اسلامی ایران در مکزیک، در محل سفارت کشورمان حضور یافت و در مورد موضوعات مشترک و نیز تفاوت‌های دین مبین اسلام و مسیحیت، به‌ویژه ارتدکس نظیر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی از جمله ازدواج، فلسفه خلقت انسان، فلسفه حجاب و سایر موارد مرتبط، با «قدیری» سفیر ایران به مباحثه نشست که مشروح آن به شرح ذیل است:

**قدیری:** ما معتقدیم خداوند برای هدایت بشر پیامبران متعددی را مأمور کرده است. ما، پیامبران الهی در مقاطع تاریخی مختلف را مثل معلمان مقاطع مختلف تحصیلی می‌دانیم. معلم مقطع دانشگاه آموخته‌های معلمان مقطع دبیرستان را تکذیب نمی‌کند، بلکه آن را تکمیل می‌نماید. معلمان مقطع دبیرستان هم آموخته‌های دوران دبستان را تکمیل می‌کنند.

ما معتقدیم حضرت عیسی مسیح<sup>(ع)</sup> پیامبر بزرگ الهی است و حضرت مریم<sup>(س)</sup> را فردی مقدس و باکره می‌دانیم. ما هدایت‌های حضرت مسیح را مکمل هدایت‌های حضرت

موسی (ع) می‌دانیم و معتقدیم پیامبر اسلام (ص) نیز هدایت‌های ادیان الهی قبلی را تکمیل کرده است.

معتقدیم کلام خدا بر تمامی پیامبران نازل شده است. به عبارتی نمی‌توان مسلمان بود و حضرت عیسی مسیح و یا حضرت موسی را مقدس ندانست. به عبارتی دیگر ما نیز مسیحی هستیم، منتهی حضرت عیسی (ع) را فرزند خدا نمی‌دانیم، بلکه او را پیامبری بزرگ محسوب می‌کنیم؛ هرچند می‌دانیم که او پدر نداشت و حضرت مریم باکره بود. به معجزات متعدد حضرت مسیح (ع) نیز اعتقاد داریم و در قرآن ذکر شده است. سوره‌ای در قرآن به نام مریم وجود دارد. معتقدیم آن پیامبری که حضرت مسیح وعده ظهور آن را دادند، همان پیامبر اسلام است.

پیامبر اسلام مانند سایر پیامبران الهی سواد خواندن و نوشتن نداشت تا کسی نتواند کلام آنها را به آموخته‌ها از آموزگاران نسبت دهد.

حدود ۱۴۰۰ سال قبل، پیامبر بزرگوار اسلام فرموده است: «شکستن شاخه هر درختی، شکستن بال فرشتگان است» و یا: «اگر کسی فردی را به دلیل فقرش تحقیر و یا به خاطر ثروتش ستایش کند، به جنگ با خدا پرداخته است».

اکنون شاهدیم احزاب بسیاری در حمایت از محیط زیست فعال و پرکارند و حتی نامشان را نظیر «حزب سبز» از آن گرفته‌اند. کدام حزب سبز یا طرفدار محیط زیست تاکنون شعاری با این استحکام در مورد حفظ محیط زیست داده است؟



زن در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است. بیشتر زنان ایران مانند شما - راهبه‌ها - لباس می‌پوشند.

فلسفه حجاب در اسلام را خدمتتان توضیح می‌دهم. خدا انسان را با ویژگی‌های متفاوت آفرید. انسان برای زنده ماندن باید انرژی کسب کند و کسب انرژی از طریق خوردن است. اگر غذاها تلخ و بدمزه و بدبو می‌بود، انسان چاره‌ای جز خوردن نداشت تا بتواند زنده بماند؛ همان‌گونه که داروهای تلخ را برای زنده ماندن مصرف می‌کند! اما چون خدا ارحم‌الرحمین است، خواسته است که تأمین نیاز بشر توأم با لذت باشد؛ لذا قدرت چشایی را در دهان ما قرار داد و این‌همه محصولات متنوع را خلق کرد؛ به گونه‌ای که زمان صرف غذا زمان مطلوب و لذت‌بخشی برای ما محسوب می‌شود.

بقای نسل بشر نیز بر پایه رابطه زن و مرد استوار است. خدا خواست این ارتباط نیز مطلوب باشد و بنابراین جذابیت جنسی متقابل مرد و زن را در آفرینش انسان مقرر داشت که این جذابیت از نظر اسلام نعمتی الهی و ارزشی مطلوب است. این نقطه مشترک اسلام با فرهنگ رایج غربی است.

در اسلام جذابیت جنسی یک ارزش زناشویی است، ولی در غرب علاوه بر ارزش زناشویی، ارزشی اجتماعی نیز محسوب می‌شود؛ به این معنا که اگر زنی در غرب جذاب باشد، بیشتر مورد احترام است و راحت‌تر شغل پیدا می‌کند، البته من از فرهنگ غرب صحبت می‌کنم و نه از مسیحیت.

اسلام برای اینکه جذابیت جنسی در روابط زناشویی وجود داشته باشد، ولی از روابط اجتماعی حذف شود، راه‌های مختلفی ارائه می‌کند که یکی از آنها حجاب است. در این صورت وقتی زنی محجبه وارد جامعه می‌شود، زیبایی و جذابیت جنسی او حذف و توانمندی‌های فکری او بروز می‌کند. هفتاد درصد از ظرفیت دانشگاه‌های ایران در اختیار زنان است و آنها حتی در المپیاد رشته‌های مختلف علمی موفقیت‌های چشمگیری داشته‌اند.

نه مرد و نه زن نباید به عنوان عنصر جذاب از نظر فیزیکی وارد جامعه شوند. علت تفاوت در نوع پوشش به دلیل تفاوت زن و مرد در نوع خلقت است. دانشمندان غربی در زمینه تحریک‌پذیری مرد و زن آزمایش‌هایی انجام داده‌اند که نتیجه آن نشان می‌دهد تحریک‌پذیری جنسی مرد از طریق نگاه بیشتر از تاثیرپذیری زن از طریق نگاه است، بر همین اساس زن باید پوشیده‌تر باشد.

معتقدیم حضرت مریم<sup>(س)</sup> محجبه بوده‌اند. هیچ‌گاه وصف اندام او را نشنیده و نخوانده‌ایم؛ زیرا با حجاب خود اجازه نداده‌اند که از این جنبه مورد ارزیابی و قضاوت قرار گیرند. در موزه لوور پاریس تابلوی نقاشی‌ای از حضرت مریم<sup>(س)</sup> در محیطی باز با زنان و سایر افراد هم‌عصرش به نمایش گذاشته شده است. البته نقاشی به عصر دیگری تعلق داشته است، ولی در این نقاشی تصور نقاش از آن زمان متجلی شده است. در این نقاشی حضرت مریم<sup>(س)</sup> با تعدادی از زنان با حجاب کامل و تعدادی زن بی‌حجاب در محیطی باز دیده می‌شوند که در مقابل یکدیگر به گفت‌وگو مشغول‌اند. این تصویر نشان می‌دهد که - حداقل در تصور

نقاش - حجاب حضرت مریم<sup>(س)</sup> لباسی سنتی نبوده است؛ زیرا دیگر زنان در محیط عمومی بدون حجاب بودند. در اسلام فلسفه حجاب، آزادی روابط اجتماعی از تأثیرپذیری جذابیت‌های جنسی است. در جوامع اسلامی هرچه سن زنان بالاتر رود، محترم‌تر می‌باشند؛ اما در غرب پرسیدن سن زنان مسن یک سؤال نامطلوب محسوب می‌شود؛ زیرا آنها از بیان سن خود پرهیز می‌کنند و از آنجا که مسن بودن به معنای ازدست‌دادن زیبایی‌های فیزیکی است، از نظر اجتماعی نامطلوب محسوب می‌شود. دختران محجبه که مایل نیستند اندام خود را نمایش دهند، در فرانسه از ادامه تحصیل محروم می‌شوند. زنان محجبه در بعضی مشاغل منع شده‌اند و این در حالی است که فحشا و همجنس‌گرایی در فرانسه و سایر کشورهای غربی ترویج می‌شود.

مادر روحانی: از اینکه شما در بیان اعتقادات خود آزادانه رفتار می‌کنید، خوشحال هستم و به شما احترام می‌گذارم. چهره شما نورانی است، مانند کسی است که راهش را یافته است. شما مانند کسانی هستید که به انسان‌ها نزدیک می‌شوند و می‌خواهند با آنها تبادل نظر کنند و از بیان اعتقادات خود هراسی ندارید. شنیدن صحبت‌های شما جالب است. من مسیحی ارتدکس هستم، بر این باورم که مسیح خدای واقعی است و مادرش مادر خداست و به تثلیث - خدا، پسر و روح القدس - ایمان دارم. در انجیل در مورد زن و رابطه زن و شوهر مطالبی آمده است. از نظر ما پوشش در مسیحیت ارتباطی با زن ندارد. برای اینکه زندگی راهبه زندگی خاصی است. بنابراین تمامی راهبه‌ها

یکنواخت لباس می‌پوشند و تفاوت ما در پوشیدن مقنعه است. زنی که به عنوان راهبه وارد کلیسا می‌شود، خود و زندگی‌اش را به خدا اختصاص می‌دهد و سرش را می‌پوشاند. معتقدیم زن پوشیده وارد کلیسا شود. در گذشته سرشان را می‌پوشانیدند.

این لباس - با اشاره به لباسش - پوشش مختص حضرت مریم<sup>(س)</sup> در آن زمان نبود و تمامی زنان این‌گونه می‌پوشیدند. جهان به سمت گناه پیش می‌رود و تدریجاً از تعالیم کتاب مقدس فاصله می‌گیریم. یک راهبه زندگی خدایی را ادامه می‌دهد. زنی که برای راهبه شدن وارد کلیسا می‌شود، خودش تصمیم می‌گیرد. راهبان - مردها - نیز از آنجا که زن در زندگی‌شان نیست، خود و زندگی‌شان را وقف خدا کرده‌اند، ریش و موهایشان را بلند می‌کنند. رنگ سیاه پوشش راهبه‌ها و راهبان در مسیحیت مفهوم خاصی دارد و نشانه مرگ در جهان است. به همین خاطر من شنا و رقص نمی‌کنم و برای خدمت به خدا و کمک به نیازمندان آماده‌ام. فلسفه ما آمادگی برای مرگ است. بر اساس کتاب مقدس حضرت مسیح بازخواهد گشت.

دست‌دادن ما با مردان نیز به دلیل این است که ما خود را به خاطر گناه حضرت حوا گناهکار دانسته، خود را شایسته دست‌دادن با مردان نمی‌دانیم.

قدیری: ما شیعیان به عروج حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> معتقدیم و بر این باوریم که شخصی مشابه ایشان به صلیب کشیده شده است. ضمناً معتقدیم حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> با حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> امام دوازدهم شیعیان ظهور خواهند کرد و جزو یاران ولی عصر<sup>(عج)</sup> خواهند بود.

معتقدیم او هرگز ادعا نکرد که فرزند خداست و معتقدیم دیگران از فرط علاقه به او چون پدر نداشت، او را فرزند خدا نامیدند؛ حال آنکه حضرت آدم<sup>(ع)</sup> و حوا<sup>(س)</sup> نه پدر داشتند و نه مادر و کسی ادعا ندارد که آنها فرزند خدایند، بلکه همگی آنها را مخلوق خدا می‌دانیم.

همچنین معتقدیم هرکس مسئول اعمال خود است و زنان نباید به سبب خطای حضرت حوا<sup>(س)</sup> احساس گناه کنند و پاسخگوی اشتباه او باشند. ضمناً معتقدیم خداوند حضرت آدم و حوا را بخشیده است و جایگاه آنها بهشت است. ضمناً ما حضرت مریم<sup>(س)</sup> را نیز معصوم می‌دانیم. فلسفه دست‌ن دادن زنان در اسلام نیز برای رعایت مقام زن و احترام به اوست.

مرگ حق است و دنیای دیگری وجود دارد. حضرت علی<sup>(ع)</sup> امام اول شیعیان در این رابطه می‌فرماید: دنیا مزرعه آخرت است. ما مسلمانان خدا را یکی می‌دانیم و معتقدیم همه انسان‌ها شایسته ورود به بهشت‌اند و آنها هستند که با اعمال خود راهی بهشت می‌شوند و یا خود را از آن محروم می‌کنند.

ما معتقدیم اگر کسی فردی را نجات دهد، مثل این است که تمامی بشریت را نجات داده است. پوشش سیاه در جوامع اسلامی علامت مرگ نیست، بلکه به دلیل جلوگیری از بازتاب نور و ممانعت از نمایان شدن اندام بدن می‌باشد. از سوی دیگر پوشیدن لباس‌های رنگی به شرط رعایت حجاب و نمایان نشدن بدن بلامانع است.

نقاط مشترک بین ادیان اسلام و مسیحیت نیز زیاد است. می‌توانیم به عنوان پیروان دو مذهب مهم الهی با

اهداف مشترک علیه پورونوگرافی، فساد، بی‌عدالتی و حمایت از ستمدیدگان و خیلی امور دیگر همکاری کنیم.

انتظارم از شما خواهر مذهبی این است که مثلاً زمانی که زنان مسلمان محجبه در فرانسه از تحصیل محروم می‌شوند، اعتراض کنید. اگر حضرت مریم<sup>(س)</sup> امروز حضور داشت در فرانسه و برخی کشورها برای او حق تحصیل و کار قائل نبودند.

**مادر روحانی:** یکی از مادران مقدس در فرانسه در رشته حقوق تحصیل می‌کرد. به او گفتند که به خاطر حجابت نمی‌توانی تحصیل کنی، او گفت این عادلانه نیست و اگر به من فشار بیاورید مسئله را به مطبوعات می‌کشانم. این مادر مقدس در آنجا انقلابی به پا کرد و نهایتاً مسئولان مجبور شدند حجاب او را بپذیرند.

**قدیری:** در مورد اقلیت‌های مذهبی در ایران باید بگویم که آنها از احترام ویژه‌ای نزد مردم برخوردارند. از آنجا که تعداد آنها کم است و در تمامی مناطق پراکنده‌اند، نمی‌توانند در انتخابات منطقه‌ای موفق شوند. ما برای حضور اقلیت‌های دینی در مجلس، شرایطی را فراهم کردیم که انتخابات برای آنها سراسری باشد. در حال حاضر جامعه مسیحیان دو نماینده و یهودیان یک نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند.

این را هم بگویم که به اعتقاد ما بین صهیونیست‌ها و یهودی‌ها فرق است، هرچند یک صهیونیست می‌گوید که یهودی است. مثلاً طالبان در افغانستان نماینده اسلام محسوب نمی‌شوند؛ همان‌طور که فاشیسم و نازیسم علی‌رغم ادعای مسیحی‌بودنشان برابر با مسیحیت نیستند و

همین‌طور صهیونیست با یهودیت هم‌طراز نیست. ما صهیونیسم را مثل فاشیسم و نازیسم حزب و جریانی جنایتکار می‌دانیم، در حالی که یهودیت و مسیحیت را ادیان الهی می‌شناسیم و برای پیروان واقعی آنها احترام زیادی قائلیم.

ما از حق خواهران روحانی برای تحصیل در ایران حمایت می‌کنیم و توقع داریم شما نیز از حقوق زنان مسلمان در جوامع مسیحی حمایت کنید. در یونان فیلمی اهانت‌آمیز علیه حضرت عیسی مسیح<sup>(ع)</sup> به نمایش گذاشته شد که ما در ایران به اکران این فیلم اعتراض کردیم. در ایران توهین به پیامبران و به‌ویژه حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> و حضرت مریم<sup>(س)</sup> جرم و توهین به اسلام محسوب می‌شود. این، باور ماست.

**مادر روحانی:** موضع شما از مواضع بسیاری از مسیحیان و حتی ارتدکس‌های یونان بهتر بود؛ زیرا اغلب ارتدکس‌ها متوجه این بی‌حرمتی نشدند؛ از این جهت شما یک مسیحی واقعی هستید. حتی یکی از هنرپیشه‌های این فیلم نیز ارتدکس بود. من از ملاقات و گفت‌وگو با شما خوشحال شدم و از جنابعالی برای بازدید و گفت‌وگو به کلیسای ارتدکس دعوت می‌کنم.

در خاتمه دکتر قدیری یک جلد قرآن و یک لوح فشرده حاوی فیلم مریم مقدس اهدا کرد که مورد استقبال راهبه ارتدکس قرار گرفت.

## ملکه دانایی یا ملکه زیبایی!

محمدحسن قدیری ابیانه، سفیر جمهوری اسلامی ایران در مکزیک، در اولین کنگره بین‌المللی آموزش راهنمایی و متوسطه در شهر مکزیکوسیتی است.

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

خانم‌ها و آقایان!

خیلی متشکرم که در این اجلاس فرصتی را در اختیار اینجانب قرار دادید تا درباره موضوعی که نام آن را «ملکه دانایی یا ملکه زیبایی» قرار داده‌ام، با شما صحبت کنم.

حضرت محمد (ص) پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند که یک ساعت تفکر از هفتاد سال عبادت بالاتر است. گرچه شما همگی اهل فکرکردن هستید و به این منظور در اینجا گرد هم آمده‌اید، لیکن امیدوارم صحبت‌های اینجانب شما را به تفکر بیشتر و دست‌کم شناخت بیشتر در مورد اعتقادات ما ترغیب کند.

حضرت امام خمینی (ره) معلمی را شغل پیامبران نامیده است. اسلام، تحصیل و تدریس علم را اگر با هدف صحیح انجام گیرد، عبادت خدا می‌داند.

قبل از ورود به بحث اصلی که درباره موضوع آموزش است، لازم می‌دانم دیدگاه اسلام را در مورد زن و روابط زناشویی بیان کنم. کاتولیک‌ها روابط جنسی را امر بدی می‌دانند که برای بقای نسل بشر ضروری است و به همین دلیل کشیش‌ها و راهبه‌ها برای نزدیکی بیشتر با خدا از ازدواج پرهیز می‌کنند. در فرهنگ رایج غربی این روابط امری خوب تلقی شده است و جذابیت جنسی نه‌تنها یک



ارزش زناشویی، بلکه به یک ارزش اجتماعی و حتی تجاری تبدیل شده است.

اسلام حد میانه‌ای بین این دو تلقی را می‌پذیرد.

در اسلام روابط زناشویی یک امر خوب و ضروری تلقی می‌گردد؛ به نحوی که پیامبر گرامی اسلام (ص) ازدواج را نیمی از ایمان دانسته است و افراد مذهبی معمولاً زودتر از دیگران ازدواج می‌کنند.

بنابراین زیبابودن و از نظر جنسی جذاب بودن یک نعمت الهی و یک ارزش محسوب می‌گردد. لیکن در اسلام یک ارزش زناشویی است و نباید به ارزش اجتماعی و یا تجاری و تبلیغاتی تبدیل گردد.

به همین لحاظ نیز زنان و مردان مسلمان چنانچه خود را برای همسر خود در خلوت بیارایند و جذاب‌تر کنند، ثواب می‌برند؛ لیکن جذابیت جنسی نباید وارد روابط اجتماعی شود. در اسلام ارزش اجتماعی زن یا مرد به اندازه قد، دور کمر، رنگ و نژاد او نیست، بلکه به ایمان، آگاهی، سواد و اعمال نیک انسانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مانند آن بستگی دارد؛ لذا زنان مسلمان وقتی از خانه خود خارج می‌شوند؛ بدن خود را می‌پوشانند تا به عنوان یک عنصر جذاب جنسی وارد روابط اجتماعی نشوند؛ همان‌گونه که حضرت مریم<sup>(س)</sup> چنین لباس می‌پوشید.

تاریخ از ترکیب بدنی حضرت مریم<sup>(س)</sup> چیزی ننوشته است؛ زیرا با نوع پوشش خود به کسی اجازه نمی‌داد که او را از این بابت مورد قضاوت قرار دهند و هرچه در تاریخ درباره آن حضرت به رشته تحریر در آمده است، در مورد معنویت، انسان‌دوستی و کارهای خیر و کلام نافذ وی و

نقش مهم مادری است که در مورد عیسی مسیح (ع) ایفا کرده است.

بنابراین زنان مسلمان حجاب اسلامی خویش را پرچم آزادگی خود و احترام به شخصیت خود می‌دانند و به آن افتخار می‌کنند.

حال این سؤال مطرح است که چه روشی برای زنان یک جامعه و از جمله برای دانش‌آموزان و دانشجویان بهتر است یا اینکه جذابیت جنسی یک ارزش زناشویی باقی بماند بهتر است؟ و یا اینکه ارزش اجتماعی و اقتصادی نیز باشد، به نفع زنان است؟

واقعیت این است که ما مسلمانان استفاده از بدن زنان برای فروش کالاها و تقلیل مقام زن به یک عنصر تبلیغاتی جنسی را توهین به شخصیت زن تلقی می‌کنیم.

ما دعوت از زنان برای حضور نیمه‌عریان و جذاب و جنسی در مهمانی‌ها، هتل‌ها، فروشگاه‌ها و غیره را تحقیر زنان تلقی می‌کنیم؛ تحقیری که در غرب به عنوان یک ارزش اجتماعی و حتی شغلی محسوب می‌شود و متأسفانه تعداد قابل توجهی از زنان به آن تن داده‌اند.

اینک وارد بحث آموزش و پرورش و ترتیب جوانان و به‌ویژه دختران می‌شویم. مسابقه‌ای در فرهنگ کشورهای لائیک وجود دارد که به دختر شایسته یا زیبا و جذاب معروف است. در بازدید از یکی از شهرها به وجود مسابقه‌ای پی بردم که در آن هر ساله زیباترین دختر شهر انتخاب می‌شود و در طول سال وی پرچمدار شهر در مراسم مختلف است. حال این سؤال مطرح است که آیا باید زیباترین دختر، افتخار پرچمداری یک شهر را برعهده گیرد و یا با سوادترین آنها.

آیا بهتر نیست مسابقه بین دختران برای عرضه اندام و جذابیت خویش به مسابقه داناترین و با سوادترین اعم از پسر و دختر تبدیل شود؟ آیا بهتر نیست از کسانی تجلیل گردد که آنچه را دارند، خود به دست آورده باشند و نتیجه تلاش خود آنها باشد؟

آیا بهتر نیست از ارزشی تجلیل گردد که حاصل آن به نفع همه جامعه است؟

آیا نمایش جذابیت‌های جنسی جز تحریک جنسی در جامعه نتیجه‌ای دارد که در موارد بسیاری منشأ تجاوزها و فسادهاست. به همین لحاظ نیز مسابقه دختر زیبا که در قبل از انقلاب اسلامی در ایران توسط رژیم دیکتاتوری شاه رواج داده می‌شد، تعطیل گردید و امروزه در ایران اسلامی جذابیت جنسی یک ارزش اجتماعی و تجاری نیست، بلکه دانش، اختراع، فعالیت‌های اجتماعی و انسان‌دوستانه و ایمان به خدا ارزش است.

مایه تأسف است که در کشوری مثل فرانسه دختران مسلمان نوجوان دانش‌آموز که مایل نیستند اندام و زیبایی‌های خود را به نمایش بگذارند، قانوناً از تحصیل محروم می‌گردند و از حق تحصیل همجنس‌گرایان صحبت می‌شود و مدارس خاص نیز برای آنها تدارک می‌گردد تا در جمع دیگر دانش‌آموزان احساس تحقیر نکنند.

در فرانسه یکی از وزرای فرهنگ این کشور درحالی که به همجنس‌گرایی خود اعتراف و افتخار می‌کرد که اگر امروز حضرت مریم (س) حضور می‌داشت به سبب حجابش حق تحصیل و اشتغال نداشت.

آمارهایی را از برخی کشورهای اروپایی بدون ذکر نام آنها ذکر می‌کنم:

– در یکی از این کشورها از هر سه زن به یکی تجاوز شده است.

– از هر چهار زن یک زن تجربه اول خویش را با برادر خود داشته است.

– هر مردی که سه فرزند دارد، یکی از آن او نیست و خود نمی‌داند.

– تحقیقات دانشمندان یک دانشگاه آمریکایی نشان می‌دهد که زنانی که در حضور اجتماعی خود نگران ظاهر خویش‌اند، بخشی از توان ذهنی خویش را از دست می‌دهند.

خانم‌ها و آقایان!

در اسلام- همان‌طور که در ابتدا ذکر شد- روابط جنسی یک نیاز بیولوژیک بدن و یک امر مطلوب محسوب می‌گردد؛ لیکن این امر باید در چارچوب روابط زناشویی انجام پذیرد.

چون امری پسندیده است، یکی از ملاک‌های ازدواج در اسلام رسیدن به سن بلوغ جنسی است. در غرب ازدواج زیر هیجده‌سال را برای دختران ممنوع می‌کنند و این، بدان‌معناست که در چند ساله اول بلوغ و اوج خواسته‌های جنسی از یک طرف آن را ممنوع می‌کنند و از سوی دیگر در اوج سن بلوغ در مدارس مختلط به سر می‌برند و این درحالی است که از در و دیوار شهر تحریک جنسی آنها را احاطه کرده است و نتیجه آنکه راه‌حل برای جلوگیری از حاملگی دختران دانش‌آموز، اهدای وسایل پیش‌گیرنده می‌باشد که نمونه آن در این اجلاس به نمایش درآمد و البته این امر نیز کفایت نمی‌کند.

در ایران مدارس دختران و پسران - به‌ویژه در سن بلوغ - جداگانه است و این امر در تمرکز تحصیلی دانش‌آموزان بسیار مؤثر است.

به هر حال از آنجا که در پیشرفت همه‌جانبه یک کشور آگاهی و دانایی بیشترین تاثیر را دارد و از آنجا که به عقیده ما مسلمانان جذابیت جنسی نباید یک ارزش اجتماعی و تجاری باشد، برای اینکه علم‌آموزی مورد تشویق قرار گیرد، به همه ملت‌های جهان پیشنهاد می‌کنم که انتخاب دختر باهوش را جایگزین دختر زیبا کنند و یا بهتر آنکه مسابقه باهوش‌تر و باسوادتر بودن را ملاک قرار دهند که هم دختران و هم پسران بتوانند در این رقابت‌ها شرکت نمایند و برندگان این مسابقات علمی، حمل‌کننده پرچم شهر خویش و سمبل جوان و دانش‌آموز موفق معرفی گردند.

اجازه می‌خواهم صحبت خود را با آماری از تحصیلات دانشگاهی ایران به پایان برم و آن اینکه بیش از ۶۴ درصد از چهارمیلیون دانشجوی دانشگاه‌های ایران را دختران تشکیل می‌دهند. حدود ۳۵ درصد کادر علمی دانشگاه‌ها و ۶۰ درصد پزشکان کشور نیز زن هستند. مقام بهترین مخترع جوان جهان را طی دو سال پیاپی یک دختر مسلمان ایرانی به خود اختصاص داد.

از توجه‌تان متشکرم. خدا نگهدارتان.



فصل پنجم

شکند

روشی برای ترویج مسیحیت

The Horrors of The Church  
and its Holy Inquisition



در حالی که مسیحیان در اقدامات تبلیغی خود، کلیساها و مسیحیان را صلح‌دوست و انسان‌دوست و به دور از خشونت معرفی می‌کنند، شکنجه ابزار عادی آنان در تغییر مذهب دیگران و تحمیل دیدگاه‌های‌شان داشته است.



شکنجه‌های بسیار فجیع که به‌ویژه در مستعمرات به کار می‌بسته‌اند.

صدور حکم اعدام برای گالیله به این دلیل که زمین را کروی معرفی کرده بود، زبان‌زد خاص و عام می‌باشد. «در طی دوره قرون وسطی و حاکمیت کلیسا کار پاپ و روحانیت مسیح تکفیر و تحریم بود و میلیون‌ها انسان حق‌جو و دانشمند را اعدام و شکنجه کردند. پاپ و روحانیت کلیسا در این دوران جان ملت‌ها را به لب رساندند. آنان دستگاه گسترده تفتیش عقاید و افکار دایر کردند و کلیه مخالفان فکری عقیدتی خود را اعدام و سرب‌نیست کردند. نویسنده کتاب علم و دین می‌گوید: در این دوره سیاه پنج‌میلیون نفر به جرم اندیشیدن و سرپیچی از فرمان پاپ به دار زده شدند، گروه بسیاری را در سیاه‌چال‌های تاریک و مرطوب روم و... زندانی کردند، از سال ۱۴۸۱ تا ۱۴۹۹ میلادی، یعنی در طی هیجده‌سال به دستور دادگاه تفتیش عقاید، ۱۰۲۲۰ نفر را زنده سوزاندند، ۶۸۶۰ نفر شقه کردند و ۹۷۰۲۳ نفر را زیر شکنجه کشتند».<sup>۷۹</sup>

تصاویر زیادی با جست‌وجو در صفحات تصاویر سایت‌های جست‌وجو و با واردکردن دو عبارت شکنجه و کلیسا (Torture + Church) قابل مشاهده می‌باشد.

امروزه موزه‌های زیادی در جهان وجود دارند که ابزار شکنجه و طریق انجام آن را به نمایش گذاشته‌اند. یکی از

۷۹. ر.ک: عبدالله مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، جلد دوم.

موزه‌های مورد اشاره در شهر مکزیکوسیتی قرار دارد که نگارنده شخصاً از آن بازدید کرده است.  
صندلی تمام میخی و نیز سایر ابزار شکنجه مورد استفاده کلیسا برای قبولاندن تثلیث





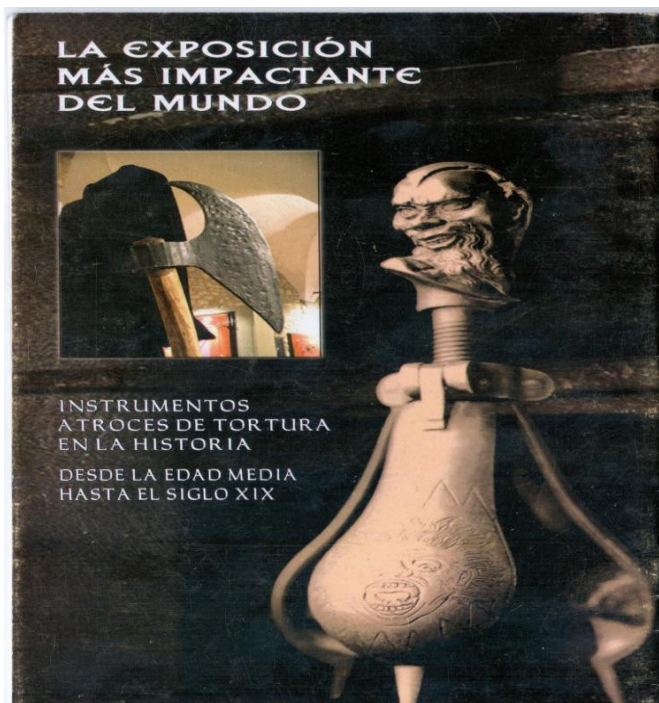
اره‌های بزرگی که برای دونیم‌کردن متهم به کار می‌رفته است،



ظرف هیجده سال ۶۸۶۰ نفر با اره شقه شدند.

یا میله‌هایی که از مقعد زندانی فرو رفته و از دهانش خارج می‌گردد، یا هرم‌هایی چوبی یا فلزی که مقعد معارض را روی آن قرار داده و او را به پایین می‌کشند تا متهم دونیم شود و بسیاری از شکنجه‌های دیگر از قبیل کندن پوست کامل فرد در حالی که زنده است. شکنجه‌گران آن، کشیشان و راهبه‌ها بوده‌اند و در موارد زیادی شکنجه‌گاه‌ها در خود کلیساها بوده است.





ابزار مندرج در تصویر را وارد رحم یا مقعد کرده، سپس با پیچاندن آن، پره‌ها را باز و از درون بدن پارگی ایجاد می‌کردند.





در تصویر فوق مقعد یا دریچه رحم فرد را در نوک تیز جسم حرمی شکل قرار داده، آن را به پایین می‌کشند تا او را پاره پاره کنند. تصویر زیر پوزه‌بند برای زندانیان است. فرد را پس از شکنجه‌های بسیار در درون قفسه فلزی قرار می‌دادند و به او آب و غذا نمی‌دادند تا یا به اعتقاد مسیحیان درآید و مسیح را خدای خود بداند و یا از



گرسنگی بمیرد و بر اثر مرور زمان استخوان‌هایی بیش از او نماند. نمایش این وضعیت برای ایجاد رعب و وحشت در دیگر زندانیان نیز مفید تشخیص داده می‌شد.







تصویر یک شکنجه رایج در ملأ عام برای ترویج مسیحیت  
کندن پوست کامل افراد زنده در شکنجه‌گاه‌های کلیسا یکی  
از روش‌های معمول بوده است. تصویر، شکنجه‌گران را در  
حال بریدن پوست دست نشان می‌دهد.



غرق آب مصنوعی که امروزه آمریکایی‌ها در شکنجه به کار می‌گیرند، در قرون وسطی توسط کلیسا به کار گرفته می‌شد.



[tormentodelagua02.jpg](#)

400 × 295 - Medieval waterboarding used on a heretic or witch by the Catholic Church







## طرح پرسش‌های مربوط به کتاب

۱. عامل اصلی مجرد ماندن کشیشان چه بوده است؟
  - الف) همگی را فرزند خود بدانند.
  - ب) به خدا نزدیک‌تر باشند.
  - ج) نتوانند درآمدهای کلیسا را خرج خانواده کنند.
  - د) هیچ‌کدام.
  
۲. هدف اصلی از مراسم اعتراف به گناهان و بخشش آن در کلیساها چه بوده است؟
  - الف) کنترل جامعه.
  - ب) کسب درآمد برای کلیسا.
  - ج) هیچ‌کدام.
  - د) هر دو (الف و ب).
  
۳. از نظر کلیسا غسل تعمیدی که توسط کشیشان متجاوز به کودکان صورت می‌گیرد، چه وضعیتی دارد؟
  - الف) قبول است.
  - ب) قبول نیست.
  - ج) نیاز به تجدید دارد.
  - د) موارد الف و ب.
  
۴. چرا کلیسا گالیله را محکوم به اعدام کرد؟
  - الف) نفی خدا.
  - ب) نفی حضرت مسیح (ع).
  - ج) کروی دانستن زمین.
  - د) هر سه مورد.

۵. نظر کلیسا در قرون وسطی در مورد شکنجه چه بود؟

الف) مخالف شکنجه بود.

ب) موافق شکنجه بود.

ج) عامل شکنجه بود.

د) مورد ب و ج

۶. نظر انجیل در مورد حجاب زنان چیست؟

الف) نظری نداده است.

ب) رعایت حجاب زنان را به خود آنان واگذار کرده

است.

ج) بر رعایت حجاب توسط زنان تأکید دار.

د) هیچ کدام.

۷. دلیل قرآن برای رد الوهیت حضرت مسیح (ع) کدام

است؟

الف) خلقت وی مثل خلقت آدم است (بدون پدر و مادر)

و خدا گفت باش و شد.

ب) مسیح (ع) غذا می خورد.

ج) خدا بی نیاز از فرزند است.

د) هر سه مورد.

۸. در مورد دیدگاه‌های مسیحیان، یهودیان و مسلمانان

درباره حضرت مسیح (ع) کدام دیدگاه وجود دارد؟

الف) مسیحیان حضرت مسیح را فرزند خدا می دانند.

ب) مسلمانان او را پیامبری اولوالعزم و بدون پدر

می دانند.

- ج) یهودیان معجزه‌ای برای آن حضرت قائل نبوده، او را فرزند نامشروع گناه بزرگ حضرت مریم<sup>(س)</sup> می‌دانند.
- د) هرسه مورد.

۹. کدامیک از معجزات زیر در قرآن آمده که در انجیل ذکر نشده است؟

- الف) برای حضرت مریم<sup>(س)</sup> از بهشت میوه فرستاده می‌شد.
- ب) حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> در کودکی به سخن گفتن پرداخت.
- ج) غذایی که در بین مسیحیان به شام آخر معروف است، معجزه و ارسالی از سوی خداوند بود.
- د) هرسه مورد.

۱۰. ویژگی حضرت مریم<sup>(س)</sup> مطابق با باور مسیحیان کدامیک از موارد زیر است؟

- الف) مادر خدا.
- ب) همسر خدا.
- ج) انسانی از نسل آدم و هوا.
- د) هرسه مورد.

۱۱. دیدگاه مسیحیان کاتولیک درباره ازدواج چیست؟

- الف) یک امر طبیعی است.
- ب) یک بد ضروری است.
- ج) امری خوب و ضروری است.
- د) هیچ‌کدام

## ۱۲. مبنای مراسم غسل تعمید چیست؟

- الف) همه ابنای بشر گناهکار به دنیا می آیند.
- ب) نسل آدم و هوا حامل گناه آن دو است.
- ج) غسل تعمید برای حذف گناه ذاتی بشر و بازکردن راه ورود به بهشت برای آنهاست.
- د) هر سه مورد.

## ۱۳. نان و شرابی که در مراسم عشای ربانی در کلیساها

به پیروان می دهند تا بخورند، سمبل چیست؟

- الف) دعای اینکه همواره از خوراک بهره مند باشند.
- ب) سمبل گوشت و خون حضرت مسیح (ع) که او را خدا (خدای پسر) می دانند.
- ج) سمبل نعمت هایی که خداوند به انسان داده است.
- د) هیچ کدام.

## ۱۴. در انجیل از قول حضرت مسیح (ع) چه نقل شده است

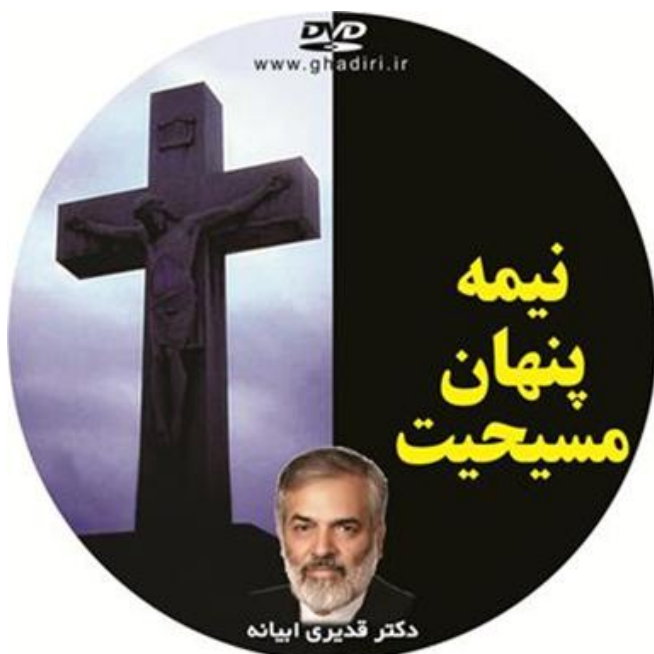
که مبنای مراسم عشای ربانی شده است؟

- الف) بدن و خون من خوردنی حقیقی است.
- ب) هر که مرا بخورد، در من ساکن و جاوید می شود.
- ج) هیچ کدام.
- د) هر دو مورد.



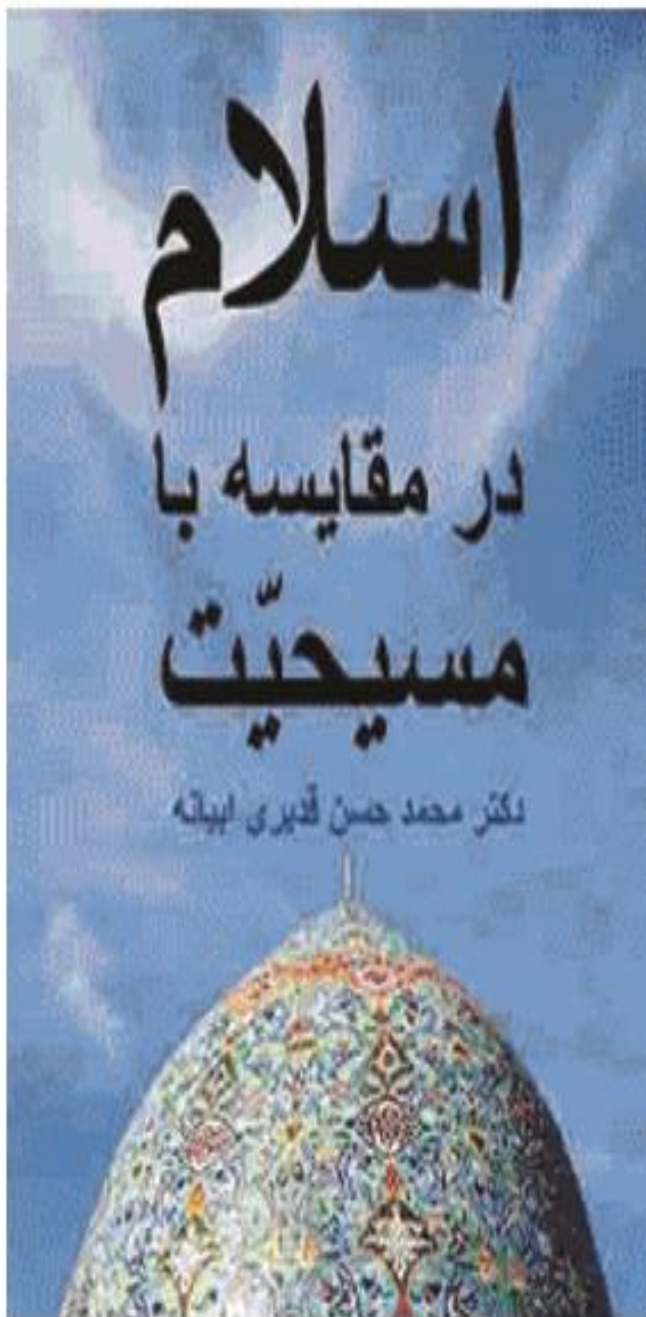
## جدول برای درج پاسخ سؤالات

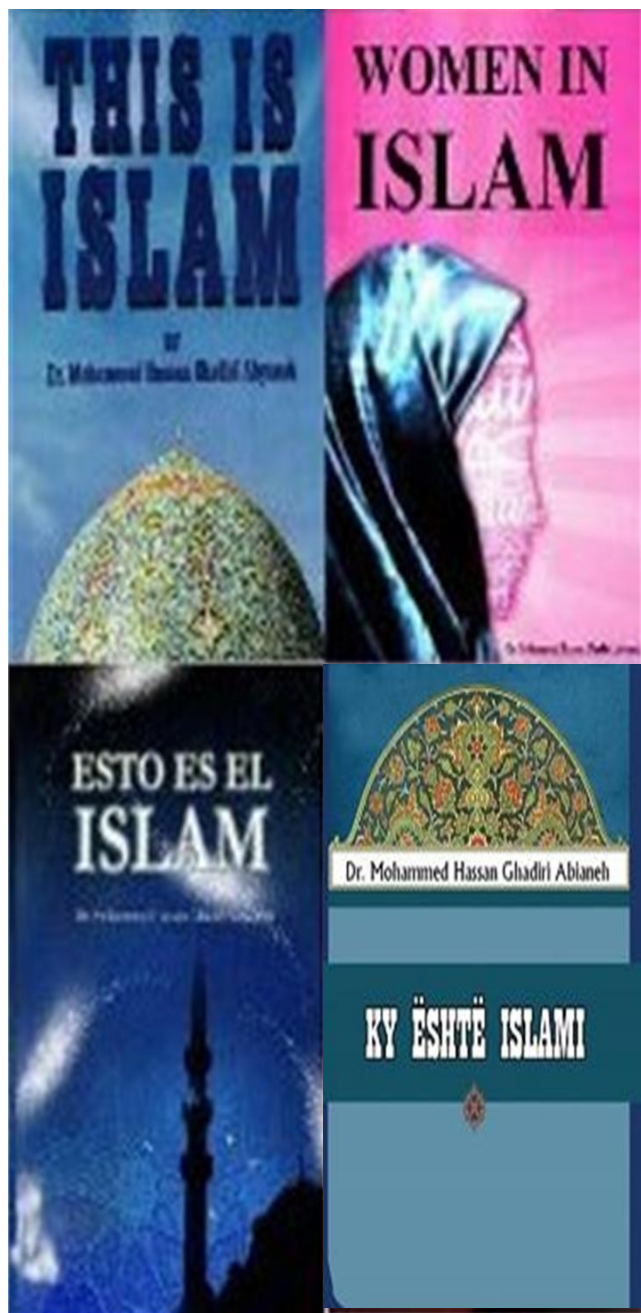
سؤال	الف	ب	ج	د
۱	الف	ب	ج	د
۲	الف	ب	ج	د
۳	الف	ب	ج	د
۴	الف	ب	ج	د
۵	الف	ب	ج	د
۶	الف	ب	ج	د
۷	الف	ب	ج	د
۸	الف	ب	ج	د
۹	الف	ب	ج	د
۱۰	الف	ب	ج	د
۱۱	الف	ب	ج	د
۱۲	الف	ب	ج	د
۱۳	الف	ب	ج	د
۱۴	الف	ب	ج	د



# اسلام در مقایسه با مسیحیت

لکتر محمد حسن قنبری ابطا





# سبک اقتصادی، فرهنگی زندگی

از خود تحریمی در اقتصاد معتاد به نفت  
تا عزم ملی و مدیریت جهادی در اقتصاد مقاومتی

(فرهنگ کار آفرینی)

دکتر محمد حسن قدیری ایبانه

